



انترناسیونال ۲۹۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۱۸ اردیبهشت، ۸ مه ۲۰۰۹

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com سردبیر: محسن ابراهیمی



**دنیا را زیر پای جنایتکاران
و قاتلین کودکان داغ کنیم**
اعلام هفته علیه اعدام (شنبه ۹ مه تا شنبه ۱۶ مه)

صفحه ۱۶



**شرکت
گسترده حزب
در تظاهرات
روز جهانی کارگر**

صفحه ۱۰

یک اول مه استثنائی در جهان و در ایران



حمید تقوائی

اول ماه مه امسال از يك شرايط
كاملا استثنائی برخوردار بود. اين
يك اول مه استثنائی بود و بنظر من،
سالی هم که در پیش داریم - هم در
سطح جهانی و هم در سطح ایران - يك
سال استثنائی خواهد بود.

وقتی اول ماه مه امسال را بر
متن شرايط جهانی کنونی بررسی
می کنیم، آن چیزی که در درجه اول به
چشم می خورد مواجهه کارگران و کل

آزاد که هیچ قید و بندی در مقابل
خودش نمی بیند و برای بیشتر از يك
دو دهه است که بشکل كاملا
افسارگسیخته ای، خاك دنیا را به
توپره كشيده است. آن سرمایه داری که
با "تاچر" و "ریگان" شروع شد و در
تمام دوره بعد از جنگ سرد، حرف اول
و آخر را در همه جای دنیا می زد و
حتی مدعی بود که تاریخ به پایان
رسیده است. مدعی بود که تنها
سیستم اقتصادی- اجتماعی ممکن و
مطلوب سرمایه داری است و هیچ
آلترناتیو واقعی به جز سرمایه داری
بازار آزاد، آینده بشریت را رقم نمی
زند. مدعی بود سرنوشت دنیا و
سرمایه داری مدل "ریگان"، "تاچر" و

صفحه ۲

فقط بلحاظ اقتصادی نیست که با
بحران روبرو است. ابعاد این بحران،
بسیار وسیعتر از اقتصادیات است.
بورژوازی از نظر سیاسی، اجتماعی و
بویژه ایدئولوژیک، یعنی از لحاظ
فکری و تبیین نظری مسائل و روند
تغییرات دنیا نیز با يك بحران و
سردرگمی عمیق مواجه است. ما در
دوره ای به این بحران رسیده ایم که
دوره طلایی سلطه سرمایه داری ناب
و خالص، یعنی سرمایه داری مدل
بازار آزاد، در همه کشورها بود. یعنی
دوره پیروزی سرمایه داری بازار آزاد بر
مدل سرمایه داری دولتی، که دو دهه
قبل تحت نام سوسیالیسم مرگش را
جشن گرفتند. دوره سرمایه داری بازار

در صفحات دیگر

- 9 اول مه 88، گامی مهم در پیشروی جنبش انقلابی مردم ایران
- 6 اعتراض معلمان و جایگاه کانون صنفی شهلا دانشفر
- 7 طناب دار را میبینم، کمکم کنید مینا احدی
- 8 "ریسک انقلاب" محمد کاظمی
- 12 قطعنامه کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر
- 13 گزارش از مراسمهای اول مه در ایران
- 15 نامه خلیل کیوان به سازمانهای کارگری در باره دستگیر شدگان اول مه
- 17 نامه مینا احدی به نهادها ... در اعتراض به اعدام دلارا
- 17 جمهوری اسلامی دلارا را کشت! پیروز باد مبارزه برای سرنگونی
- 19 معلمان در چندین شهر دست به تجمع اعتراضی زدند
- 18 به رابطه با رژیم آدمکشان جمهوری اسلامی خاتمه دهید
- 15 سفر خامنه ای به سندج و نمایش ترس و وحشت رژیم
- 20 صدای مردم در کانال جدید

**کمپین ۳۰۰ هزار دلاری
برای تامین کانال جدید**

صفحه ۲۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ یک اول ماه استثنائی ...

"بوش" بهم پیوند خورده و بشریت آینده‌ای جز سرمایه‌داری هر چه بی بند و بست تر، افسارگسیخته تر و مهارگسیخته تر ندارد. تمام این ادعاها، مکتب سیاسی، فلسفی و اجتماعی خودش را هم با خودش آورد. از "ملتتون فریدمن" (فریدمنیسم) و مکتب شیکاگو در اقتصاد گرفته تا تز "نسبیت فرهنگی" و "مالتی کالچرایسم" و اینکه رقابت حرف اول و آخر را می‌زند و تا این تر که بدون بازار آزاد، دموکراسی و آزادیهای اجتماعی و سیاسی هم معنا ندارد. این نظرات برای دو دهه بر دنیا مسلط بود. طی بیش از دوده با مدیا و رادیو و تلویزیون‌های جهانی، مهندسی افکار کردند و در تمام دنیا، از شرق و غرب و دنیای باصطلاح جا مانده از امپراطوری ش (آسمی که ریگان به شوروی داده بود) و نیز در کشورهای صنعتی غرب، در همه جا، این ادعایشان گوش فلک را کر کرد که سرمایه‌داری بازار آزاد، همه چیز است! تنها راه است و در اقتصاد و سیاست و فلسفه و جامعه‌شناسی و غیره حرف اول و آخر را می‌زند. در اوج همین ادعاها است که "وال استریت" فرو میپاشد و کل این سیستم فکری و نظری دود میشود و بهوا میرود.

همانطور که دیوار برلین فرو پاشید، "وال استریت" هم فرو پاشید. اولی نتیجه ورشکستگی مدل سرمایه‌داری دولتی بود و دومی ورشکستگی سرمایه‌داری بازار آزاد. آن چیزی که اینها با فروپاشی شوروی و دیوار برلین، شکستش را جشن گرفته بودند، در واقع، سرمایه‌داری دولتی نوع روسی بود و اکنون، با فروپاشی "وال استریت"، مدل سرمایه‌داری بازار آزاد هم به آخر خط میرسد و دیگر هیچ آینده و آلترناتیوی برای سرمایه‌داری باقی نمانده است. دقیقاً به همین دلیل است که سرمایه‌داری جهانی، دیگر نه فقط در اقتصاد بلکه در فلسفه، در هنر، در تریهای اجتماعی و نظریه پردازی هایش برای تاریخ گذشته و برای آینده هیچ حرفی ندارد و متفکرانشان دارند این را اعتراف می‌کنند. همه شان - با حیرت و شگفتی - دارند به این نکته اعتراف می‌کنند که توضیح و تبیینی ندارند. گویا بشریت تا حالا به این نتیجه نرسیده

بود که سرمایه‌داری، راه حل دنیا نیست و این آقایان و خانم‌های متفکر اقتصاددان، دولتمدار، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس بانک جهانی، سرمقاله‌نویس "نیوزویک" و "گاردین" و گوینده "سی ان ان" و "بی بی سی"، تازه امروز کشف کرده‌اند که مثل اینکه یک چیزی اشتباه بوده است. گوئی تازه امروز معلوم شده رشد و انباشت سرمایه برای مردم خوشبختی نمی‌آورد. با اینهمه صادق‌ترین این افراد، متحیرترین هایشان هستند. هر چه صادق‌تر باشند، گیج‌تر، بی‌افق‌تر و بی‌آینده‌تراند. صادقانه اعتراف می‌کنند که نمی‌فهمیم چه شد! آنهایی که پاور داشتند سرمایه‌داری مدل "ریگان" و "بوش" قرار است دنیا را گلستان کند، به آخر خط و انتهای معنای زندگی‌شان رسیده‌اند و دیگر هیچ تبیینی ندارند. نمی‌دانند برای چه تاکنون زنده بوده‌اند، برای چه چیزی جنگیده‌اند و چه پرچمی را بلند کرده‌اند. نمیدانند، بی‌اس و بی‌آیندگی، همه‌شان را فرا گرفته و آنها که هنوز فعال هستند و امیدیه به آینده‌داند و تلاش میکنند یک طوری این بحران را حل کنند، اعلام می‌کنند که نمی‌دانیم راه حل چیست! نمی‌دانیم چطور حل می‌شود و چه موقع حل می‌شود. در کنار این بساط حیرت‌زدگی، بی‌آیندگی، بی‌افقی و سردرگمی، دولت‌ها هستند که - البته - می‌دانند باید چکار کنند! راه حل اینها، ایفای همان نقش همیشگی‌شان، یعنی دفاع از سلطه طبقه سرمایه‌دار است و این در شرایط امروز از جمله در اختصاص کمک‌های هزار - هزار میلیارد دلاری به سرمایه‌های عظیم در حال ورشکستگی بروز پیدا میکنند! کمک به بانک‌ها، "وال استریت"، "جنرال موتورز"، کمپانی‌های بیمه، صندوق بین‌المللی پول و شرکت‌های بزرگ چند ملیتی با سرمایه‌های چندین هزار میلیارد دلاری. و این پول‌ها از کجا می‌آید؟ از جیب مردم! از محل مالیات‌هایی که اینها از کارکنان، زحمتکش‌ان مردم شریف جامعه جمع کرده‌اند. این "راه حل"، این چپاولگری در روز روشن، آنقدر وقیحانه، صریح و روشن است که حتی صدای کاربدستان خود سرمایه‌داری را هم در آورده است. توضیحی که می‌دهند، این است که

یک عده آدم طماع در "وال استریت" نشسته‌اند، آن را با کازینو اشتباه گرفته‌اند و با سهام بورس قمار کرده‌اند و این وضع را بوجود آورده‌اند! انتظارشان هم این است که مردم بگویند خیلی خوب، فهمیدیم، درست است! راه حل؟ هفتصد میلیارد دلار کمک برای همین قماربازان کازینو باز بی‌مسئولیت طماع! نخستین باری که این کمک هفتصد میلیارد دلاری در دوره بوش تصویب شد، کارگران در نیویورک فریاد زدند به اینها کمک نکنید. زندانی‌شان کنید. مگر نگفتید همین‌ها مقصد؟! اما بعد در دوره اوباما همه دیدند که مدیر "جنرال موتورز" وقتی خواست به سنای آمریکا برود و گزارشی بدهد تا یک بخش بزرگی از هفتصد میلیارد دلار را به کمپانی‌ها و ورشکستگی‌هایشان اختصاص بدهند، با جت شخصی‌اش رفت و با جت شخصی‌اش برگشت! اولین مرحله این کمک را هم که دادند، معلوم شد که مدیران شرکت‌های مالی به خودشان اضافه حقوق و مزایا داده‌اند و از محل این کمک‌ها یک قلم چندین صد هزار دلاری صرف تور بازی گلف مدیران طی یک "ویکند" شده است! طبقه سرمایه‌دار حتی در دوره بحران هم از "لایف استایل" اش نگذشت! حتی از سبک زندگی مافوق تجملی‌اش کوتاه نیامد. در همان موقعی که دستش را در جیب کارگران، مردم کارکن و شریفی کرد که هیچ نفعی در استثمار سرمایه‌داری نداشتند، جت شخصی‌اش را کنار نگذاشت و از بازی گلف صدها هزار دلاری‌اش نگذشت و در مزایای چندین ده میلیارد دلاری‌اش تخفیف نداد! و اینها همه به یمن "چاره جوئیهای" دولتها صورت گرفت. دولت‌های سرمایه‌داری. همان دولت‌هایی که براحتی اینطور توجیه کردند که اشتباه کردیم در بازار دخالت نکردیم! گفتند این وضعیت پیش آمده چون دولت در کار بانکها نظارت نمی‌کرده است! وضعیت بازار "درگولمه" بوده، مقرراتی در کار نبوده و حالا می‌خواهیم مقررات بیابوریم! و وقتی مردم گفتند خیلی خوب، بفرمائید، بیاید کنترل کنید. اولین کار دولتها این بود که هزاران میلیارد دلار بریزد در حلق همان سرمایه‌دارانی که - حالا - باید طبق مقررات دولتی استثمار کنند و ببرند و بچاپند! آن کارگرانی که در اعتراض به

گردهمایی گروه بیست در خیابان‌های لندن براه افتادند، میگفتند - در مصاحبه با بی بی سی - "اینها دارند از پول ما به بانک‌ها کمک می‌کنند تا بعد بانک‌ها همین پول را با بهره به خود ما وام بدهند" و این عین عملکرد و "راه حل" دولتها در این دوره است. بیشتر از یک تریلیون دلار (هزار میلیارد دلار) به بانک جهانی اعتبار دادند در حالیکه خود سازمان ملل اعلام کرده است که فقط با بودجه سالیانه‌ای معادل سی میلیارد دلار، یعنی کمتر از یک بیستم کمک هفتصد میلیارد دلاری دولت آمریکا به بانکها، می‌شود گرسنگی یک میلیارد نفر از مردم جهان را بطور سیستماتیک حل کرد. یعنی میتوان با این بودجه کاری کنیم، اقتصادی سازمان بدهیم که مردمان دنیا بتوانند براحتی زندگی کنند و از خطر مرگ از گرسنگی رها شوند. حالا شما می‌توانید حساب کنید که با یک تریلیون دلاری که به صندوق بین‌المللی پول دادند تا چندین ده سال می‌شد زندگی مردم دنیا از همه جنبه‌ها تأمین کرد و بهبود بخشید.

وقتی من به تصویر این دنیا نگاه می‌کنم، به یاد آن داستان‌های اسطوره‌ای - افسانه‌ای می‌افتم که یک غول و اژدهائی وجود دارد که یک جامعه‌ای را در دست گرفته است، از خوردن مغز مردم تغذیه می‌کند و هر چند صباحی اعلام می‌کند که اگر میخواهید باقی بمانید چند تریلیون دلار به صندوق بین‌المللی پول بدهیم برای اینکه بتواند - حالا معلوم نیست چه زمانی و آیا بشود یا نشود - یک اشتغالی برای شما ایجاد کند و آنموقع، تازه برمی‌گردید به حالت پنج سال قبل‌تان که هیچ چیز نداشتید! ساطور بیکاری هم همچنان بالای سرتان آویزان خواهد بود. قرار است تمام کارها قراردادی بشود. قرار نیست از این پس کسی کار رسمی و مدام داشته باشد. استخدام رسمی در کار نیست. حق بیمه و بازنشستگی در کار نیست، حق بازنشستگی‌ها که اساساً دود شد. کارگری که سی، چهل سال کار کرده و ماه به ماه از حقوقش برداشته و در صندوق بازنشستگی گذاشته بودند، با فرا رسیدن بحران، اولین چیزی که دود شده (و معلوم نیست به جیب کدام سرمایه‌دار سرازیر شده است)، پول‌هایی بوده که در صندوق

رونق! دوره‌ای که می‌گویند اشتباه کرده‌ایم و همه چیز "درگولمه" بوده است. خوب، قبول کردیم و می‌گوییم آقای "فریدمن" یا مکتب شیکاگو اشتباه کرده است. اما چرا وقتی هم که می‌خواهید اشتباهتان را تصحیح کنید، باز، این ما هستیم که باید میلیارد‌ها دلار به همان سرمایه‌دارانی بدهیم که خودتان می‌گوئید باعث این وضعیت بوده‌اند؟! این، همان غول است. یک دیوی است به اسم بازار آزاد که با قوانین کور و دست‌نارم‌اش گلوی مردم را فشار می‌دهد و این مردم - و نه فقط هم کارگران بلکه اساساً هر کسی که سهمی در سود، سرمایه و استثمار ندارد، هر کسی که شریک "جنرال موتورز"‌ها، "ای‌آی‌جی"‌ها و "سی دی" بانک‌ها و غیره نیست - جزء قربانیان این بازار است. در دوره رونق شان، می‌زند و می‌خورند و می‌برند و در دوره بحران‌شان هم، همین کار را می‌کنند. فقط در آمریکا، بخاطر همان "وال استریت" قمار باز و طماع، صدها هزار خانواده، بی‌خانه شدند، خانه‌هاشان را از دستشان گرفتند و مصادره کردند تا جناب سرمایه‌دار با جت شخصی‌اش تشریف ببرد و از جیب همان بی‌خانمان شده‌ها، هفتصد میلیاردش را بگیرد! در مزایایش هم تخفیف نهد، و سبک زندگی‌اش را هم - حتی یک سر سوزن - تغییر نهد. تازه ورشکست شده و در دوره بحران است! می‌گویند باید یک تریلیون دلار به صندوق بین‌المللی پول بدهیم برای اینکه بتواند - حالا معلوم نیست چه زمانی و آیا بشود یا نشود - یک اشتغالی برای شما ایجاد کند و آنموقع، تازه برمی‌گردید به حالت پنج سال قبل‌تان که هیچ چیز نداشتید! ساطور بیکاری هم همچنان بالای سرتان آویزان خواهد بود. قرار است تمام کارها قراردادی بشود. قرار نیست از این پس کسی کار رسمی و مدام داشته باشد. استخدام رسمی در کار نیست. حق بیمه و بازنشستگی در کار نیست، حق بازنشستگی‌ها که اساساً دود شد. کارگری که سی، چهل سال کار کرده و ماه به ماه از حقوقش برداشته و در صندوق بازنشستگی گذاشته بودند، با فرا رسیدن بحران، اولین چیزی که دود شده (و معلوم نیست به جیب کدام سرمایه‌دار سرازیر شده است)، پول‌هایی بوده که در صندوق

از صفحه ۲ یک اول ماه مه استثنائی ...

بازنشتستگی بوده است. کارگران و تولیدکنندگان آینده‌شان به باد می‌رود و اینها براحتی می‌گویند ببخشید ورشکست شدیم! بانک مربوطه ورشکست شد!

این، دنیایی است که ساخته اند. در برابر این دنیا چکار باید کرد؟ پاسخ ما به اینها چیست؟ اینهایی که دزد و جانی و جنایتکار بودند و حالا وقاحت را هم باید به خصائل شان اضافه کرد. یک وقاحت به تمام معنا که آن را با مهندسی افکار و با "علم اقتصاد" شان به مردم قالب میکنند. گویا اقتصاد یک پدیده ای است که دست من و شما و هیچ کس دیگری نیست. گویا همان غول است. همان ضحاک است. همان اژدهای هفت سر است که می‌خورد و می‌برد و هیچ کسی هم نمی‌تواند کاری بکند و قربانیانش، ما کارگران و مردم عادی هستیم. آنهایی که روی کول این اژدها نشسته اند و همانطور از چشم و دهان و دستشان خون می‌چکد، زندگیشان را دارند. آنها، آقا و سرور دنیا هستند. در دوره رونق و بحران، زندگی شان را دارند، رفاه شان را دارند. آمار خود آمریکا در دوره رونق اش اینست که نود درصد ثروتی که در آمریکا تولید می‌شود، متعلق به یک درصد جمعیت است و این نود درصد ثروت را - البته - این یک درصد تولید نکرده است، فقط صاحب آن است. این ثروت را آن نود و نه درصدی که صاحب فقط ده درصد ثروت جامعه است، تولید کرده. تولید کنندگانی که به این اژدها خدمت می‌کنند و آنرا زنده نگاه می‌دارند، خودشان هیچ نصیبی از ثروت و ثمره دسترنجشان ندارند. و همانطور که گفتم، مثل مرغ عزا و عروسی، هم در دوره رونق سرمایه و هم در دوره رکود و بحران، قربانیان آن هستند. پاسخ ما به این اوضاع چیست؟ جواب طبقه کارگر به این وضعیت چیست؟ پاسخ آن میلیاردها انسان شریفی که با درصد کمی از بودجه ای که به صندوق بین المللی پول داده اند، می‌توانست زندگی اش تا صد سال تأمین شود، چیست؟ پاسخ، در اقتصادیات نیست. اگر شما پیذیرید که آن غول باید زنده باشد، باید خدمتش را بکنید. چاره دیگری ندارید. اگر پیذیرید که برای اینکه ما زندگی بکنیم، باید یک عده ای سود ببرند و دنیا بر محور انباشت

و سودآوری بچرخد، مجبور خواهید بود به این منطق تسلیم شوید. طبقه کارگر نمی‌تواند فقط بعنوان یک صنف و بعنوان تولید کننده ظاهر شود و بتواند - حتی - بعنوان صنف زنده بماند و ادامه دهد. این شرایط، تنها وقتی می‌تواند عوض شود که طبقه کارگر بلند شود بعنوان صاحب جامعه. بعنوان آن کسی که نه تنها گیج و متحیر نشده بلکه رهبری، سیاست و جهان بینی اش - که مارکس یکصد و پنجاه سال پیش اعلامش کرده است - صد باره و صد باره، صحت خودش را اثبات کرده است. آنچنان که حتی صاحب نظران کارکشته سرمایه داری هم امروز مجبور می‌شوند اعتراف کنند که حق با مارکس بود. اما آیا حق فقط با مارکس اقتصادی بود؟ مارکس سیاسی چه؟ مارکس اجتماعی چه؟ مارکس فلسفی چه؟ مارکس انقلابی چه؟ مارکسی که می‌گفت که سرمایه داری، راه آینده بشریت نیست. سرمایه داری، بن بست بشریت است و باید جارویش کرد. انسان، تا وقتی که سرمایه حاکم است، آزاد نمی‌شود و این سرمایه هم، اینطور نیست که فقط بانک ها و کمپانیها را در اختیار داشته باشد. اگر سرمایه داری می‌تواند بانک ها و کارخانه ها را در دستش نگاه دارد، بخاطر این است که ارتش ها و دولت ها و رسانه ها را هم در اختیار دارد. طبقه کارگر نمی‌تواند این شرایط را تغییر دهد اگر، در مقابل دولت سرمایه اری بلند نشود و کنارش نزند. طبقه کارگر باید در کنفرانس "جی بیست" حضور بهم می‌رساند و این را با صدای بلند فریاد می‌زد که "با یکصدم این یک تریلیون دلار هدایتان به بانک جهانی می‌توانید گرسنگی را حل کنید. شما صلاحیت حکومت کردن ندارید، کنار بروید! نظامی که برای تداومش باید میلیون ها نفر از گرسنگی بمیرند، به درد نمی‌خورد و باید برود. این بحران، حکم محکومیت اقتصاد سرمایه داری را، در رکود و رونقش، صادر کرده است. این، منطق اقتصاد نیست، این، منطق توحش است. بیائید پایین. من آلترناتیو دارم." طبقه کارگر باید حزیش را داشته باشد، رهبرش را داشته باشد، نمایندگان سیاسی - اجتماعی اش را داشته باشد، متفکرین اقتصادی،

فلسفی اش را داشته باشد و جواب سرمایه را نه فقط در بانک ها و "وال استریت" بلکه در برابر مذهب، ناسیونالیسم، پارلمانتاریسم و دموکراسی بدهد. طبقه کارگری حزب سیاسی اش را داشته باشد و بشریت متمم را در سطح سیاست نمایندگی کند. بدون این حضور سیاسی و اجتماعی کارگران، و یک میلیارد انسانهای گرسنه جهان، چاره ای ندارند بجز اینکه بسوزند و بسازند. کاری که همواره، اتحادیه ها کرده اند. اتحادیه هایی جا افتاده در سیستم سرمایه داری که وقتی کارگران اعتصاب می‌کنند و دستمزدها را می‌خواهند، پاسخ می‌شوند که بحران است! اگر دستمزدها را بالا ببریم، به چین و هندوستان می‌بازیم. این را در دوره رونق شان می‌گفتند و حالا در دوره بحران شان که جای خود دارد. در همین غرب صنعتی و در دوره رونق شان، دستمزدها را منجمد می‌کنند. چرا؟ برای اینکه اگر شما دستمزد بیشتر بخواهید، ما به کارگر مکزیک می‌بازیم! به کارگر هندی و چینی می‌بازیم و اگر کارگر "جنرال موتورز" جلو بیاید و بگوید باید دستمزد من بالا برود، "هوندا" و "تویوتا" را نشان می‌دهند و وقتی کارگر "هوندا" و "تویوتا" بیاید و دستمزد بیشتر بخواهد، چین و کره را نشان می‌دهند. در نساجی ها و در همان صنعت پر رونق کامپیوتری شان کارگر و متخصص و برنامه نویس هندی را نشان می‌دهند و اتحادیه ها هم تسلیم می‌شوند! کارگر اگر بخواهد در چارچوب قواعد سرمایه بازی کند، باخته است. نمی‌توانی قبول کنی که ضحاک اژدها باشد و بگویی جوان ها را نکشد. نمی‌توانی بگویی چون آب شهر را سد کرده است و اگر فداکاری نکنند و قربانی ندهند فردا، همه از تشنگی می‌میرند و بنابراین، تزریق کن! یک تریلیون دلار! هفتصد میلیون دلار! بیشتر می‌خواهد، بیشتر بده و وقتی به اژدها نگاه می‌کنید، می‌بینید زندگی تحملی اش سر جایش است. یک میلیتر هم کوتاه نیامده و این من و شما هستیم که باید جوان ها را قربانیش کنیم. برای رهائی از این وضعیت باید سر اژدها را قطع کرد. باید بلند شوید و به سران گروه بیست بگوئید کنار برو! جامعه را من اداره می‌کنم. من بعنوان یک طبقه

اجتماعی، بعنوان طبقه کارگر جهانی، می‌آیم و دنیا را آزاد می‌کنم. هفت میلیارد انسان دنیا نمی‌تواند با این اژدها زندگی کنند. مگر نمی‌بینید؟! انقلاب صنعتی کردند، کامپیوتر آوردند و ما را بیکار کردند. گفتند صنایع کامپیوتریزه شده اند و جا برای شما نیست! بقول خودشان قماربازانشان "وال استریت" را زمین زدند، باز، ما را بیکار کردند و پس فردا رونق می‌شود، انقلاب صنعتی پنجم می‌کنند و باز این ما هستیم که باید بیکار شویم! این چه نظامی است که هر چه قدرت تولیدی اش بالا می‌رود، فقر بیشتر می‌شود؟! کامپیوتر می‌آید و بجای اینکه من مرفه تر زندگی کنم، بدبخت تر می‌شوم. تولید محصولات کشاورزی نسبت به ده سال پیش چند ده برابر شده و با اینحال، خطر گرسنگی و مرگ از گرسنگی هم چندین برابر شده است! تعداد گرسنگان عالم بیشتر شده است. می‌گویند پیشروی علم پزشکی در ده سال گذشته، باندازه تمام پنجاه سال قبلش بوده است و با این همه، بیمارها چندین برابر شده است. در هند پیشرو و صنعتی که ادعا می‌کنند امید اقتصاد آینده جهان است، هر صبح در خیابان های "بمبئی" و "کلکته" جسد جمع می‌کنند! خوب، علم پزشکی اش که هست، پول و میلیارد ها دلارش هم که وجود دارد و تریلیون دلارهایش هم همینطور. چرا مردم جهان همچنان در فقر و بدبختی زندگی می‌کنند؟ آمار می‌دهند و می‌گویند بازار جهانی اینقدر تریلیون دلار (چندین هزار میلیارد دلار) ضرر کرده است و شما، کمی سرتان را می‌خارنید و می‌پرسید منظورشان چیست که ضرر کرده است؟! محصولات و نعماتی که ما کارگران درست کرده ایم نابود شده است؟ جنگ جهانی شده است؟ سیل جهانی آمده یا آتش سوزی عظیمی صورت گرفته است؟ اگر این پول، نماینده یک ثروت واقعی است، آن ثروت که سر جایش است. خانه ها و شهرها خراب نشده، قطارها و اتوبوس ها سر جایشان هستند، پوشاک و مواد غذایی که کرور کرور دارد تولید می‌شود و از آنطرف هم، همین ده سال پیش انقلاب صنعتی کردید و اتومبیل سازی و کامپیوتر سازی تان دارد بیداد می‌کند. وسایل رفاه موجود است، بیشتر و بیشتر هم

موجود است و از سر و کول دنیا در حال سر ریز شدن است. بنابراین، منظورشان چیست که می‌گویند اینقدر تریلیون دلار دود شده است؟! اگر جنگ جهانی سوم راه می‌افتاد و ده ها پایتخت جهان را با بمب هایتان می‌کوبیدید، خوب، قبول می‌کردیم و می‌توانستید بگوئید هزاران میلیارد دلار از ثروت جهان دود شد. اگر سیل یا زلزله عظیمی می‌آمد و بخشی از جهان را ویران می‌کرد، باز می‌فهمید که بله، بشریت چندین تریلیون دلار از دست داد و فقیرتر شد به این دلیل که امکانات مادی زندگی اش از بین رفت اما، هیچکدام از اینها اتفاق نیفتاده است. یعنی چه که می‌گویند این ثروت دود شده است؟ خوب، منظورشان، در واقع، آن ثروتی است که سرمایه داران با کاغذ بازی و بورس بازی و رقم سازی بوجود آورده بودند و مارکس نام آن را سرمایه تخیلی گذاشته بود. خود بانک ها اعلام کرده اند که بهای یک خانه صد هزار دلاری، روی کاغذ، یک میلیون دلار بحساب آمده به این دلیل که ده بار بابت آن اعتبار داده اند و گرفته اند. بهره ها، مالیات ها و پول های مردم را به جیب مبارکشان زده اند و چندین برابر آن به یکدیگر اعتبارات و وام و رهن داده اند و حالا، همین است که دود شده است! سیستم شما، بازار آزاد سرمایه، دود شده و گرنه ثروت واقعی دنیا سر جایش است. شما ضرر کرده اید، و دنیا را به اینجا رسانده اید و چون دنیا را به اینجا رسانده اید، یک حکم و فقط هم یک حکم می‌تواند در مورد شما اجرا شود؛ گورتان را گم کنید! کنار بروید! باید اداره دنیا را به طبقه کارگر بسپارید. طبقه سرمایه دار، برای چند دهه این بار ثابت کرد که لیاقت اداره دنیا را ندارد. ثابت کرد که اساسا شان انسانی ندارد. نه به این خاطر که افرادش بد جنس هستند. سیستمش این است. سرمایه دار، بقول مارکس، بروز انسانی منطق سرمایه است. اگر سرمایه باید ورشکست کند، بیکار کند و وقتی رشد تولیدی می‌شود، فقر و فاقه را به کارگر تحمیل کند، دستمزدها را پایینتر و امتیازات خودش را بالاتر ببرد، این، منطق سودآوری و انباشت و انباشت است. نه به طمع ربطی دارد، نه به کازینو بازی و قمار بازی و نه به بد جنس بودن و خوش جنس بودن سرمایه دار. این،

از صفحه ۳ یک اول ماه مه استثنائی...

منطق سرمایه است و بنابراین، بحران حاضر نه فقط توحش سرمایه داری در حالت رکود را نشان میدهد بلکه حکم توحش سرمایه داری در حالت اوج رونق و داغی بازارش را هم صادر می کند. طبقه کارگری می تواند به این وضعیت خاتمه دهد که بلند شود و بگوید شما باید کنار بروید. دولت نباید در دست طبقه سرمایه دار باشد. باید تمام این ماشین جنایت را از آن گرفت و برای اینکار، طبقه کارگر باید در عرصه سیاست به چالش این دولت برود. تمام اعتصابات و اعتراضات کارگری در کشورهای غربی در این دوره بحران و کلا در دهه های اخیر متأسفانه در سطح مطالبات اقتصادی باقی مانده اند. هر چند جرقه هایی را می بینید و اتفاقا در سطح اقتصاد، نقدهای عمیقی هم می کنند و حتی لیبرالهای سرمایه داری دارند می گویند سیستم سرمایه داری به آخر خط رسیده است. هفته نامه "نیوزویک" در همین چند هفته پیش نوشت اقتصاد کاپیتالیستی به آخر خط رسیده و ما دیگر هیچ مدل اقتصادی نداریم! در سطح اقتصادیات حتی تا آنجا پیش می روند که می گویند این سیستم به پایان کارش رسیده و راه حلی ندارد اما هیچ کس نمی گوید که پارلمان و دموکراسی و دولت سرمایه داری هم به آخر خط رسیده است. بن بست اقتصادی سرمایه داری دقیقاً به این معناست که پارلمان بورژوازی هم مفت نمی آرد. انتخابات و پارلمان و دولت و سیستم دولتی سرمایه هم پوچ است، دموکراسی بورژوازی هم کاملاً بی معناست. آخرین چه نوع سیستم دموکراسی است که نماینده وجیه المله اش با وعده تغییر و با رای مردم تشنه تغییر روی کار می آید تا از جیب همین مردم صدها میلیارد دلار به بانک ها، و کمپانی ها اختصاص بدهد؟! در کجای این بازی، آزادی انسان ها وجود دارد و در کجای آن آدم ها دارند سرنوشت خودشان را رقم می زنند؟! اگر این نقد در حیطه اقتصاد باقی بماند، به هیچ جایی نمی رسد و در بهترین حالت اش نقش همین اتحادیه های امروز را خواهد داشت. حتی صادق ترین و خوش نیت ترین انسان ها اگر بخواهند فقط در حیطه اقتصاد به جنگ این سیستم بروند،

ناگزیرند در مقابل این اژدها تسلیم شوند. باید شمشیر را برداشت و سر اژدها را قطع کرد. باید دولت را از دست اینها درآورد و این، یعنی اینکه طبقه کارگر باید اعتراض و نقد خودش را وارد سیاست کند. اتفاقی که هنوز باید بیافتد. اتفاقی که ما هنوز در کشورهای صنعتی غرب تنها جرقه هایی از آن را شاهد هستیم. یک گوشه ای در این دنیای پهناور وجود دارد که در آن، این اتفاق مدت ها قبل افتاده است: جامعه ایران! نقد سوسیالیستی طبقه کارگر و قد برافراشتن طبقه کارگر بعنوان صاحب جامعه، در ایران مدت هاست که اتفاق افتاده است. شاید این عروج طبقه کارگر در جایی که یکی از عقب مانده ترین، وحشی ترین و ضد انسانی ترین دولت های سرمایه داری روی کار است عجیب به نظر بیاید اما دقیقاً چون اینطور است، یک جنبش انسانی، پیشرو، مترقی و ملرن هم در جامعه شکل گرفته است که در سطح سیاست بوسیله حزب طقه کارگر، حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود. این قطب بندی در جامعه ایران کاملاً برجسته است و هیچ چیز مثل اول ماه مه امسال، این قطب بندی را نشان نداد و من در بخش دوم سخنرانی ام را به این موضوع ویژه گیهای اول ماه مه امسال در ایران اختصاص میدهم. این بحران جهانی که من تصویری از آن را در اینجا ارائه کردم، در ایران هم تأثیرات خودش را داشت اما مسئله ایران با این بحران شروع نشده است. اینطور نبود که در ایران، کارگران با این بحران فهمیدند که گویا باید وارد سیاست شوند. ببینید، در همین کانادا، در فرانسه، انگلیس، کلا در کشورهای صنعتی غرب حتی آنجایی که کارگران عاصی و به خشم آمده اند، هنوز شما باید با کارگر کلی بحث کنید و قانعش کنید که مثلاً "اوپاما" رئیس جمهور او نیست. هنوز باید با او صحبت کنید که دولت، ابزار برقرار کردن نظم جامعه و تعادل و تناسب دادن به آن نیست. حتی معترضترین کارگر باید ساعت ها بحث و جدل کنید. یک اعتماد عمومی نسبت به دولت و اینکه این دولت ها واقعا هدفشان محافظت از جامعه است، وجود دارد. گویا "اوپاما" روی کار آمده

است تا مسئله مردم آمریکا را حل کند و گویا دولت انگلیس یا دولت کانادا واقعا خودشان را در برابر جامعه مسئول می دانند. خود بورژوازی، از زمان "تاچر" اعلام کرد که من هیچ مسئولیتی در قبال جامعه ندارم و حالا هم که می خواهند مسئولش کرده و باصطلاح همه چیز را "رگوله" کنند، باز دارد کمک هایش را به طبقه سرمایه دار می دهد. با اینهمه نظرعومی مردم و حتی مردم معترض به این اوضاع، این است که دولت نماینده جامعه است. مردم در غرب وقتی نوبت دولت می رسد، یک توهم عمومی و عمیق نسبت به آن دارند که این - البته - ثمره کار ده ها سال مهندسی افکار عمومی در غرب است.

در ایران اما، به هیچ وجه اینطور نیست و درست نقطه مقابلش است. از همان دوره ای که جمهوری اسلامی روی کار آمد و قبل از آن، در تمام دوره دیکتاتوری شاهنشاهی هم، کسی توهمی نسبت به دولت نداشت و این، در دوره جمهوری اسلامی و امروز، بسیار بیشتر جا افتاده است. یک تفاوت عظیم جامعه ایران با سایر نقاط دنیا این است که در ایران، نه تنها ذره ای توهم نسبت به دولت وجود ندارد بلکه یک نفرت عمومی از جمهوری اسلامی حاکم است که شما می توانید در تاکسی، اتوبوس، میسایین ورزشی، ادارات و کارخانجات و مراسم عزا و جشن های عروسی مردم، شاهد آن باشید. نفرت از کل جمهوری اسلامی، از رهبر و رئیس جمهورش گرفته تا آخوندها و جناح هایش حکومتی اش. این نفرت و اعتراض عمومی در اول ماه مه امسال بطور برجسته ای بروز پیدا کرد و انعکاس یافت.

اول ماه مه امسال در ایران، ویژگیهای زیادی داشت و یک ویژگی اصلی اش، ظاهر شدن کارگران بعنوان صاحب و نماینده جامعه و معترض به تمام تبعیضات و ستم ها بود. در سال های اول بعد از انقلاب، شاید شاهد اول ماه مه های باشکوهتر از این هم بوده باشیم و کسانی که هم سن و سال من هستند، حتما به یاد دارند که در سال پنجاه و نه و قبل از سی خرداد شصت که آن کودتا و سرکوب را براه انداختند، اول ماه مه های وسیع و باشکوهی در ایران بود و حتی در سنج و شهرهای کردستان، تا سال ها بعد از

انقلاب، آن اول ماه مه های پرشکوه ادامه داشت اما، به جرأت می توان گفت که اول ماه مه امسال، اولین ماه مه ای بود که مردم (بطور عمومی) خواستند در آن دخیل شوند و شدند. در خود تهران، با فراخوان چندین تشکل کارگری و بویژه تلاش ها و تبلیغات بیوقفه کانال جدید، نزدیک دو هزار نفر تجمع کردند و رژیم حتی یک ربع هم تحملشان نکرد و وحشیانه به مردم یورش برد. در گزارشهایی که در سایت ها و نشریات خود رژیم داده اند، گفته اند که پنج هزار پلیس مخفی و ملبس حضور داشته اند. در پارک "لاله" و اطراف پارک لاله بعنوان کسانی که به پیک نیک آمده اند! بعنوان آدم های عادی و لباس شخصی. ریختند و درهم کوبیدند و با اینحال، بیشتر از دو هزار نفر در همان دقائق اول تجمع کرده اند. این اولین ماه "مه"ی بود که در آن نزدیک به ده تشکل کارگری متحد و در کنار هم به مردم و کارگران فراخوان دادند و قطعنامه ای اعلام کردند که بنظر من، برای سال ها، پلاتفرم جنبش کارگری ایران خواهد بود. پلاتفرمی که نه تنها خواست های کارگری بلکه حمایت از جنبش دانشجویی، جنبش جوانان، برابری زن و مرد، علیه تبعیض نسبت به زنان هم، در آن آورده شده است. با چنین پلاتفرمی در پارک لاله تجمع کردند و به این معنا، کارگر در اول ماه مه امسال، بطور عملی و واقعی، بعنوان نماینده جامعه و بعنوان کسی که راه حل دارد، به میدان آمد و حرفش را زد. در شهرستان ها هم همینطور. در شهرهای مختلف، یکی از شعارهای مردم علیه انتخابات بوده. کارگران به عرصه آمده و اعلام کرده اند که این انتخابات قلابی است و قبولش نداریم. یک هفته قبل از اول ماه، زمانی که میر حسین موسوی باصطلاح برای کمپین انتخاباتی اش به خوزستان رفت، کارگران اهواز تجمع کردند و گفتند ما حق مان را می خواهیم و برای گرفتن صدقه نیامده ایم. گفتند همه شما سر و ته یک کرباس هستید. همه شما از یک قماش هستید.

اول ماه مه امسال، یک بروز برجسته طبقه کارگر ایران در سطح سیاست بود و حکومت هم همینطور و در همین سطح جوابش را داد. صبح روز اول ماه مه، دلارارابی را اعدام کردند برای اینکه - در روز

کارگر - بگویند که ما کوتاه نیامده ایم. بدانید که ما قسی هستیم و بدانید که حتی مقررات خودمان را هم زیر پا می گذاریم و میکشیم. یک هفته قبل از آن، تحت فشاری که مردم آورده بودند، بدستور شیخ پشم الدین، قاضی شرع، حکم اعدام دلارا را دو ماه به تعویق انداختند و یک هفته بعد، در صبح روز اول ماه مه اعدامش کردند بدون اینکه به وکیلش خبر دهند! بدون اینکه به خانواده اش اعلام کنند! رفتند در خلوت زندان اعدامش کردند و اعلام هم کردند که این کار را کردیم. برای اینکه به مردم بگویند جوانان را می دهیم.

در اول ماه مه امسال، مبارزه علیه اعدام و مبارزه کارگری بهم تنیده شد. حکومت و بورژوازی ایران، بطور عملی، اعلام کرد که اینها مخالفین اعدام هستند که به خیابان ریخته اند. هر کسی که در اول ماه مه امسال طرفدار جنبش کارگری بود، خودش را فعال جنبش علیه اعدام دید و هر کسی که فعال جنبش "علیه اعدام" بود، خودش را فعال جنبش کارگری دید. اینها بهم تنیده شد. همانطور که حق رأی زنان در اروپا را کارگران بدست آوردند، در ایران هم، لغو مجازات اعدام را کارگران دارند به پیش می برند. امسال حول پرونده دلارا حزب ما اعتراض علیه مجازات اعدام را به عمق جامعه برد و حکومت هم با اعدام دلارا در اول ماه مه جواب داد. حکومت، بطور اجتماعی به جنگ طبقه کارگر آمد به این دلیل که طبقه کارگر بطور اجتماعی در مقابلش قد علم کرده بود. به این دلیل که تلویزیون کارگران، تلویزیون کانال جدید، از یک ماه پیش، کمپین علیه اعدام "دلارا" و کمپین برای اول ماه مه را درهم تنیده بود و این دو مصاف را با هم به پیش می برد. در ایران، عده ای از هنرمندان، شعرا و نویسندگان، قبل از آنکه حکم تعویق اعدام دلارا صادر شود، یک نامه سرگشاده ای به شیخ پشم الدین های سیستم قضایی ایران نوشتند و گفتند مردم در یک رفاندوم عمومی، اعلام کرده اند که با اعدام مخالف اند. گفتند که ما در ایران، هیئت "ژوری" (هیئت منصفه) نداریم اما، مردم بعنوان هیئت منصفه ظاهر شده اند و اعلام کرده اند با اعدام مخالف اند. این رفاندوم، این

از صفحه ۴ یک اول ماه مه استثنائی...

نظریه‌ی مردم، در تلویزیون کانال جدید اتفاق افتاده بود و آنها هم داشتند به همین اشاره می کردند. گفتند با این حساب، دست نگهدارید. مردم ایران، یکصد مخالف خودشان را با اعدام اعلام کرده اند و دست نگهدارید تا رضایت خانواده مقتول جلب شود. و در مقابل مقامات از قول خانواده مقتول هم نامه ای نوشتند با این مضمون که البته این تلویزیون های بیگانه "!" کار را خراب کرده اند و خود قاضی و دادگاه شرع و حجت الله پشم الدین محترم مشغول حل و فصل قضیه بودند و هستند! حکم بمدت دو ماه به دتعویق افتاد. اما همه این محترمین، روز اول ماه "مه" دلارا را به جوخه اعدام سپردند. دهن کجی به مردم علی‌رغم رفتارندوم مردم و علی‌رغم رأی مردم. این، بروز اجتماعی طبقه کارگر با حزبی و با تلویزیونش بود که مبارزه علیه تبعیض نسبت به زنان، مبارزه علیه آپارتاید جنسی، مبارزه برای آزادی بی قید و شرط سیاسی و مبارزه برای خواست های کارگری را در هم تنید و در یک روز به خیابان آمد.

جمهوری اسلامی زبونانه به تظاهرات کارگران حمله کرد، یکصد و هفتاد نفر را دستگیر و دلارا را اعدام کرد. اما علی‌رغم اینها ما

حزب و مردم، در این مصاف پیروز شدیم. آن ده تشکل کارگری که فراخوان پارک لاله را داده بودند، در بیانیه ای که با امضا و تاریخ تهران، یازده اردیبهشت، پارک لاله منتشر شده، اعلام میکنند "این نقطه عطفی برای جنبش کارگری ایران است. ما پیروز شدیم." کارگران درست میگویند. ما پیروز شدیم! و من در اینجا از قول طبقه کارگر ایران به جانبان حاکم اعلام میکنم دورانتان به سر رسیده است. می بندید و می کشید اما، نمی توانید مرعوب کنید. دنیا را بر سرتان خراب می کنیم.

با اول مه جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی گام بزرگی بجلو برداشت. بنظر من، اول ماه "مه" امسال، عروج حزب و مردم در خیابان ها و در کنار هم‌دیگر در برابر حکومت بود. و این را، حکومت دید و جواب داد. پاسخ حکومت به اول ماه مه، فقط پاسخ به کارگری نبود که می گفت چرا دستمزدهای عقب افتاده من را نمی دهید یا چرا امنیت شغلی ندارم و غیره. مهم تر از این، جواب به توده کارگر و توده مردمی بود که می گفت نمی گذارم و نباید اعدام کنی. تو اعدام می کنی برای اینکه مرا مرعوب کنی. اعدام می کنی برای

اینکه جامعه را زیر سلطه و مهمیز اسلام بگیرد و نفوذ جهنمی خود را تحمیل کنی و رژیم هم با اعدام در اول ماه مه نشان داد که دقیقاً همین کار را می خواهد بکند و دارد می کند اما، این دیگر به جایی نمی رسد. ما بعد از اعدام "دلارا"، دیروز و امروز، برنامه های زنده تلویزیونی داشتیم که در آنها صدها نفر تنفر عمیق خودشان را از جمهوری اسلامی و اعدام دلارا اعلام کردند. خانمی که گریه اجازه نمی داد حرفش را بزند، گفت من از امروز دین و ایمان ندارم، مذهب ندارم، اسلام را کنار می گذارم و عضو حزب شما می شوم. آقایی هم که اعلام می کرد از طرف یک جمع سی نفره زنگ می زند، گفت به کوری چشم خامنه ای از امروز به حزب شما می پیوندم. این، عکس العملی است که جامعه دارد نشان می دهد. دوره ارباب به سر رسیده است. "فاطمه حقیقت پژوه" را هم چند ماه پیش اعدام کردند اما، این اعدام - اساساً - یک حرکت دیگری را پدید آورد و بنظر من، جمهوری اسلامی اشتباه محاسبه عظیمی مرتکب شد. من امروز در همینجا می گویم و شما در آینده خواهید دید که اول مه امسال یک نقطه شروع و نقطه عطفی بود که با آن، جنبش کارگری در ایران وارد یک فاز دیگری شد. جنبش "علیه اعدام" در ایران وارد یک فاز دیگری شد، ده

ها گام به جلو رفت و اینها کاملاً در هم تنیده شدند. حق کاملاً با کارگران است که اعلام کردند این نقطه عطفی در جنبش کارگری ایران است و من هم در اینجا اعلام می کنم که اول ماه "مه" امسال، نقطه عطفی در جنبش همگانی و عمومی مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای رسیدن به سوسیالیسم بود. اول ماه "مه" امسال، اولین جرقه اجتماعی شدن سوسیالیسم در ایران بود. هم اکنون، مخالفت نه فقط با حکم اعدام "دلارا" بلکه مخالفت با کل بساط اعدام و مجازات اعدام، بطور وسیعی در آن جامعه نفوذ پیدا کرده است. مردم ایران هم دارند همین را اعلام می کنند و این را از زبان حزب کمونیست کارگری شنیده اند، از زبان طبقه کارگر شنیده اند و قطعنامه ای هم که طبقه کارگر ایران در مراسم اول ماه "مه" امسال صادر کرد و در همان آغاز تظاهرات دو هزار نفر تنها در تهران دور آن جمع شدند، بنظر من، پرچم پیشرویهای آتی جنبش کارگری خواهد بود.

ما این جنگ را ابتدا در قلب مردم و در سطح تمدن، ارزش های انسانی، اعتقادات و آمال عمیق و انساندوستانه - نه تنها میلیون ها مردم ایران بلکه میلیون ها مردم جهان - می بریم و بر این مبنا، خیابان ها را تصرف می کنیم. تلویزیون ها و کاخ ریاست جمهوری و مراکز قدرتشان را تصرف می کنیم و این کشت های میلیاردر را به آشغالدانی تاریخ می فرستیم. ما پرچم این جنگ را بلند کرده است و در سطح جهانی نیز ما امیدواریم و تمام تلاشمان را می کنیم که طبقه کارگر جهان، چپ و مردم مترقی جهان را به عرصه سیاست متوجه کنیم و اعلام کنیم که باید به جنگ سیاسی دولت ها رفت. مهم ترین عامل در این نبرد جهانی نمونه ها و الگوهای است که جامعه ایران به جهانیان نشان خواهد داد. من فکر می کنم پیروزی انقلاب در ایران، دنیا را به نفع کارگر جهانی و به نفع چپ در جهان، کاملاً زیر و رو خواهد کرد و نقطه آغاز روند خلع ید سیاسی از طبقه سرمایه دار در همه جای دنیا خواهد بود.

متشکرم.*

این نوشته بر مبنای سخنرانی حمید تقوایی در مراسم اول مه در شهر نورتنو، کانادا تنظیم شده است

این مطلب را هادی وقعی پیاده و تایپ کرده است.

۸ نفر دیگر از دستگیر شدگان زن اول مه آزاد شدند

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً از زندان آزاد شوند

اطلاعیه شماره ۷

بنا به گزارشات روز گذشته ۱۴ اردیبهشت ۸ نفر از دستگیر شدگان زن اول مه به اسامی مریم نصیری، زهرا قنبری - کبری زمضانعلی - مهسا گودرزی - زهرا فراهانی - شیوا دادگر - ندا اسدی و میترا جهانی از زندان آزاد شدند. بنا به گزارش مریم نصیری - شیوا دادگر و مهسا گودرزی بدلیل ضرب و شتم و فشارهای جسمی ای که بر آنها وارد شده بود، در زمان بازداشت در بهداری بستری بودند. همانطور که

قبلاً گزارش کردیم ۸۳ نفر از دستگیر شدگان اول مه در پارک لاله تهران زن بودند که در روز بعد از ساختمان وزرا به بند زنان اوین انتقال داده شدند.

خانواده های دستگیر شدگان اعلام کرده اند که تا زمان آزادی عزیزانشان به تجمعات هر روزه خود ادامه خواهند داد. آنها طی چند روز اخیر در مقابل دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی تجمع داشتند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از همه انسانهای آزادیخواه می خواهد که وسیعاً به تجمعات

۱۵ اردیبهشت ۸۸ - ۵ مه ۲۰۰۹

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، طی اطلاعیه های متعددی تعرض رژیم اسلامی علیه کارگران در اول مه و اعتراض در مقابل این سرکوبگری رژیم را ثبت کرده است. برای خواندن همه اطلاعیه ها به سایت روزنه مراجعه کنید.

www.rowzane.com

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئولیت صفحه بندی انترناسیونال

به عهده آرش ناصری است.

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید

و در سطح وسیع توزیع کنید

اعتراضات معلمان و جایگاه کانون صنفی



شهلا دانشفر

نکنند. روز دوم در مدرسه حاضر شوند، به کلاس نروند اما به همراه مدیران نظم مدرسه را نیز حفظ کنند، و خلاصه اینکه روز سوم روز اعتراض ملی باشد. سوال این نیست که چرا کانون، معلمان را این بار مستقیماً به اعتصاب فرخواندند. اعتراض ملی یعنی چه؟ به نظرم من لب کلام و جوهر اصلی فراخوان سران کانون صنفی معلمان نهایتاً چیزی جز نافرمانی مدنی دوم خردادی‌ها ی شکست خورده نیست و واقعیت آنست که مدت‌هاست جامعه از این مسیر عبور کرده است. بنابراین روشن است که با چنین فراخوانی معلم از قبل خلع سلاح میشود. عیناً همین فرمایشات را از سوی این حضرات در موارد اعتراضات قبلی معلمان شاهد بودیم و بطور مثال وقتی معلمان چهارچوبه‌های تعیین شده کانون صنفی را به هم زدند و به خیابان ریختند و فریاد زدن معیشت منزلت حق مسلم ماست. سران کانون سراسیمه گفتند ما فرمان لغو راهپیمایی را داده بودیم و ما بیگناهییم. بد نیست همین جا اشاره‌ای هم به فراخوان کانون به تظاهرات به مناسبت هفته معلم داشته باشیم. در سومین روز این هفته یعنی روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت کانون به تجمع در مقابل وزارت آموزش و پرورش فراخوان داد. تجمع در حد فعالین این کانون محدود ماند. علیرغم همه تأکیدات سران کانون بر اعتراضی مدنی و در چهارچوبه بازی همیشگی گرفتن جواب از مقامات محترم دولتشان، متأسفانه نیروهای انتظامی با بیشرمی تمام به جمع معلمان حمله کردند و در این یورش بگفته خودشان رسول بداعی در راهپیمایی اجباری که بر آنها تحمیل شده بود و لابد در چهارچوب اعتراض مدنی‌شان نمی‌گنجد، بهمراه ۵ معلم دیگر دستگیر شد. خوشبختانه بنا به گزارش‌های بعدی سه نفر از

دوباره کانون صنفی طی بیانیه‌ای سه روز ۶، ۷ و ۸ اردیبهشت را بعنوان روزهای اعتراض معلمان اعلام داشت. معلمان، در سطوحی به استقبال این اعتراض رفتند. دست از کار کشیدند. اما آنچه مانع از سراسری شدن این حرکت اعتراضی شد، سلب اعتماد بیشتر معلمان معترض از سران سازشکار کانون و سیاستهای آن بود.

به بیانیه و فراخوان کانون برای اعتراض در روزهای ۶، ۷ و ۸ دقت کنید. در همان پاراگراف اول بیانیه، سران سازشکار کانون در خوش خدمتی خود به رژیم سنگ تمام گذاشته و مینویسند: "تبلیغات گسترده و جنگ روانی رسانه‌ها، متأسفانه احکام در روز مقرر صادر نشد و اجرای قانون مذکور بازم به تأخیر افتاد." هر کس که کمی ماجرا را دنبال کرده باشد، بویژه معلمان فوراً متوجه میشوند که در اینجا روی سخن این بیانیه با کیست و اشاره اش به کدام رسانه است. اشاره کانون به روشنی کانال جدید است. زیرا همانطور که بالاتر اشاره کردم، تنها کانال جدید است که در مقابل سران سازشکار کانون ایستاد. اعلام کرد که وعده و وعید بس است. اعلام کرد که معلمان دیگر اجازه ندهید با طرح نامعلومی چون طرح نظام هماهنگ حقوقها، شما را سریدوانند و اعتصاب تنها راه است و این فراخوان کانال جدید جواب گرفت. این چیزیکه کانون به آن جنگ روانی اطلاق میکند. کانون حق دارد. در واقع کانال جدید خط پایانی بر سازشکاری کانون کشید و اعلام کرد که معلمان کانون را به دست گیرید و از سران سازکار کانون خواست که خود را از سر راه مبارزه معلمان کنار کشند. از همین روست که میبینیم کانون در شروع بیانیه خود، چنین خشمگین بر رسانه‌ها می‌تازد و بدون اینکه اعتراضی به سانسور رسانه‌های دولتی داشته باشد، از اعتراض معلمان و انعکاس خبرش از کانال جدید خشمگین است. اما بد نیست نگاهی هم به فراخوان اخیر کانون و اعتراض در روزهای ۶ و ۷ و ۸ اردیبهشت، داشته باشیم.

اساس فراخوان این بود که روز اول معلمان می‌بایست در مدرسه و کلاس درس حاضر شوند، اما تدریس

بازهم ززمزه اعتراض در میان معلمان بالا گرفته است. سالهاست که این بخش محروم جامعه برای خواستهای برحق خود مبارزه میکند. اما تا کنون پاسخی نگرفته است. تشکیلی چون کانون صنفی همواره تلاش کرده است که بر موج اعتراض معلمان سوار شود و با محدود نگاهداشتن مبارزات آنان در چهارچوبه‌های قانونی و با اندرزهایی چون، مبارزه ما صنفی است، سیاسی نیست، سکوت معلم، فریاد اوست و غیره سعی کرده است همواره جلوی شعله ور شدن اعتراض گسترده در میان بیش از یک میلیون و نیم معلم را بگیرد. در این میان طرح نظام هماهنگ، ابزار مناسبی برای وعده سرخرمن دادن و سردواندن معلمان در مجاری قانونی و اداری بوده است. اما در مقابل هر بار که فراخوانی از سوی این کانون داده شده، معلمان از فرصت استفاده کرده، به میدان آمده و اعتراضات با شکوهی را به پیش برده‌اند. از جمله سران کانون صنفی معلمان نقش سازشکارانه خود را در اسفند ماه گذشته به اوج خود رساندند و هنگامیکه معلمان می‌رفتند تا خود را برای اعتصابی سراسری آماده کنند، به محض اینکه متوجه شدند که اوضاع از دستشان دارد خارج میشود، تحت عنوان اینکه احمدی نژاد وعده اجرای طرح نظام هماهنگ از آغاز سال ۸۸ را داده است، فوراً دستور به لغو فراخوان اعتصابی را که داده بودند، صادر کردند. در همان موقع حزب کمونیست کارگری ایران در کانال جدید از طریق برنامه‌های مستقیم خود، در مقابل این سازشکاری ایستاد. ما همان موقع اعلام کردیم که به این وعده و وعید‌ها نباید گوش داد، اینها سالهاست که دارند وعده میدهند و سر میدوانند، اما بعد کانونی صنفی معلمان با لغو فراخوان اعتصابش نشان داد که در این سردواندن‌ها شریک است. در همان موقع ما معلمان را به اعتراضی وسیع فراخواندیم و دیدیم که علیرغم لغو فراخوان اعتصاب از سوی کانون، در شهرهای مختلف موجی از اعتراض شکل گرفت و معلمان وسیعاً به اعتصاب پیوستند.

بعد از خوابیدن سر و صدا ها

خود از هر فرصت و فراخوانی برای بیان اعتراضشان استفاده کنند و هر بار نیز که به بیرون آمده‌اند حرف خود را زده‌اند. اما نکته مهم امروز بطور واقعی يك مانع اصلی بر سر مبارزات آنان، سیاست‌های سازشکارانه سران کانون صنفی معلمان است. باید این مانع را از سر راه کنار زد. معلمان چپ و رادیکال باید جلو بیایند. باید خودشان مبتکر ایجاد کانونهای صنفی معلمان در هر کجا که هستند، باشند. هر کجا که کانون صنفی بدست این گرایش راست و سازشکار است، باید بکوشند تا کانونی جدید با انتخاب سخنگویان واقعی خود بسازند. و سازشکاران را برکنار کنند. کانون‌هایی بسازند که بر گرد آوردن معلمان و اعمال اراده آنها متکی باشد و خواستهای روشن و شفاف در مقابل خود قرار دهد. ضمن اینکه به اعتقاد من و بطور واقعی اگر قرار است روزی بعنوان روز معلم تعیین کرد، این روز چیزی جز اول مه روز همبستگی جهانی کارگر نیست. معلمان باید یکصدا اعلام کنند که اول مه روز ماست و در تجمعات اول مه وسیعاً شرکت کنند. در عین حال ۱۳ مهر روز جهانی معلم میتواند فرصت دیگر باشد که معلمان در کنار همکاران خود در سطح جهانی جلو بیایند و خواستهای چون يك آموزش و پرورش سکولار و انسانی، يك آموزش و پرورش بدون خرافه و کوتاه کردن دست مذهب از آن، يك آموزش و پرورش رادیکال و با استانداردهای بالای علمی و محیطی مملو از شادی و خلاقیت را طلب کنند.

اما تا آنجا که به مبارزات فوری و همین امروز معلمان مربوط است. طبعاً خواست افزایش حقوقها در سطح يك زندگی انسانی در راس خواستهای معلمان قرار دارد. بنابراین باید مستقیماً همین خواست را که خواست کل جامعه نیز هست طلب کرد. بویژه اکنون کمپین از سوی کارگران بر سر خواست افزایش دستمزدها و با مطالبه در گام اول يك میلیون تومان، در جریان است که بیش از پانزده هزار امضا حول آن گرد آمده است. طبیعی است و انتظار میرود که معلمان وسیعاً به چنین حرکتی پیوندند. باید اعلام کرد تشکل، اعتصاب و آزادی بدون قید و شرط بیان حق مسلم ماست. باید

طناب دار را میبینم، کمک کنید!

مصاحبه مینا احدی با رادیو هوای تازه



مینا احدی

رادیو هوای تازه: روز جمعه اول ماه مه دلارا دارابی زندانی سرشناس جمهوری اسلامی پس از دو هفته که پای چوبه دار رفت و برگشت، و با امید اینکه در واقع بزودی طعم آزادی را خواهد چشید پس از شش سال زندان با وجود فعالیت‌های بین‌المللی علیه اعدام بدون اطلاع قبلی در زندان رشت مدارا آویخته شد. فعالان علیه اعدام در سراسر جهان پس از شش سال که در سطح وسیعی برای جلوگیری از اعدام دلارا اقدام بعمل آورده بودند از جمله کسی که در تمام این سالها پیرونده دلارا را زیر نظر داشت و با او و خانواده او بطور مرتب در تماس بود خانم مینا احدی بنیانگذار کمیته بین‌المللی در آلمان بود که پس از شنیدن این خبر بلافاصله من با او تماس گرفتم چونکه باورم نمیشد که دلارا دارابی اعدام شده باشد از خانم مینا احدی پرسش کردم و او در پاسخ بمن گفت که متأسفانه این خبر صحت دارد و با اینکه حال و روز خوبی نداشت پذیرفت که در این راستا با ما بگفتگو بنشینند. گفتگوی رادیو هوای تازه با مینا احدی در آلمان را باهم میشنویم.

رادیو هوای تازه: سلام خانم احدی و با تسلیت دوباره اعدام غیر منتظره و بیرحمانه دلارا دارابی روز جمعه اول ماه مه. میدونم که برای شما بسیار مشکل است که در باره این مسله صحبت کنید چراکه شما سالها با دلارا زندگی کردید و این واقعه غم انگیز برای شما شاید سنگین تر از دیگران باشد. اگر ممکن است نظر و دیدگاهتان را بگویید که این مسئله را چگونه توجیه میکنید؟ بفرمایید.

مینا احدی: بله ما دیروز در شهر کلن آلمان در روز کارگر بودیم که این خبر را بمن دادند و فکر میکنم هرکسی

از صفحه ۶ اعتراضات معلمان و جایگاه ...

اعلام کرد که خرافات باید از کتابهای درسی زوده شود. باید اعلام کرد که معلم باید از بهداشت و درمان رایگان و تسهیلات لازم برای تامین مسکن خود برخوردار باشد. باید اعلام کرد که ۴۰۰ هزار معلم

نوجوانان در ایران اتفاق میافتد. بنظر من جمهوری اسلامی با این اعدام بویژه روزی را که انتخاب کرد یعنی روز جهانی کارگر را فقط میخواست با اعدام یک بچه، یک نوجوان قدر قدرتی خود را نشان دهد و نشان بدهد که به اعتراضات وسیعی که علیه اعدام بویژه اعدام کودکان در سرتاسر جهان بویژه در ایران میشود وقعی نمینهد.

رادیو هوای تازه: خانم احدی، واقعه ای که اتفاق افتاد در واقع صف آرابی جمهوری اسلامی و اهمیت ندادن جمهوری اسلامی در مقابل جنبشهای حقوق بشر در جهان بود از جمله به سازمان شما یعنی کمیته علیه اعدام که در جهان فعال هستید و کیس های بسیاری را دنبال میکنید، سوال اینست که آیا این موضوع شما را در راهی که پیش گرفته اید دلسرد نمیکند چراکه جمهوری اسلامی هم هیچ توجهی به آن نمیکند و اعدامهایش را ادامه میدهد؟ آیا اینکه تغییریری در روشهایتان خواهید داشت؟ آینده کار شما چگونه خواهد بود؟

مینا احدی: طبعاً این اتفاقاتی که میافتند برای ما دردناکند بویژه برای خود من بعنوان کسی که با این محکومین به اعدام کودکان و

است. باید این خواستها را بصورت قطعنامه های روشن نوشت و خواهان حمایت وسیع جامعه از این خواستهای برحق شد و به اعتقاد من اینها همه گامهای فوری برای پیشروی جنبش اعتراضی معلمان است. درآیند. اینها همه خواستهای معلمان در طول اعتراضات تا کنونیشان بوده

نوجوانان ارتباط دارم و بعضاً صدایشان را شنیده ام و بعضاً با خانواده هایشان از نزدیک ارتباط دارم واقعه دردناکی هست، دردناک بمعنی عمیق کلمه هست، ولی در عین حال بنظر من اصلاً ما را ناامید نمیکند بخاطر اینکه ما میبینیم که در ایران یک رنسانس فکری دارد اتفاق میافتد و این جای خوشحالی زیادی برای من دارد چونکه من فکر میکنم که در جامعه ایران تمامی حکومتیهای دیکتاتوری که همواره سرکار بودند اعدام میکردند و همواره توجیه میکردند که دارند از امنیت جامعه دفاع میکنند و همواره گفته اند که علیه قتل و جنایات است که دست به اعدام آنها میزنند و لذا بخشا افکار عمومی با این تفکر ساخته شده است.

ما در کشورهایی مثل ایران با یک پدیده مهمی طرف هستیم و آنهم مقبولیت قتل توسط دولتهاست و ما با این کمپین هایی که علیه اعدام بپا کردیم نه تنها توانستیم جان برخی از محکومین به اعدام را نجات بدهیم که خود این مسئله خیلی مهم است ولی هر جایی هم که متأسفانه نتوانستیم جان آدمهایی را نجات بدهیم، و بطور مشخص در مورد دلارا دارابی ما داریم به یک تغییر و تحول فکری عظیمی در ایران دامن میزنیم. تا آنجایی که به من و به سازمان ما، کمیته علیه اعدام برمیگردد همواره سعی کردیم که سبک و روشی را بکار ببریم و نشون بدهیم که این آدمی که اعدام میشود یک انسان است و اسمش، عکسش، خانواده اش، آرزوهایش، عواطفش و مشخصاتش را معرفی میکریم و میگوئیم حتی اگر اتهامش قتل هست باید دید که با کدام سیستم حقوقی و با کدام دادگاه عادلانه بهش رسیدگی میکنند، آیا این آدمهایی که متهم هستند «اصل بر ابراءت» در موردشان رعایت میشود؟ آیا حق دارند از خودشان دفاع کنند؟ آیا

امروز کانال جدید بهترین ابزار در خدمت متحد کردن اعتراضات بخش های مختلف جامعه حول خواستهای رادیکال و انسانی آنهاست. فراخوان من معلمان اینست که پای برنامه های این تلویزیون، بنشینند. از این تریبون بیشترین استفاده را برای بیان اعتراضات و خواستهایتان در سطح

وکیل دارند؟ همه اینها چیزهایی هستند که در افکار عمومی مطرح میشوند و برای تغییر این افکار تاثیر دارند و من فکر میکنم دستاورد کار ما اینست که دارد يك اتفاق عظیم فکری را پیش میبرد و امیدوارم این اتفاق بیافتد که هر دولتی بعد از جمهوری اسلامی بیاید سر کار با هر اسمی که باشد با اسم جامعه و با اسم حفظ امنیت جامعه و غیره اجازه نداشته باشد آدم بکشد، و این تغییر افکار عمومی بنظر من دستاورد بزرگی هست. ما بعد از این واقعه تاکتیسمان را عوض نخواهیم کرد و تنها درسی که از این واقعه میگیرم اینست که جمهوری اسلامی را فقط با اعتراض و فشار میتوان وادار به عقب نشینی کرد چراکه اینها با چنگ و دندان دارند از اعدام و از کشتن بچه و نوجوان و از انسان کشتن دفاع میکنند آنهم برای اینکه میخواهند حکومتشان را نگهدارند و بمانند، و در مقابل چنین حکومتی باید جنبش وسیعتر و متحدانه تری برآه انداخت و ما باید دست به اعتراضات در سطح گسترده تری بزنیم.

رادیو هوای تازه: خانم احدی سپاسگذارم از اینکه در این موقعیتی که میدانم برایتان بسیار مشکل بود مصاحبه را قبول کردید، همانطوری که گفتیم دلارا واقعا مثل دختر شما بود و با او زندگی کرده بودید ولی باز حاضر شدید که با ما صحبت کنید و امیدوار هستم که در صحبتهای بعدی خبرهای بهتری برای ما داشته باشید.

مینا احدی: خیلی ممنون از فرصتی که در اختیار من گذاشتید.

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

جامعه بکنید. جمع های کانال جدید را تشکیل دهید و عضو حزب کمونیست کارگری ایران بشوید. این فوری ترین و حیاتی ترین پاسخ برای برون رفت از شرایط جهنمی کنونی است.*

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

"ریسک انقلاب"

اول ماه مه سال : از ایران تا ترکیه و فرانسه



محمد کاظمی

در اول ماه مه امسال میلیون ها انسان کارگر و زحمتکش در چهار گوشه دنیا تظاهرات و راه پیمایی کردند. مراسم اول ماه مه امسال در شرایطی برگزار شد که روسای دولتهای سرمایه داری و هم چنین رهبران جنبش رفمیستی-اتحادیه ای در اروپا، خطر رادیکالیزه شدن جنبش کارگری را به هم دیگر اخطار میدهند. در فرانسه، مقامات دولتی "ریسک انقلاب" را به هم دیگر گوشزد می کنند. در آلمان، رهبران اتحادیه های کارگری نگران از سیاست گریزی و "رادیکالیزه شدن" مبارزه مردم اخطار می دهند که "ما باید هر کاری را انجام دهیم تا شغل ها را حفظ کنیم". روزنامه های بورژوازی اخطار می کنند که "صلح



محافظة کار، آقای لی، شدند. در این تظاهرات چندین نفر از تظاهرکنندگان درگیری با پلیس دست گیر شدند. در شهر توکیو ژاپن، ۳۶۰۰۰ نفر راه پیمایی کردند. خواسته های تظاهرکنندگان افزایش کمکهای مالی دولتی به مردم، مخالفت با صرف بودجه دولتی برای مصارف جنگی بود. در ترکیه، جمعیتی در حدود ۵۰۰۰ نفر بعد از ۳۱ سال در "میدان تقسیم" در استانبول تظاهرات کردند. در ایران، برای اولین بار در شکل کارگری در یک بیانیه مشترک پرچمدارخواستهای آزادیخواهی و برابری طلبی در سطح جامعه شدند و کارگران را دعوت به تظاهرات کردند. اگرچه تظاهرات کارگران در همان لحظات اول مورد ضرب و شتم ماموران مزدور رژیم قرار گرفت ولی اول ماه امسال در ایران بدون شک نقطه عطفی در جنبش کارگری این کشور بود.

در میان تظاهرات اول ماه مه امسال، تظاهرات کارگران در ایران، ترکیه و فرانسه جایگاه خاصی داشت. از گزارش تظاهرات اول ماه مه در ایران بخاطر آنکه خوانندگان

بزودی پایان خواهد یافت". در یونان، دولت از ترس آنکه شورشهای شهری دسامبر ۲۰۰۸ تکرار نشود ۴۰۰۰ پلیس را به سراغ یک تظاهرات مسالمت آمیز ۶۰۰۰ نفره میفرستد. در این جا باید یاد آوری کنیم که در دسامبر سال گذشته پلیس یونان به تظاهرات مسالمت آمیز مردم تیراندازی کرده که باعث کشته شدن یک نوجوان ۱۵ ساله شد. قتل این نوجوان هم چون جرقه ای آتشی باعث شعله ور شدن شورشهای خیابانی در سراسر یونان شد.

بزرگترین تظاهرات امسال در مسکو بود که در آن دو میلیون نفر شرکت کردند. بر طبق گزارش فدراسیون اتحادیه های مستقل کارگری روسیه جمعیتی در حدود سه میلیون نفر در هزار و پنجاه و هفت شهر بزرگ و کوچک در روسیه راه پیمایی کردند. دومین تظاهرات میلیونی در فرانسه بود که در آن یک میلیون نفر (چهارصد و پنجاه هزار نفر به روایت پلیس) در صدها شهر شرکت داشتند. جمعیت تظاهرکنندگان در پاریس حدود ۱۶۵۰۰۰ نفر بود که در آن تظاهرکنندگان با خود

"انترناسیونال" به اندازه کافی واز طریق مطالب دیگر با آن آشنا هستند صرف نظری کنیم. در این نوشته نگاه مختصری به اول ماه مه در ترکیه و فرانسه خواهیم داشت.

ترکیه، بازگشت به میدان تقسیم: جمعیتی در حدود ۵۰۰۰ نفر از مردم ترکیه و بعد از ۳۲ سال دوباره مراسم اول ماه مه را در میدان تقسیم در استانبول برگزار کردند. از سال ۱۹۷۷ که در آن پلیس ترکیه به تظاهرات ۵۰۰ هزار نفره مردم در میدان تقسیم تیراندازی کرده که در نتیجه آن ۳۶ نفر به قتل رسیدند، این میدان بر روی تظاهرکنندگان اول ماه مه بسته بوده است. تظاهرات امسال توسط اتحادیه های کارگری مهمی مانند دیسک و کسک برگزار شد. اگرچه پلیس به کارگران و رهبران اتحادیه های کارگری اجازه ورود به میدان تقسیم را داد ولی از ورود مردمی که می خواستند از خیابانهای اطراف به تظاهرکنندگان ملحق شوند جلوگیری کرد. خیابانهای اطراف توسط پلیس بسته شده بود. پلیس به منظور پراکنده کردن جمیتی که در پشت باریگارد جمع شده بود از گاز اشک آور استفاده میکرد. این در حالی بود که رهبران اتحادیه ها مرتباً پلیس را مورد خطاب قرار داده، خواهان کنار زدن باریگارد ها و اجازه ورود مردم به میدان تقسیم بودند. مردم تظاهرکننده در میدان تقسیم نیز به نوبه خود به مردم پشت باریگارد ها خوش آمد گفته و آنها را مورد تشویق قرار می دادند. در این میان، حرکت مردم ۴۷ ساله ای در صف مقدم تظاهرکنندگان و در حالیکه در چرخ دستی خود نشسته بود بسیار جالب توجه بود.

این مردم که وابسته به یک گروه سیاسی در ترکیه بود ابراز می کرد که وقایع احتمالی که ممکن است در آن روز اتفاق بیفتد او را نمی هراساند. "آیا یک نفر می تواند بترسد در حالیکه یک جوان ۲۱ ساله بدون ترس و در حالیکه سرود میخواند بدار آویخته شد". اشاره این مرد به رهبر جوان سوسیالیستی بود که در سال ۱۹۷۲ اعدام شده بود. از صحنه های جالب توجه دیگر در این تظاهرات آویزان کردن پرچم بزرگی بر روی "هتل مرمر" در میدان تقسیم بود که بر روی آن نوشته شده بود "بگذارید آنها بیکه در سال ۱۹۷۷ و از اینجا بروی مردم آتش گشوند دسگیر شوند". قابل ذکر است که در سال ۱۹۷۷ "مردم ناشناسی" از بالای هتل مرمر نیربظرف جمیت تظاهرکننده تیراندازی کرده بودند. فرانسه، فراخوان ۸ اتحادیه مهم کارگری برای برگزاری مراسم اول ماه مه

برای اولین بار بعد از پایان جنگ جهانی دوم ۸ اتحادیه مهم کارگری در فرانسه به اعضای خود فراخوان دادند که برای مقابله با سیاستهای ریاضت کشی دولت و هم چنین در جواب به بحران مالی کشور دست به تظاهرات مشترک بزنند. ولی واقعیت امر این است که این "اتحاد" در اساس بخاطر کانالیزه و مهار کردن



رادیکالیسم توده های کارگر فرانسه بود. رادیکالیسمی که بقول نخست وزیر سابق فرانسه، آقای وی لیبین، "خطر انقلاب" را با خود آورده است.

تظاهرات اول ماه مه امسال در فرانسه بار دیگر گوشه ای از نمایش قدرت طبقاتی طبقه کارگر این کشور بود. ولی این را نیز نباید فراموش کرد تا زمانی که جنبش کارگری فرانسه تحت کنترل جنبش رفمیستی/اتحادیه ای قرار دارد این جنبش تهدید جدی برای طبقه حاکمه این کشور نخواهد بود. روسای دولت فرانسه بارها از درایت رهبران اتحادیه ها قدردانی کرده اند. بنظر میرسد آنچه که دولت فرانسه و هم چنین رهبران اتحادیه ها را نگران کرده است دیگر تظاهرات فرمال در شکل حتی میلیونی آن هم نیست. بقول یکی از مقامات بلند پایه اتحادیه CFDT حتی "اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته" نیز مشکلی را حل نخواهد کرد.

آنچه که هم روسای دولتی و هم رهبران اتحادیه ها را نگران کرده است رادیکالیسم توده ایست که می رود هر چه بیشتر راه خود را از جنبش رفمیستی/اتحادیه ای سوا می کند. این جنبش در ماه های اخیر خود را به شکل "bossnapping" (ترجمه فارسی آن با کسی اغماض گروگان گیری مدیران است) نشان داده است. ماجرا از این قرار است که در ماه گذشته حد اقل در دوازده مورد روسای شرکتهایی که کارگران را بیکار کرده اند توسط کارگران به

گروگان گرفته شده اند. منجمله کارگران خشم گین شرکت های کاترینیلار و کانتیننتال که برای حفظ شغلهای خود مبارزه میکنند چهار نفر از مدیران را در روز اول ماه آوریل به گروگان گرفته اند. به گزارش رویتر در یکی از این گروگان گیری ها مدیران قول طرح جدید با کارگران را داده اند.

راه پیمایی تعدادی از کارگران فرانسه و آلمان در یکی از شهرهای آلمان در ماه آوریل بروز شکل دیگری از رادیکالیسم توده ایست. ماجرا از این قرار است که عده ای از کارگران آلمانی شرکت کانتیننتال، که قرار است کارخانه اشان تعطیل شود، در ایستگاه هانور به استقبال همکاران فرانسوی خود که از پاریس آمده اند می روند. کارگران فرانسوی و آلمانی بعد از ملاقات هم دیگر به راه پیمایی در شهر می پردازند. تظاهرکنندگان با خود شعار معروف مانیفست کمونیست "کارگران جهان متحد شوید" را حمل می کنند. حرکتی رادیکال و خارج از کنترل روسای اتحادیه هاست که کسانی چون آقای سامر رئیس فدراسیون اتحادیه کارگری آلمان را به وحشت انداخته و خطر "ناآرامی های اجتماعی" را به دولت آلمان گوشزد کرده و نگران این هستند که مقاومت و رادیکالیسم کارگران فرانسه به کارگران آلمانی نیز سرایت کند.

در خاتمه: بیانیه و فراخوان ده تشکیل کارگری برای تظاهرات اول ماه مه در ایران، اجرای دوباره مراسم اول ماه مه در میدان تقسیم در ترکیه، فراخوان ۸ اتحادیه کارگری در فرانسه به مشابه آلترناتیوی برای مهار کردن رادیکالیسم جنبش توده ای از نقطه عطفی در خود آگاهی و رشد رادیکالیسم طبقه کارگر جهانی در اول ماه مه امسال بود.*

اول مه ۸۸

گامی مهم در پیشروی جنبش انقلابی مردم در ایران

اول مه امسال در ایران از نظر ابعاد آن، تعداد شهرهائی که اول مه برگزار شد، جمعیتی که در مراسم ها و میتینگهای اول مه شرکت کرد، از نظر مضمون رادیکال و طرح مطالبات انسانی طبقه کارگر برای کل جامعه، و از نظر روحیه حاکم بر اجتماعات و عزم و اراده و اتحاد رهبران و سازماندهندگان آن یک نقطه عطف در جنبش کارگری، یک پیشروی بزرگ در مبارزه مردم ایران و بروز شورانگیز حضور قدرتمند طبقه کارگر در پیشاپیش صف اعتراضات و مبارزات توده مردم بود.

این یک پیشروی مهم در جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهانه مردم ایران است.

قطعنامه اول مه دستاورد ارزشمند دیگر اول مه امسال بود. این قطعنامه حاصل همکاری و اتحاد وسیعی بود که در میان فعالین و تشکل های کارگری و مراکز مختلف کارگری شکل گرفت. ده تشکل کارگری و ده مرکز کارگری در تهران و سنجند و همچنین پنج مرکز کارگری در کرمانشاه که قطعنامه مشابهی به تصویب رساندند یعنی جمعا ۲۵ تشکل و مرکز کارگری، متحد شدند و خواست های مهمی را بصورت یک قطعنامه قبل از اول مه در اختیار جنبش کارگری و مردم گذاشتند و مردم را به گرد آمدن حول آن فراخواندند. این اتحاد یک ضرورت سیاسی بود و بر متن پیشروی جنبش اعتراضی عملی شد و بر گسترش روحیه اعتراضی تاثیر قاطع خود را باقی خواهد گذاشت. ۱۵ بند این قطعنامه نیز هرکدام بیانگر یک معضل مهم اجتماعی در ایران است که با پشتوانه تبلیغات پیگیر کانال جدید و آکسیون های قدرتمند اول مه در شهرهای مختلف کشور، به یک قطعنامه ویژه و تاریخی تبدیل شد. افزایش دستمزدها برای یک

زندگی انسانی، امنیت شغلی، بیمه بیکاری مکفی برای کسانی که بیکار شده اند و جوانان جویای کار، برابری زن و مرد، آزادی بیان و اعتصاب و تشکل، پایان دادن به تعقیب فعالین کارگری، آزادی فرزند کمانگر، دفاع از مهاجرین افغانی و دفاع از زندگی کودکان و حق تامین آنها صرفنظر از وضعیت خانوادگی و جنسیت آنها، دفاع از حقوق بازنشستگان و معلمان و دفاع از مبارزه عادلانه سایر بخش های جامعه اینها بخشهایی از این قطعنامه اند که دهها میلیون انسان محروم و ستم دیده و معترض را نمایندگی میکند.

رژیم از ترس گسترش این تجمعات حکومت نظامی اعلام نشده ای را در اکثر شهرها سازمان داد و هرچند با این کار مانع گسترش ابعاد این مراسم ها شد، اما قادر به جلوگیری از آنها نشد، و علیرغم دستگیری تعدادی از فعالین و شرکت کنندگان در این تجمعات از جمله در سنجند، قصر شیرین و بندرعباس و یورش وحشیانه به تجمع کارگران در پارک لاله تهران، هزاران نفر در این مراسم ها گرد آمدند و اول مه را گرمی داشتند. رژیم از ترس گسترش این اجتماعات و مشخصا در تهران درست در شروع مراسم و در حالیکه

مردم دسته دسته از نقاط مختلف تهران بطرف این مراسم در حرکت بودند، با گاز اشک آور و باتوم و مشت و لگد یورش برد و بیش از ۷۰ نفر از سازمان دهندگان و

شرکت کنندگان در این مراسم را دستگیر و روانه زندان کرد. رژیم حتی جنایتکارانه و صبح این روز دلارا را به دار کشید تا پیام تهدید و ارعاب خود را به مردمی که قصد برگزاری و شرکت در مراسم های اول مه را داشتند برساند اما این جنایت نیز مانع حضور پرشور مردم در این اجتماعات نشد. بویژه حضور تعداد کثیری از زنان مبارز و آزادیخواه در اجتماعات اول مه کاملا چشمگیر بود. روحیه بالای زندانیان اول مه که به خانواده های خود پیام میفرستند که از قبول هرنوع وثیقه ای خودداری کنند و تجمعات پرشور و مصممانه و هرروزه خانواده ها بیانگر روحیه حاکم بر اول مه امسال و مردمی است که دیگر حاضر به تحمل این شرایط خفت بار نیستند.

اول مه امسال یک تعرض سیاسی جدید و قدرتمند صف کارگر و آزادیخواهی به جمهوری اسلامی و جهانی است که به جامعه تحمیل کرده است. یک نقطه عطف تازه در مبارزه برای رهائی از این وضعیت، و شروع دور تازه ای از رویارویی کارگران و مردم حق طلب با حکومت اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری از یک ماه قبل از اول مه به استقبال روز

جهانی کارگر رفت، از طریق کانال جدید با تمام قوا توده مردم را به تظاهرات سراسری و اعتراض علیه هرنوع بیحقوقی و تبعیض و نابرابری فراخواند، اول مه را به اعماق جامعه برد، و تریبون خود را در اختیار تعداد کثیری از مردم گذاشت که در مورد اول مه صحبت کنند و به فراخوان های پرشور بپردازند. حزب افتخار میکند که در شکل گیری حرکت اول مه و پیشروی مبارزه کارگران و مردم علیه جمهوری اسلامی نقش ارزنده ای ایفا کرده است.

حزب کمونیست کارگری صمیمانه دست تک تک سازمان دهندگان و فعالین این اجتماعات و تک تک شرکت کنندگان در این مراسم ها را میفشارد، بر عزم و اراده و شجاعت آنها و خانواده های مبارزشان درود میفرستد و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تک تک این عزیزان است. آنها مردم استثمارشده و فقیر و محروم و حق طلب جامعه را نمایندگی کردند و شایسته حمایت گرم و پرشور ما در داخل و خارج کشورند.

زنده باد اول مه

زنده باد عزم و اراده و شور اول مه

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸

فراخوان به شرکت در تظاهرات

در همبستگی با مبارزات کارگران در ایران در تظاهرات چهارشنبه ۳ ژوئن

در مقابل محل کنفرانس سازمان جهانی کار (آی ال او) در ژنو شرکت کنید!

اجلاس سالانه سازمان جهانی کار (آی ال او) از ۳ تا ۱۹ ماه ژوئن در ژنو برگزار میگردد. قرار است هیئت نمایندگی رژیم اسلامی ایران و نمایندگان سازمانهای دست ساز آن، همچون سالهای گذشته، در این اجلاس حضور بهم رسانند. نباید اجازه داد سرکوبگران کارگران در آی ال او حضور یابند. رژیم اسلامی ایران، بخاطر سرکوب کارگران و تحمیل بیحقوقی مطلق به آنها، باید از آی ال او اخراج گردد.

در حمایت از مبارزات کارگران و برای آزادی دستگیرشدگان اول مه و همه کارگران زندانی در این تظاهرات شرکت کنید! همه مردم آزادیخواه و همچنین سازمان های کارگری را به شرکت در این تظاهرات فرا میخوانیم.

زمان: چهارشنبه ۳ ژوئن از ساعت ۱۲

محل: ژنو مقابل محل کنفرانس سازمان جهانی کار (آی ال او)

جمهوری اسلامی ایران باید از آی ال او اخراج گردد!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

مه ۲۰۰۹، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۸

تلفن های تماس: بهرام سروش: ۰۰۴۴۷۸۵۲۳۳۸۳۳۴ آرش مهدی زاده: ۰۰۴۱۷۶۴۰۰۶۹۶۲ شهناز مرتب: ۰۰۴۹۱۷۱۹۷۱۶۲۲۷

شرکت گسترده و فعال تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در میتینگ ها و تظاهرات روز جهانی کارگر

میتینگ اول مه شرکت کرده و اعلامیه حزب را توزیع کردند. همچنین با فروش مواد غذایی و نوشیدنی برای کمک به کانال جدید اقدام کردند.

سوئد: استکهلم

بمناسبت روز جهانی کارگر میتینگ و راهپیمایی با شکوهی برگزار شد. حزب کمونیست کارگری ایران در این میتینگ و راهپیمایی شرکت داشت. پرچم ها و پلاکاردهای بزرگ مزین به تصاویر مارکس، زنده باد سوسیالیسم، زنده باد اول مه روز جهانی کارگر، جمهوری اسلامی باید از آل او اخراج گردد و سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران در این تظاهرات حمل میشد. در طی مسیر شعارهای زنده باد اول مه، زنده باید سوسیالیسم و سرنگون باد جمهوری اسلامی سر داده میشد که چند بار از سوی نظاره کنندگان صف اول مه با دست زدن مورد تشویق قرار گرفت. سرود انترناسیونال نیز در مسیر تظاهرات توسط فعالین حزب بارها سروده شد. تصاویر بزرگ مارکس و بانرهای حزب توحه بسیاری را بخود جلب کرد. عکاسان و خبرنگاران بسیاری از باندرول ها عکس و فیلم تهیه کردند. در این روز نیز کتاب و غرفه برگزار شد که عده زیادی به آن مراجعه کردند و با فعالین حزب گفتگو کردند. عصر این روز جشنی نیز برگزار گردید که ده ها نفر در آن شرکت داشتند.

گوتنبرگ

اول ماه مه امسال به مراتب با شکوهرتر، رنگین تر، چپ تر و رادیکال تر از سالهای قبل برگزار گردید. بحران اقتصادی و بیکارسازیهها بر طرح شعارها و مطالبات اول مه تاثیرات مستقیمی گذاشت. سخنرانها چپ تر از سال قبل بود و حمله به بورژوازی و احزاب راست تندتر و رادیکال تر از قبل بود. صف تظاهرات طولانی تر از سال گذشته و خواسته ها و مطالبات مطرح شده ربط مستقیمتری نسبت به سال قبل به زندگی و معیشت مردم داشت.

حزب کمونیست کارگری ایران طبق سنت هرساله در میدان یرن توریت،

صفحه ۱۱

شلاق میزند. این رژیم باید از آل او اخراج شود" توسط اعضا حزب حمل میشد. تعداد زیادی عکس مارکس در قطع بزرگ تهیه شده بود که توسط تظاهر کنندگان حمل میشد. مردم با استقبال و با کمال میل عکس مارکس را از از فعالین حزب دریافت کرده و با خود حمل میکردند. در این تظاهرات که مدت ۲ ساعت به طول انجامید تعداد زیادی اطلاعیه های حزب به مناسبت روز کارگر به زبان آلمانی و فارسی پخش شد.

کلن

میز و چادر اطلاعاتی حزب کمونیست کارگری ایران- کلن، با پلاکاردها و عکسهای بزرگ مارکس و منصور حکمت، با شعارهای متعدد در محکومیت سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی و در دفاع از مبارزات کارگران ایران و با شعارهایی به آلمانی و فارسی از قبیل زنده باد اول ماه مه زنده باد سوسیالیسم، نه به سرمایه داری و پلا کارد بزرگ جبهه سوم و همچنین پلاکاردها ما به تغییر جهان نیاز داریم توجه زیادی را بخود جلب میکرد. مراجعین به میز اطلاعیه های حزب را دریافت کرده و تعدادی به کانال جدید کمک مالی کرده و چندین جلد کتاب بفروش رسید. یک نفر تقاضای عضویت در حزب کرد.

برلین

واحد برلین نیز در روز اول مه در تظاهرات شرکت کرد. رفقای واحد برلین با در دست داشتن پرچم های بزرگ حزب و شعارهای دیگر در راهپیمایی شرکت کرده و اطلاعیه های و اعلامیه های حزب را در میان مردم پخش کردند.

هانوفر

میز کتاب حزب در محل برگزاری مراسم مرکزی اول مه برگزار گردید. بیانیه اول ماه مه حزب در میان مردم پخش گردید. مراجعه کنندگان به میز کتاب با کادراهای حزب در مورد برنامه حزب و مسائل ایران به بحث و گفتگو پرداختند و تعدادی کمک مالی کردند.

کاسل

در کاسل نیز فعالین حزب در

فارسی، آلمانی، انگلیسی، ایتالیایی و ژاپنی برای مراجعه کنندگان روی میز قرار داشت. در این روز صدها اطلاعیه پخش شد، تعدادی خواهان تماس با حزب شدند و تعدادی کتاب



چه در محل برگزاری سخنرانی فروخته شد. یک نفر خواهان عضویت



در حزب شد. همچنین به مراجعه به میز کتاب حزب تقاضایی برای حضور مینا احدی در شهر کنستانس آلمان و سخنرانی شد.

همزمان با شرکت در راهپیمایی صدها اطلاعیه حزب در میان مردم پخش گردید. در این روز واحد فرانکفورت اقدام به برگزاری دو میز کتاب و اطلاع رسانی کرده بود. میز اول در محل شروع راهپیمایی و میز دوم در محل تجمع مرکزی اول مه. میز مرکزی با استقبال مردم روبرو شد. عده ای ضمن دیدار از میز کتاب حزب، با کادراهای حزب در باره موضوعات مختلف به بحث و گفتگو پرداختند.

هامبورگ

در هامبورگ اعضا و دوستاناران حزب کمونیست کارگری ایران در تظاهرات سراسری اتحادیه های کارگری شرکت کردند. عکس بزرگ مارکس و شعارهای "حق با مارکس بود"، "ما هنوز به مارکس برای تغییر جهان احتیاج داریم" و جمهوری اسلامی کارگران را زندانی میکند و

آرم حزب را در محل سخنرانی دبیر کل این اتحادیه بر افراشته نگه ندارند، چون قرار بود فیلم برداری شود. اما علیرغم این، فعالین حزب در برمن، چه در مسیر راهپیمایی و

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در کشورهای مختلف با شرکت در میتینگ ها و تظاهرات که بمناسبت اول مه برگزار گردید و همچنین با برگزاری مراسم و جشن، اول مه روز جهانی کارگر را گرامی داشت. بیانیه حزب که به ۱۲ زبان ترجمه شده بود در این میتینگ ها وسیعاً توزیع شد، صد ها باندرول و پلاکاردها با شعارهای متعدد از جمله زنده باد سوسیالیسم، زنده باد اول مه، جمهوری اسلامی ایران باید از آل او اخراج گردد، مرگ بر جمهوری اسلامی ایران و تصاویر مارکس در ده ها شجر جهان توسط فعالین حزب حمل شد. در اکثر این تظاهرات ها شعار مرگ بر جمهوری اسلامی توسط صف حزب سر داده شد.

در اول ماه مه امسال حزب کمونیست کارگری ایران و سیاست ها و شعارهای آن، در ابعاد وسیع در مقابل مردم قرار گرفت. تعداد زیادی به غرفه ها و میزهای اطلاعاتی که برگزار شده بود مراجعه کردند. عده ای برای اولین بار به غرفه های حزب آمده و با حزب تماس میگرفتند. در چند شهر به تلویزیون کانال جدید کمک مالی کردند و چند نفر نیز خواهان عضویت در حزب شدند.

در زیر خلاصه ای از گزارشات که تا کنون بدست ما رسیده است را ملاحظه میکنید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۴ مه ۲۰۰۹
آلمان: برمن

حزب کمونیست کارگری ایران در برمن در تظاهرات اول مه شرکت کرد. در این تظاهرات پلاکاردها و شعارهای بزرگ با عکس های مارکس به همراه پرچم حزب توجه مردم را جلب کرده بود. در مسیر راهپیمایی صدها نسخه از اطلاعیه های حزب در میان مردم پخش گردید. امسال میتینگ مرکزی اتحادیه کارگران آلمان "د گ ب" در شهر برمن برگزار شد. همین مسئله باعث شده بود که مدیای زیادی در آنجا حضور یابند. برگزار کنندگان میتینگ اول مه از فعالین حزب خواستند پرچم های مارکس و

فرانکفورت

تشکیلات فرانکفورت حزب امسال با آمادگی بیشتری به استقبال اول مه رفت. دهها پلاکاردها و پرچم های حزب به همراه عکس های مارکس و شعارهای اول مه شامل: جمهوری اسلامی کارگران را زندانی میکند و شلاق میزند. جمهوری اسلامی ایران باید از آل او اخراج شود. ما هنوز به مارکس برای تغییر جهان احتیاج داریم، از جمله پلاکاردهایی بودند که در مسیر راهپیمایی حمل می شد.

بیانیه اول ماه مه حزب به زبانهای

از صفحه ۱۱ شرکت گسترده و فعال ...

یکی از میدانهای اصلی شهر، غرفه بزرگی را بر پا کرده بود. در این غرفه، میزکتاب بزرگی از کتابها و نشریات حزب دایر شده بود. غرفه حزب در این میدان با نصب باندرولهای زیاد و با شعار کارگران جهان متحد شوید و با جمله جهان

طور وسیع در میان مردم توزیع شد. شعارهای حزب از جمله شعار مرگ بر جمهوری اسلامی در صف تظاهر کنندگان اول مه تکرار شد. در این روز کمک مالی برای تلویزیون کانال جدید جمع آوری شد.



مالمو

فعالین حزب با حمل باندرولهای بزرگ که تصاویر مارکس بر روی آن نقش بسته بود و با شعارهای "حق با

هنوز احتیاج به تغییر دارد، زنده باد سوسیالیسم، آزادی، برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی و زندانی سیاسی آزاد باید گردد تزیین شده بود که



مارکس بود"، "زنده باد سوسیالیسم" و "دنیا به مارکس برای تغییر احتیاج دارد" را حمل میکردند. باندروله دیگری که بر آن نوشته شده بود "ما از پرداخت هزینه های بحران سرمایه داران اجتناب میکنیم" نیز در صف فعالین حزب حمل میشد که بسیار مورد توجه قرار گرفت. بیانیه حزب بمناسبت اول مه در تظاهرات این روز توزیع شد.

توجه ها را به خود جلب میکرد. یک ابتکار جالب حزب در این تظاهرات این بود که در حدود ۲۰۰ عدد پرچم با عکس مارکس در قطع کوچک و بسیار زیبا تهیه شده بود. این پرچمها از سوی اعضا و فعالین حزب در میان تظاهرات کنندگان توزیع شد که مورد استقبال قرار گرفت و توسط آنها حمل میشد. تعداد زیادی از نشریات و صداهای نسخه از اطلاعاتیه حزب به مناسبت اول ماه مه در میان مردم توزیع گردید.

بورس

اعضا و دوستداران حزب در شهر بورس به برگزاری میز اطلاع رسانی اقدام کردند. پرچم بزرگی با تصویر مارکس، آرم حزب و تصاویری از جنایات جمهوری اسلامی و همچنین از مبارزات کارگران ایران، در کنار این میز توجه ها را به خود جلب می کرد. اطلاعاتیه ها و نشریات حزب به

برگزار شد. در این تظاهرات بیش از ۵۰۰ نفر شرکت کردند. فعالین حزب کمونیست کارگری ایران با در دست داشتن باندرولهای گرامی باد اول ماه و آزادی برابری حکومت کارگری در این تظاهرات شرکت کرده و اطلاعاتیه حزب به زبان هلندی را در صدها نسخه توزیع کردند. فعالین حزب در انتهای مراسم نیز خبر دستگیری فعالین و رهبران کارگری در اول مه و اعدام دلارا دارابی را به اطلاع حاضرین رساندند که موجی از همبستگی با کارگران ایران و نفرت از جمهوری اسلامی را در میان مردم ایجاد کرد.

نروژ: اسلو

بیش از ده هزار نفر در مرکز شهر اسلو تجمع کردند و اول مه را گرامی داشتند. پلاکاردهائی با شعارهای همبستگی کارگری، علیه بیکارسازیها و در رابطه با بحران سرمایه داری و مشکل مسکن و گرانی و آلودگی محیط زیست توسط شرکت کنندگان حمل میشد. فعالین حزب با برپائی غرفه اطلاعاتی و حمل باندروله ها و پلاکاردهائی از تصاویر مارکس و منصور حکمت، زنده باد سوسیالیسم و در محکومیت جمهوری اسلامی ایران در این تظاهرات شرکت داشتند. اطلاعاتیه حزب بزبان نروژی در این تظاهرات نیز توزیع شد.

فنلاند: تامپره

جمعه اول مه حزب کمونیست کارگری ایران همراه با اتحادیه ها و احزاب چپ فنلاندی به مناسبت اول مه روز جهانی کارگر در خیابانهای شهر تامپره به راهپیمایی پرداختند. شعارها، باندروله ها و تصاویر مارکس که توسط اعضا و فعالین حزب حمل میشد جلوه باشکوهی به راهپیمایی داده بود، بطوریکه صف فعالین حزب توسط دوربینهای مختلف در اطراف مسیر راهپیمایی برای تهیه عکس و فیلم در محاصره قرار داشت. اطلاعاتیه حزب بمناسبت اول مه به زبان فنلاندی نیز در سطح وسیعی در میان مردم توزیع شد.

فرانسه: لیون

جمعیتی بالغ بر ۳۰۰۰۰ هزار نفر در تظاهرات امسال بمناسبت اول مه شرکت داشتند. تظاهرات از ساعت ۱۰ صبح شروع شد. شعارهای اصلی این تظاهرات عبارت بود از: ما خرج بحران شما را نمیدیم؛ مسول این بحران شما

هستید؛ همه با هم بر علیه سرمایه دار و دولت حامی او. در این تظاهرات واحد حزب به اتفاق جمعی از ایرانی های آزاده با حمل باندروله های حزب و زنده باد سوسیالیسم و تصاویر مارکس و منصور حکمت شرکت داشتند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی را سر دادند. بیانیه حزب در این تظاهرات توزیع شد.

و گروه های سیاسی با در دست داشتن پرچمها و پلاکاردهائی از مقابل کتابخانه مارکس بطرف میدان ترافالگار در مرکز لندن اقدام به راه پیمایی کردند.

صف حزب کمونیست کارگری ایران با حمل باندروله بزرگی که روی آن نوشته شده بود "سرنگون باد جمهوری اسلامی! قدرت بدست کارگران و حزیشان حزب کمونیست کارگری



ایران" و پرچمهایی با عکس مارکس که روی آنها نوشته شده بود "ما هنوز برای تغییر جهان به مارکس نیاز داریم" جلوه خاصی به مراسم ۱ مه در لندن داده بود. فعالین حزب همچنین با حمل ده ها پلاکاردها و پخش بیانیه حزب بمناسبت روز جهانی کارگر، صدای کارگران ایران را به گوش دیگر هم طبقه ای هایشان رساندند. شعارهای زیر بر پلاکاردها نوشته شده بود:

"نابود باد سرمایه داری! زنده باد سوسیالیسم!"

"نه به آخوندهای میلیاردر! سرنگون باد جمهوری اسلامی! قدرت بدست کارگران و حزیشان حزب کمونیست کارگری ایران"

"حق با مارکس بود و هست!"
 "نه به اسلام سیاسی! نه به میلیتاریسم غرب! زنده باد انقلاب سوسیالیستی در ایران!"
 "جمهوری اسلامی را از آبی او اخراج کنید!"

"پیروزی کارگران در ایران يك پیروزی برای کارگران جهان خواهد بود!"

"با بحران یا بدون بحران، سرمایه داری باید نابود شود!"

"نه به کار و استثمار کودکان! قدرت بدست حزب کونیست کارگری ایران!"

"نه به آپارتاید جنسی! قدرت بدست حزب کونیست کارگری ایران!"

"نه به اعدام! قدرت بدست حزب کمونیست کارگری ایران!"

کانادا: تورنتو

با اینکه اول ماه مه روز جهانی کارگر صفحه ۲۴

بردو

حدود ۴۰۰۰ نفر در میدان مرکزی شهر بردو (جمهوری) تجمع کردند. تظاهرات ساعت ۱۰ صبح شروع شد. یکی از اصلی ترین شعارهای اول مه امسال همه باهم علیه سرمایه داری بود. از شعارهای اصلی دیگر بحران خودتان را به ما منتقل نه کنید، بود. فعالین حزب در این تظاهرات شرکت کرده و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده و بیانیه حزب را در بین جمیعت توزیع کرده که مورد استقبال قرار گرفت.

کان

تظاهرات ساعت ۱۰ صبح شروع شد. شعار زنده باد سوسیالیسم توسط یکی از اعضا حزب حمل میشد. در این تظاهرات شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد سوسیالیسم توسط فعالین حزب سر داده شد.

انگلیس: لندن

حق با مارکس بود!
 یکصد و نوزدهمین میتینگ و راه پیمایی اول مه با نواختن موزیک انترناسیونال توسط گروه موزیک سرخ، و با شرکت هزاران نفر از کارگران در روز جمعه ۱ مه در لندن شروع شد
 بر باندروله کمیته برگزار کننده "حق تشکیل کارگری، حقوق انسانی، همبستگی بین المللی" نقش بسته بود. نمایندگان اتحادیه های مختلف کارگری و نمایندگان و فعالین احزاب

قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر و روز جوش و خروش کارگران در سراسر جهان برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری و بیان خواسته های آنان جهت برپایی دنیایی عاری از ستم و استثمار است.

امسال ما کارگران مراسم اول ماه مه را در شرایطی برگزار می کنیم که نظام سرمایه داری در گرداب یک بحران عظیم اقتصادی ویران کننده تری فرو رفته است و در حال دست و پا زدن برای نجات خویش از آن به سر می برد.

بحران عظیم اقتصادی موجود و عجز دولت های سرمایه داری در مهار آن و سرریز کردن بار این بحران بر دوش کارگران جهان، بیش از پیش گنبدگی این نظام را پس از فروپاشی بلوک شرق و ادعای پایان تاریخ به نمایش گذاشت و ضرورت برپایی دنیایی فارغ از مناسبات ضد انسانی نظام سرمایه داری را به مثابه یگانه راه خلاصی بشریت از مصائب موجود در برابر کارگران و بشریت متمدن قرار داد. این بحران و تبعات ویرانگر آن بر زندگی و معیشت کارگران در سراسر جهان تا آنجا که به ایران مربوط می شود و بر خلاف بهانه تراشی های کارفرمایان و تبلیغات قلم به داستان سرمایه، هنوز سایه شوم خود را بر زندگی و معیشت روزمره کارگران در ایران نگسترانیده است و از نظر ما بیشترین مصائب و مشقاتی که امروزه ما کارگران با آنها دست به گریبانیم بیش از هر چیز حاصل سیطره اقتصادی، اجتماعی و عملکرد سرمایه داری حاکم بر ایران است.

دستمزدهای به شدت زیر خط فقر، اخراج و بیکار سازی گسترده کارگران

عدم پرداخت به موقع دستمزد میلیون ها کارگر، تحمیل قرار دادهای موقت و سفید امضاء و حاکم کردن شرکت های پیمانکاری بر سرنوشت کارگران و بازداشت و زندانی کردن آنان تا سرکوب تشکل ها و اعتراضات کارگری و اجرای احکام قرون وسطایی شلاق علیه کارگران و رایج کردن فرم قراردادهای برده وار جدید، مصائب و بی حقوقی هایی نیستند که با وقوع بحران در اقتصاد جهانی وارد ایران شده باشد. این وضعیت سال هاست که ادامه دارد و هر ساله بر عمق و دامنه آن افزوده می شود. ما کارگران در مقابل این وضعیت بغایت ضد انسانی و گسترش عمق و دامنه آن سکوت نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشاند. ما تولید کنندگان اصلی ثروت و نعمت در جامعه هستیم و حق مسلم خود می دانیم تا با بالاترین استاندارد های حیات بشر امروز در آسایش و رفاه زندگی کنیم. داشتن یک زندگی انسانی حق مسلم ماست و ما برای تحقق آن تمامی موانع پیش روی خود را با برپایی تشکل های مستقل از دولت و کارفرما و با اتکا به قدرت همبستگی مان از سر راه خویش بر خواهیم داشت.

در این راستا ما کارگران امروز یک پارچه و متحد، مطالبات زیر را به عنوان حداقل خواسته های خود فریاد می زنیم و خواهان تحقق فوری این مطالبات هستیم

۱- تامین امنیت شغلی برای همه کارگران و لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء و برچیده شدن فرم های

جدید قرارداد کار
۲- محاذقل دستمزد تصویب شده از سوی شورای عالی کار را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها خانواده کارگری می دانیم و مصرانه خواهان افزایش فوری حداقل دستمزدها بر اساس اعلام نظر خود کارگران از طریق نمایندگان واقعی و تشکل های مستقل کارگری هستیم. ۳- برپایی تشکل های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، تجمع و آزادی بیان حق مسلم ماست و این خواسته ها باید بدون قید و شرط به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران به رسمیت شناخته شوند.

۴- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت گردد.

۵- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده اند و یا به سن اشتغال رسیده و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند. ۶- ما خواهان برابری حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی و محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنان هستیم.

۷- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی هستیم و هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان را قویاً محکوم می

کنیم-
۸- ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان به عنوان کارگران فکری، پرستاران و سایر اقشار زحمتکش جامعه، خود را متحد آنها می دانیم و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان و لغو حکم اعدام فرزند کمانگر هستیم -

۹- از آنجا که کارگران فصلی و ساختمان به طور کامل از هرگونه قوانین تامین اجتماعی محروم هستند، ما از اعتراضات این بخش از طبقه کارگر برای رسیدن به حقوق انسانی آنها دفاع می کنیم. ۱۰- سیستم سرمایه داری عامل کار کودکان است و تمامی کودکان باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسانی برخوردار شوند.

۱۱- ما خواهان آزادی کلیه کارگران زندانی از جمله منصور اسانلو و ابراهیم مددی و لغو کلیه احکام صادره و توقف پیگرد های قضایی و امنیتی علیه فعالین کارگری هستیم-

۱۲- ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش های آزادی خواهانه و برابری طلب همچون جنبش دانشجویی و جنبش زنان اعلام می داریم و دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش ها را قویاً محکوم می کنیم. ۱۳- ما بخشی از طبقه کارگر جهانی هستیم و اخراج و تحمیل بی حقوقی مضاعف بر کارگران مهاجر افغانی و

سایر ملیت ها را به هر بهانه ای محکوم می کنیم. ۱۴- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی طبقه کارگر برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم. ۱۵- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هرگونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

زنده باد اول ماه مه

زنده باد همبستگی بین المللی

طبقه کارگر

۱ مه ۲۰۰۹

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸

کمیته برگزاری مراسم

روز جهانی کارگر

سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه آزاد کارگران ایران

هیئت بازگشایی سندیکای کارگران

نقاش و تزئینات ساختمان

کانون مدافعان حقوق کارگر

شورای همکاری تشکل ها

و فعالین کارگری

- کمیته پیگیری

ایجاد تشکل های کارگری

- کمیته هماهنگی برای کمک به

ایجاد تشکل های کارگری

- شورای زنان

- جمعی از فعالین کارگری

تحت فشار قرار گرفته اند این نارهبران راه چاره را در چنین هذیان گوئی هائی بر علیه حزب یافته اند. اینان به خیال خود با چنین شیوه های آخوندی ای از خود دفع فشار میکنند!

واقعا رقت آور است! سقوط و انحطاط سیاسی هم بالاخره حدی دارد!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۸

درماندگی و انحطاط کامل این فرقه است. این یک نمونه بارز شیوه تهوع آور و نخ نما شده فرقه مجاهد در افترازی و نشر اکاذیب علیه منتقدین خود و نشاندهنده سقوط آزاد این فرقه به قعر انحطاط سیاسی است.

یک عرصه مهم و همیشگی فعالیت حزب ما نجات جان پناهندگان سیاسی و دفاع از حقوق آنان بوده است. فرهاد حسینی نیز زمانی که مسئول فدراسیون پناهندگان بود برای نجات جان کسانی که در منگنه رهبری

شرم کنید!

درباره هذیان گوئی فرقه مجاهد

است!

رهبری فرقه مجاهد که سیاستهای ارتجاعی و به بن بست رسیده اش باعث گرفتاری هزاران نفر در کمپ تیپف و اشرف در خاک عراق شده است، تلاش دارد با این نوع "افشاگرها" راه فراری برای خود پیدا کند. اما آنچه واقعا افشا میشود

اخیرا در نوشته ای با عنوان "افشای شبکه ماموران اطلاعاتی رژیم آخوندی در کشورهای اروپائی"، مندرج در چند سایت وابسته به سازمان مجاهدین، فرهاد حسینی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری یکی از اعضای این شبکه قلمداد شده است! واقعا شرم آور

گزارش فشرده ای از مراسم های اول مه ۸۸ در ایران

تهران: ۲۰۰۰ نفر در میتینگ اول مه تهران شرکت کردند
جمهوری اسلامی به تجمع مردم حمله کرد و بیش از ۱۷۰ نفر را دستگیر کرد

مردم را مورد ضرب و شتم قرار دادند و بیش از ده نفر را دستگیر کردند.

استقبال از دستگیر شدگان مراسم اول مه سنج

طبق گزارش کمیته برگزار کننده اول مه سنج، روز ۱۲ اردیبهشت شش نفر از شرکت کنندگان در مراسم اول مه سنج که توسط نیروهای امنیتی وانتظامی دستگیر شده بودند، شب بو خلیلی (گلرین)، شیوا سبحانی، فرزاد عبدی، فواد کیخسروی، بابک باجلانی و منصور کریمی، آزاد شدند و مورد استقبال گرم خانواده های خود و فعالین کارگری و مردم قرار گرفتند. مردم در مقابل ساختمان دادگستری تجمع کرده بودند و با آزادی این عزیزان آنها را گلباران کردند و در میان حاضرین شیرینی پخش کردند.

کرمانشاه:

بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران و مردم کرمانشاه به فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران کارخانه های چینی کرد، کاشی کرد، پتروشیمی پلی اتیلن سنگین و پتروشیمی اوره و آمونیاک کرمانشاه در مقابل استانداری این شهر دست به تجمع زدند و مراسم روز کارگر را با شور و شوق برگزار کردند.

در این مراسم که از ساعت ۱۰ صبح شروع شد، تعدادی از کارگران در مورد محرومیت ها و بی حقوقی های کارگران از جمله مساله اخراج کارگران چینی و کاشی کرد سخنرانی کردند. فرامرز قربانی عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و بازرس انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه نیز در مورد اهمیت روز جهانی کارگر سخنرانی کرد. کارگران در سخنرانی های خود وضعیت غیرانسانی حاکم بر طبقه کارگر و مردم محروم را محکوم کردند.

طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران، در طول این مراسم تعدادی از مسئولین استانداری و عوامل وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی در میان کارگران حضور داشتند و پس از سخنرانی کارگران، یکی از مسئولین استانداری از تجمع کنندگان خواست به داخل استانداری بروند و در آنجا با یوسفی رئیس اداره کار صحبت کنند اما کارگران اعلام کردند امروز

و ضمن اعلام شکست تلاش های حاکمیت برای جلوگیری از این حرکت متحدانه، مراتب تنفر و انزجار خود را از سرکوب وحشیانه مراسم امروز اعلام میدارد و ضمن محکوم کردن این اقدام غیر انسانی و وحشیانه خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیر شدگان می باشد.

سنج:

جمهوری اسلامی برای جلوگیری از برگزاری راهپیمایی اول مه در سنج پنج نفر از فعالین شناخته شده کارگری در این شهر، شریف ساعد پناه، صدیق کریمی، مجید حمیدی، خالد حسینی و ژیان سبحانی را صبح اول مه دستگیر کرد. اما این اقدام تأثیری بر اراده مردم برای برگزاری راهپیمایی اول مه نگذاشت.

در ساعت ۵ بعد از ظهر چند صد نفر از کارگران و مردم طبق برنامه اعلام شده در میدان امیریه سنج تجمع کردند و در حالیکه پلاکاردهائی در دست داشتند و شعار میدادند به طرف میدان کوه نورد شروع به راهپیمایی کردند. سرکوبگران حکومت به تظاهرات کنندگان حمله کردند و تعدادی را دستگیر کردند.

عوامل لباس شخصی، در لحظه آغاز مراسم مبادرت به جمع آوری پارچه نوشته هایی که در دست تظاهرات کنندگان بود، کردند اما با مقاومت آنان روبرو شده و کارگران از تحویل دادن کاغذ نوشته های که در دست داشتند خودداری کردند و بطرف میدان کوه نورد به حرکت درآمدند. تظاهرات کنندگان شعار میدادند: زنده باد کارگر کارگر و زندانی سیاسی آزاد باید گردد. روی مقواهایی که در دست تظاهرات کنندگان بود نیز نوشته شده بود: "رفاه، آموزش و پرورش برای همه"، "زنان، کارگران، دانشجویان، معلمین، اتحاد اتحاد"، "قرارداد موقت لغو باید گردد"، "فعالین زندانی آزاد باید گردند" و "کارگران جهان متحد شوید". پس از طی مسافت ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر، نیروهای سرکوب رژیم از انتظامی و لباس شخصی به جمعیت یورش بردند و

حاضر در محل و بسیاری از شرکت کنندگان کردند. شمار بسیاری از کارگران و شرکت کنندگان در مراسم، پس از ضرب و شتم و درمورد تعداد



زیادی با کوبیدن سر و صورتشان به دیواره و نرده های اطراف حوض و خونین کردن آنان، دستگیر شدند. نیروهای امنیتی حتی پس از حمله گسترده به شرکت کنندگان، در خارج از پارک لاله و در خیابان های اطراف نیز تعداد زیادی از مردم را بازداشت کردند.



در خلال این مراسم بیش از یکصد و پنجاه نفر، از زن و مرد و رده های سنی جوان تا سالمند، با وحشیانه ترین روش ها دستگیر شده اند و اکنون در بازداشت به سر میبرند.

کمیته برگزاری مراسم اول مه سال ۸۸ ضمن آفرین و تبریک به جنبش کارگری ایران برای این موفقیت بی نظیر برای برگزاری مراسم مشترک توسط گروه های مختلف کارگری و با قلمداد این حرکت مشترک و متحدانه به عنوان نقطه عطفی در جنبش کارگری ایران

گسترده از شرکت کنندگان در مراسم فیلمبرداری می کردند. حضور گسترده شرکت کنندگان در مراسم ششم نیروهای امنیتی را که تمام تلاش

خود را کرده بودند تا مراسم شکل نگیرد برانگیخت. بلافاصله پس از شروع مراسم و در حالی که شعارهای "زنده باد جنبش کارگری" و "کارگر اتحاد اتحاد" سر داده شد، نیروهای امنیتی افسار گسیخته و خشمگین به جمعیت شرکت کننده حمله ور شدند.

خود را کرده بودند تا مراسم شکل نگیرد برانگیخت.

بلافاصله پس از شروع مراسم و در حالی که شعارهای "زنده باد جنبش کارگری" و "کارگر اتحاد اتحاد" سر داده شد، نیروهای امنیتی افسار گسیخته و خشمگین به جمعیت شرکت کننده حمله ور شدند.

در ساعت ۵ عصر روز ۱۱ اردیبهشت طبق فراخوان قبلی ۲۰۰۰ نفر از کارگران و مردم تهران در پارک لاله تهران گرد آمدند تا اول مه روز جهانی کارگر را گرامی بدارند و علیه این شرایط غیرانسانی اعتراض کنند. در حالیکه هنوز دسته دسته مردم بطرف پارک لاله میرفتند، جمهوری اسلامی از ترس گسترش تجمع مردم تهران، حیواناته و با گاز اشک آور به مردم حمله کرد و با بیرحمی به ضرب و شتم مردم پرداخت و بیش از ۱۷۰ نفر را که حدود نیمی از آنها زن میباشند دستگیر کرد. بخشی از اطلاعیه کمیته برگزاری مراسم اول مه تهران را که تصویر گویائی از این مراسم، حمله سبعانه نیروهای سرکوب و مقابله مردم با آنان میدهد را اینجا نقل میکنیم:

"به مناسبت روز جهانی کارگر اول ماه مه، یازده اردیبهشت، بنا به فراخوان تشکل های مستقل جنبش کارگری ایران که خواسته ها و مطالبات کارگران ایران در آن قید شده بود، امروز جمعه، ساعت ۵ عصر، با حضور تعداد زیادی از کارگران، فعالین کارگری، خانواده های کارگران و مردمی که بنا به فراخوان در محل پارک لاله و در اطراف میدان آب نمای آن تجمع کرده بودند، مراسم روز جهانی کارگر و حضور برای اصرار بر خواسته های کارگران، مسندرج در فراخوان و قطعنامه آن، انجام گرفت.

نیروهای امنیتی که از روزهای قبل با احضار، تماس های تلفنی دائم و تعقیب کارگران و فعالین کارگری قصد ایجاد رعب و وحشت برای ممانعت از برگزاری مراسم را داشتند، امروز در پوشش نیروهای انتظامی و تعداد زیادی نیروهای لباس شخصی اطلاعاتی، از ساعت ۵ پیش در محل پارک لاله مستقر شده بودند. از طرفی نیروهای حراست برخی شرکت ها و کارخانه ها، از جمله شرکت واحد، نیز در تجمع حضور داشتند تا با شناسایی کارگران فعال آن واحد کارگری، آنان را به نیروهای امنیتی معرفی کنند. همچنین نیروهای اطلاعاتی به طور

از صفحه ۱۳ گزارش فشرده از مراسم های...

یوسفی باید به حضور ما بیاید و جواب دهد. یوسفی که توسط استانداری برای جوابگویی به کارگران احضار شده بود و از در پشتی وارد استانداری شده بود جرات نکرد به میان کارگران بیاید. در دقایق پایانی این مراسم نیروهای لباس شخصی اداره اطلاعات با سرعت خود از در استانداری به میان کارگران آمدند و شروع به تهدید کردند، اما کارگران با اتمام موفقیت آمیز مراسم در ساعت ۱۲ ظهر تصمیم به پایان مراسم گرفتند.

سفر:

مراسم اول مه به فراخوان کمیته هماهنگی و اتحادیه آزاد کارگران ایران در محل سننیکای خبازان برگزار شد. دو پلاکارد در گرامیداشت اول مه نصب شده بود. در این مراسم قطعنامه سراسری کارگران خوانده شد، اسماعیل نیازی و محمد عبیدی پور سخنرانی کردند و کاوه محمدی از طرف اتحادیه آزاد کارگران پیامی قرائت کرد. کارگران دو پلاکارد در محل نصب کرده بودند و در محل شیرینی و شکلات پخش کردند. مراسم از ساعت ده و ربع صبح شروع شده و تا یازده و نیم ادامه یافت.

در سفر نیز مانند کرمانشاه نیروی سرکوب رژیم در محل مستقر شدند بود تا مانع پیوستن مردم به تجمعات اول مه شود.

قصر شیرین:

کارگران قصر شیرین با سرکوبگران درگیر شدند بنا بر اخبار منتشره در سایت آژانس ایران خبر، بیش از ۱۵۰۰ نفر از کارگران قصر شیرین، صبح امروز ۱۱ اردیبهشت از ساعت ده صبح دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان پلاکاردهائی تحت عنوان کارگر حقش رامیخواهد، صدقه از دولت نمیخواهد و انتخابات فرمایشی تحریم است، تحریم است با نیروهای سرکوب رژیم که برای ممانعت از برگزاری این تظاهرات گسیل شده بودند درگیر شدند.

اراک: کارگران خشمگین اراک به طرف فرمانداری سنگ پرتاب کردند طبق گزارش دیگری از همین منبع در اراک روز ده اردیبهشت، حدود ۵۰۰ نفر از کارگران شرکت

نفت بودند، در مرکز شهر جمع شدند و پلاکاردهای خود به مناسبت اول مه را به اهتزاز درآوردند. در یکی از این پلاکاردها مجازات اعدام محکوم شده بود. سرکوبگران جمهوری اسلامی ۳ نفر از شرکت کنندگان در این تجمع را دستگیر کرد. اسامی دو نفر از دستگیرشدگان عبارت است از: عباس مرادی و محمد نیکخواه.

میربهراری، مریم یبینی فر، محمود حسینی، همایون جابری، بهنام ابراهیم زاده، حمید ملک زاده، صادق کیوان، اژن پورشریفی، زانینار احمدی، بهزاد خباز، حمید یعقوب علی، حمید خادمی، عین اله بصیری، مهدی شانددیز فراهانی، فرج الله سعیدی، نجمه رنجبران، علی معذب، سعید سجودی، حمید قربانی، یکزاد زنگنه، پوریپیش تازه، اصغر یآوری،



بهرام عابدینی، شاپور احسانی راد، محمد اشرفی، غلامرضا خانی، علیرضا ثقفی، سعید یوزی منصور، حبیب غیبی، جعفر عظیم زاده

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

در تهران همچنین طبق گزارشی سرکوبگران جمهوری اسلامی روز اول مه به جلسه اعضای تعاونی فلزکار و مکانیک یورش برده و ۱۹ نفر را دستگیر کرده اند که همچنان در زندان اوین به سر میبرند. عصر روز یکشنبه ماموران امنیتی با حضور در منازل این اعضا اقدام به تفتیش و ضبط برخی از لوازم منزل هم چون کتاب، نوار، رایانه و... نمودند.

تجمع هرروزه خانواده های دستگیرشدگان اول مه:

در تجمع پارک لاله بیش از ۱۷۰ نفر دستگیر شدند و تاکنون حدود ۳۵ نفر از آنها آزاد شده اند. اسامی تعدادی از کسانی که همچنان در زندان بسر میبرند طبق گزارش کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بشرح زیر است:

جعفر عظیم زاده، شاپور احسانی راد، بهرام (عیسی) عابدینی، سعید یوزی، بهروز خباز، یونس ارژنگ، مریم محسنی، محمد اشرفی، لاله محمدی، شریف محمدی، افسانه عظیم زاده، فاطمه اقدامی، فاطمه شاه نظری، محمد لطفی، مسعود لقمان، غلامرضا خانی، منصور حیات غیبی، بهناز فرمانبر، پروانه قاسمیان، میثم جعفر نژاد، امیر یعقوب علی، کاوه مظفری، جلوه جواهری، علیرضا ثقفی، محسن ثقفی، اسداله پور فرهاد، علی رضا فیروزی، پوریا پیش تازه، طاهای ولی زاده، هما ازدرنیا، حمید خادمی، عین اله بصیری، امید شفیعی، نوید یزدی، نسریین علیزاده، سجاد سبزهعلی پور، آيسان زرفام، خوشیخت، احمد داوودی، محمدی سلیمی، محمد احسانی، صالح کیا آبادی، حمید یعقوب علی، سیروس فتحی، شریفه فتحی، مریم

غلامرضا رجبی، سجاد سبزهعلی پور.

طبق اطلاعیه های متعددی که توسط کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی انتشار یافته است، خانواده های دستگیرشدگان اول مه هرروزه مقابل دادگاه انقلاب در تهران تجمع اعتراضی برپا میکنند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط عزیزان خود میشوند.

طبق گزارشی که در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شده است، کارگران کارخانجات و مراکز صنعتی و خدماتی سنندج با برقراری تماس های مکرر و پیگیرانه با اتحادیه آزاد کارگران ایران، هم سرنوشتان خود را که در تجمع روز جهانی کارگر در پارک لاله تهران دستگیر شده اند، مورد حمایت قرار دادند. کارگران کارخانجات شاهو، پریس، نساجی کردستان، غرب بافت، آجر شیل، شیرپاک آرا، گونی بافی سما، آرد فجر، نیرو رخش، کارگران بخش خدماتی بیمارستان توحید و جمعی از بازنشستگان شهرستان سنندج با برقراری تماس لحظه به لحظه ضمن حمایت از خواست آزادی بی قید و شرط کارگران در بند، آمادگی خود را برای دفاع عملی و موثر از کارگران بازداشت شده، از جمله برگزاری تجمع، تا آزادی تمامی دستگیر شدگان اجتماع اول ماه مه در پارک لاله ابراز داشتند.

جمعی از کارگران ایران خودرو نیز طی اطلاعیه ای اعلام کرده اند که روز کارگر یک روز جهانی است و در همه جا تعطیل می باشد. هیچکسی حق ندارد جلو برگزاری روز جهانی کارگر را بگیرد. ما برگزاری مراسم روز

جهانی کارگر را حق مسلم و بی چون و چرای کارگران می دانیم، سرکوب و دستگیری فعالان کارگری را محکوم می کنیم و خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیرشدگان هستیم.

جمع هائی از کارگران مجتمع های پتروشیمی مارون، فن آوران، غدیر، کارون، فازابی، فجر، اروند، بندر اصم و رازی واقع در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر نیز حمله به مراسم اول ماه مه کارگران و دستگیری آنها در پارک لاله تهران را محکوم کرده و در اطلاعیه ای نوشته اند: برگزاری

مراسم حق همه کارگران است و این حق را دهها سال است که طبقه کارگر در سراسر جهان بدست آورده است. ما کارگران در شرایطی در ایران به استقبال برگزاری مراسم روز کارگر رفتیم که بیش از یک میلیون نفر از هم طبقه ای هایمان با عدم پرداخت دستمزدها روبروست. کارگر در ایران از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود محروم است. بنابراین این حق کارگر است که از هویت انسانی خود دفاع کند و برگزاری مراسم روز جهانی کارگر یکی از راههای مهم این ابراز وجود است. این کارگران هیچ جرمی مرتکب نشده اند. ما از همه کارگران ایران و سازمانهای کارگری در سراسر جهان میخواهیم که از هیچ اقدامی برای آزادی کارگران دستگیر شده دریغ نکنند. کارگران دستگیر شده در اول ماه مه امسال باید بدانند که از حمایت همه کارگران ایران و جهان برخوردارند و شایسته بهترین دروها هستند.

لازم به توضیح است که کانال جدید نیز بدنبال دستگیری های اول مه برنامه های زنده متعددی را به این مساله اختصاص داد و تعداد قابل توجهی از مردم از این طریق از قطعنامه سراسری کارگران حمایت کردند و حمله به اجتماعات اول مه را محکوم و خواهان آزادی کلیه دستگیرشدگان شدند.

بی تردید ابعاد اول مه ۸۸ در ایران بسیار وسیعتر از این است. گفته میشود در کرج، اراک، شیراز، و بسیاری شهرهای دیگر نیز تجمعاتی به مناسبت اول مه برگزار شده است که تا این لحظه گزارش آنها را دریافت نکرده ایم.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

نامه خلیل کیوان دبیر تشکیلات خارج کشور حزب به سازمانهای کارگری، فعالین و نهادهای مدافع حقوق انسان در باره دستگیری شرکت کنندگان در تجمعات اول مه ایران



جنایات بیشماری که علیه کارگران و مردم مرتکب شده اند از سازمان جهانی کار باید اخراج شوند!

زنده باد
همبستگی بین المللی کارگری!

با احترام،
خلیل کیوان
دبیر تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
پنجشنبه ۷ مه ۲۰۰۹، ۱۷
اردیبهشت ۱۳۸۸

رونوشت به احزاب و مطبوعات

برانو در آوردن رهبران و فعالین کارگری است. میخوانند توان سازمانگری و اعتراضی جنبش کارگری را تضعیف کنند.

دوستان عزیز!

کارگران و مردم ایران در مبارزه برای احقاق حقوق خود به حمایت بین المللی نیاز دارند. روی این حمایت حساب میکنند. از شما انتظار دارند که جمهوری اسلامی ایران را بخاطر اعدام کودکان و نوجوانان و توقف مجازات اعدام که به منظور ارباب جامعه صورت میگیرد، محکوم کنید! سرکوب وحشیانه کارگران در اول مه را محکوم کنید! از شما انتظار دارند که بتوان خود را برای آزادی بیقید و شرط دستگیر شدگان اول مه و همه رهبران کارگری که در زندان بسر میبرند، بکار گیرید! نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و تشکل های دست ساز آن بخاطر

روانه زندان کردند.

در سنجیدگی نیز به منظور ممانعت از برگزاری مراسم اول مه، ۵ نفر از رهبران کارگران را فراخواندند و تا عصر آنها را در بازداشت نگه داشتند. همچنین طی مراسم ۶ نفر دیگر از رهبران کارگران را بازداشت و تا روز بعد در بازداشت نگه داشتند. با اینحال کارگران توانستند مراسم شان را برگزار کنند.

خانواده های دستگیرشدگان هر روز با تجمع در مقابل دادگاه در تهران خواهان آزادی بستگان خود هستند. در نتیجه تلاش خانواده ها تا کنون عده ای از بازداشت شدگان آزاد شده اند، اما حدود ۱۳۰ نفر از آنها که از چهره های سرشناس و رهبران کارگری در میان آنها هستند، هنوز در بازداشت بسر میبرند.

جمهوری اسلامی برای آزادی دستگیرشدگان وثیقه های سنگینی را مقرر میکند. هدف رژیم اسلامی

بین المللی روبرو شد، مورد تنفر شدید قرار گرفت و در مطبوعات جهان انعکاس وسیعی یافت. بدنبال این جنایت، به تجمع اول مه در تهران وحشیانه حمله شد. در شهرهای دیگر نیز برای ممانعت از برگزاری مراسم های اول مه نیروهای انتظامی و امنیتی را بسیج کردند و به خیابانها کشاندند، اما علیرغم همه این تمهیدات، اول مه پر شکوهتر از همیشه برگزار گردید.

در تهران در همان دقایق اولیه شروع مراسم که جمعیتی بالغ بر ۲۰۰۰ نفر گرد آمده بودند، و برای ممانعت از رشد فزاینده جمعیت، نیروهای سرکوب و لباس شخصی های رژیم محل را به محاصره در آورده و با گاز اشک آور و باتوم بجان مردم افتادند. آنها را مورد اهانت و ضرب و جرح قرار داده و بسیاری را زخمی کردند. بیش از ۱۷۰ نفر که نیمی از آنها زن بودند را دستگیر و

دوستان گرامی،

اول ماه مه امسال در ایران نمونه بود. یک پیروزی برای کارگران و مردم ایران بود. روز نمایش قدرت کارگران و مردم علیه سرکوب و بی حقوقی بود. دهها تشکل کارگری در اقدامی سراسری و متحد که طی سی سال گذشته بی سابقه بود و علیرغم یک حکومت نظامی اعلام نشده، در تهران و چند شهر دیگر اول مه را گرامی داشتند و با صدور قطعنامه سراسری بر اساسی ترین و مبرم ترین مطالبات خود و اکثریت عظیم مردم تاکید گذاشتند. این دستاوردی بزرگ و ارزشمند برای کارگران و همه مردم ایران بود.

جمهوری اسلامی ایران صبح اول ماه مه، دل آرا داری - که موقع دستگیری ۱۷ سال داشت - را بدار کشید تا کارگران و جامعه را مرعوب کند. این عمل آدمکشان حاکم بر ایران، فورا با واکنش های

سفر خامنه ای به سنجید و نمایش ترس و وحشت رژیم

اهدای دانشجویان به خامنه ای است.

جلادان حکومت نباید جرات حضور در میان مردم را داشته باشند. اینها مسبب سی سال فقر و محرومیت و سرکوب و کشتار و بگیر و ببند هستند. این جلادان ۳۰ سال است که دستشان به خون مردم آغشته است. مردم اعلام کرده اند که این حکومت باید برود و سران آن اجازه حضور در میان مردم را ندارند. سفر خامنه ای به سنجید نیز باید به یک رسوائی بزرگ دیگر برای حکومت تمام شود.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸ - ۶ مه ۲۰۰۹

مرعوب شدن مردم نیست. مردم چنگ و دندان نشان دانهای رژیم را نشانه ای از قدرت اتحاد خود در مقابل حکومت میدانند. مردم حکم به رفتن رژیم داده اند و پروژه هایش را به شکست میکشانند. مردم خارق احمدی نژاد را هو کردند، دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه جلسه موسوی را با شعار مرگ بر دیکتاتور پاسخ دادند. دانشجویان مازندران موسوی را شریک قتل عامهای

۱۳۶۷ معرفی کردند. کارگران اهواز به موسوی گفتند همه از یک قماشید. "موسوی ۶۷" اسم جدیدی است که مردم برای میرحسین موسوی گذاشته اند و "سید علی پینوشه" هم لقب

خیابان پاسداران، فردوسی، صفری، چهار راه وکیل و خیابان شاهپور و ... اقدام به نصب دوربین برای عکس و فیلم کرده اند. نتیجه مسافرتی با این سطح از بسیج و تمهیدات از پیش معلوم است، برای جوك و تمسخر رژیم است و برای پاسداران و دیگر مزدوران مستقر در سنجید درک این حقیقت است که رژیمشان تا چه حد منفور و زبون در مقابل مردم.

میلیتاریزه کردن فضای شهرها برای حضور هر يك از سران جایتکار این رژیم گویای عمق هراس و وحشت این جلادان از مردمی است که در صدد بزرگ کشیدنشان هستند. امروز دوره

سفر به سنجید سرخ باید بترسند و بلرزند و همه امکاناتشان را بکار بگیرند تا "بخیر بگذرد". از اکنون مراکز و محلهائی که قرار است خامنه ای به آنها رفت و آمد کند همگی زده کشی شده و در اختیار تیم های حفاظتی دفتر سید علی قرار گرفته است. کارکنان این مراکز به مرخصی اجباری اعزام شده اند. پست بازرسی های شبانه و استقرار مزدوران پاسدار و بسیجی در سطح شهرافزایش یافته است. به فاصله هرصد متر يك پست بازرسی دائر شده است. عملا فعالیت عادی دستگاههای دولتی در سنجید را تعطیل کرده اند و ماموران انتظامی در خیابانها مستقر گردیده اند. در خیابانهای اصلی شهر از جمله

بعد از شکست بزرگ جمهوری اسلامی در اول مه امسال، سردسته اوپاشان این حکومت بفکر افتاده است برای نشان دادن سرپا بودن حکومتش و همچنین ماستمالی کردن اوج اعمال توحش مزدورانش در اول مه به سنجید سفر کند. قرار است خامنه ای را همانطور که از در پشت بدخل دانشگاه بردند و از در پشت هم فراری دادند، در میان بی سابقه ترین تمهیدات امنیتی به سنجید ببرند. همین تدابیر امنیتی گسترده البته استیصال و دلیل بودن حکومت و وحشتش از تنفر مردم سنجید را بخوبی نشان میدهد. حق هم دارند. وقتی این حکومت حتی در قم مرکز تجمع آیت الله ها و آخوندها آرامش ندارد، آنگاه برای

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

دنیا را زیر پای جنایتکاران و قاتلین کودکان داغ کنیم

اعلام هفته علیه اعدام (شنبه ۹ مه تا شنبه ۱۶ مه)

کشورهای مختلف را به اطلاع عموم میرسانیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه انسان های شریف و آزادیخواه از تمامی سازمانها و نهادهای مدافع حقوق بشر و مخالف اعدام میخواهد که در این هفته به کارزار و کمپین ما پیوسته و جبهه مبارزه علیه اعدام در ایران را هر قویتر سازند. کمیته بین المللی علیه اعدام همچنین مردم ایران را فرا میخواند تا در این روز بهر طریق ممکن از برگزاری مراسمهای یادبود دلآزرگرفته تا تجمعات مختلف و ایجاد کاروانهای دفاع از حق زندگی به این کمپین بپیوندند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۴ مه ۲۰۰۹

پرشکوه مدافعین حق زندگی مخالفین اعدام و هفته ابراز وجود علنی و مادی جنبش بین المللی علیه اعدام در ایران است هفته علیه اعدام يك هفته تلاش و فعالیت فشرده و متمرکز برای کند کردن و از کار انداختن ماشین جنایت جمهوری اسلامی است. هفته امید به متهمین زیر اعدام، امید به صدها نوجوانی که هر روز و هر شب با کابوس مرگ و اعدام در سلولهای کوچک و محقر خود دست و پا میزنند.

ما در اطلاعیه های بعدی رثوس اقدامات و فعالیتهای این هفته در

در تمام دنیا چنان فضای داغ و پرشوری را ایجاد کرد تا جمهوری اسلامی بداند با ارتکاب هر جنایتی دنیای زیر پایش می شود. کمیته بین المللی علیه اعدام به منظور عمیق تر کردن و هر چه گسترده تر کردن فضای اعتراض به اعدامهای جمهوری اسلامی و بطور مشخص اعدام کودکان و نوجوانان هفته آینده ۹ مه را هفته اعتراض علیه اعدام در ایران اعلام کرده و مجموعه فعالیتهایی کمپینی لایستی را در دستور کار خود میگذارد. هفته علیه اعدام هفته نمایش

متهمین و قاضیان جنایتکار اسلامی نیست. میدان این جدال دیگر تنها به اتاق های درسته دادگستریها محدود نمیشود. فضایی به عظمت يك دنیا برای این جدال گشوده شده است. دیگر تنها این قاضیان شرع اسلامی نیستند که در باره متهمین قضاوت میکنند مردم آزادیخواه و انسان دوست در سراسر جهان به قاضی و داوران منصف محاکمات ناعادلانه جمهوری اسلامی بدل شده اند. در بطن این موقعیت جدید باید پایه ها و ریشه های جنبش علیه اعدام را در افکار عمومی جهان تثبیت کرد. باید

جمهوری اسلامی مقام اول اعدام کودکان و نوجوانان را نصیب خود کرده است. جمهوری اسلامی با اعدام بیرحمانه دلارا خشم و اعتراض بی سابقه ای را چه در ایران و چه در جهان علیه خود و علیه کل دستگاه جنایت و اعدام به ویژه اعدام کودکان و نوجوانان برانگیخته است. این اعتراضات رعدی در آسمان بی ابر نبود. تحرك وسیع و بیسابقه اعتراضات داخلی و بین المللی علیه اعدامهای جمهوری اسلامی خود محصول اروج جنبش عظیم ضد اعدام در ایران است. جدال بر سر حق زندگی دیگر دیگر تنها جدالی بین

به فراخوان سازمان عفو بین الملل، (امنستی اینر نشنال) چهارشنبه ششم ماه مه بعنوان روز اعتراض سراسری به جمهوری اسلامی برای به قتل رساندن دلارا دارابی و اعدام کودکان در ایران اعلام شد!

رپرتاژهای متعددی از این مراسم تهیه شد. خبرنگاران تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید نیز این مراسم را پوشش خبری دادند و رپرتاژ تلویزیونی کاملی تهیه کردند. کمیته بین المللی علیه اعدام و نهاد کودکان مقدمند حاضرین در تظاهرات را دعوت کردند تا با شرکت در جلسه ای که روز جمعه ۸ ماه مه در استکهلم برگزار خواهند کرد، سازمان وسیع يك کمپین دراز مدت علیه مجازات شنیع اعدام را تدارک ببینند و برای به ثمر رساندن توقف احکام اعدام، به ویژه توقف اعدام کودکان در ایران در این جلسه شرکت کنند. کمیته بین المللی علیه اعدام نهاد کودکان مقدمند

استقبال خوبی مواجه شد و تعداد قابل ملاحظه ای از مردم معترض در این تظاهرات شرکت کردند. فعالین کمیته بین المللی علیه اعدام و نهاد کودکان مقدمند از چند روز پیش با تبلیغات وسیع و گسترده مردم را از فراخوان سازمان عفو بین الملل مطلع کردند و ضمن تماسهای مکرر با این نهاد برای برپایی هر چه باشکوه تر این تظاهرات که درنوع خود از تصمیمات نادر سازمان عفو بین الملل بود اعلام آمادگی کردند و با حضور گسترده خود در این تظاهرات جو همبستگی عمیقی ایجاد کردند. این تظاهرات با پوشش خبری گسترده ای از سوی مدیا و رسانه های خبری برخوردار بود. و

عمرشان را میگذرانند. او رقم کودکان محکوم به اعدام را بسیار بیش از آماري دانست که هم اکنون نزد امنستی به ثبت رسیده است. خانم Lise Bergh اضافه کرد که سازمان متبوعش شدیداً به مجازات اعدام در ایران اعتراض دارد و احکام صادره از سوی دیوان عالی کشور و تایید حکم اعدام کودکان را يك جنایت غیر قابل اغماض میداند. او لیست بلند بالایی از نقض خشن حقوق بشر در ایران را ذکر کرد و در پایان گفت بلافاصله بعد از این تجمع اعتراضی برای تسلیم اعتراض نامه رسمی سازمان عفو بین الملل به سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم مراجعه خواهد شد. فراخوان عفو بین الملل با

بیگناهی دلارا و مخدوش بودن پرونده او اعلام کرد جمهوری اسلامی بالاخره تصمیم گرفت او را بکشد و اینکار را کرد! در ادامه او به این نکته اشاره کرد که دستگاه حاکمه ایران با کشتار مخالفان از هر دسته و گروهی که باشند، جو رعب و وحشت می آفریند و تاکید کرد که جمهوری اسلامی از اعدام مانند يك اسلحه علیه مخالفان خود استفاده میکند و خود را مقید به اجرا و یا پاسخگو به هیچ کنوانسیون و نهاد مدافع حقوق بشری نمیداند. او با ذکر آخرین آمارهای ثبت شده نزد عفو بین الملل اعلام کرد که بیش از هشتاد و پنج کودک در انتظار حلقه دار در زندانهای جمهوری اسلامی آخرین روزهای

این تجمعات اعتراضی در مراکز شهرهای بزرگ جهان و یا در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی برگزار می شود. این تجمع اعتراضی در مرکز شهر استکهلم، دریکی از مراکز بسیار پر رفت و آمد شهر برپا شد. ساعت ۱۶ مردم دسته دسته در حالیکه شاخه های گل در دست داشتند برای ابراز خشم و نفرت خود از مسببین چنین جنایاتی به صف پر شور تظاهرات می پیوستند. مراسم با سخنرانی مسلول ارشد سازمان عفو بین الملل خانم Lise Bergh به یاد دلارا دارابی و در اعتراض به اعدام کودکان در ایران آغاز شد. او با برشمردن تمامی تلاشهای بین المللی و اثبات

باز هم چهارشنبه خونین

نفر پای چوبه دار رفتند ۴ نفر به دار کشیده شدند

ایجاد کرد و بهر طریق ممکن مانع شد تا جمهوری اسلامی جنایات خود را عملی کند. کمیته بین المللی علیه اعدام مردم را فرا میخواند تا بهر طریق ممکن بر علیه اعدامهای جمهوری اسلامی به ویژه اعدام کودکان و نوجوانان مبارزات خود را گسترده تر کنند. کمیته بین المللی علیه اعدام ۶ مه ۲۰۰۹

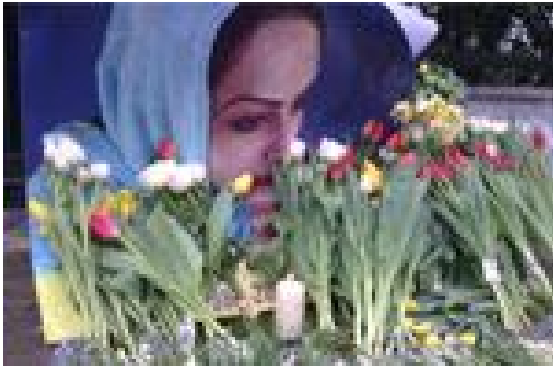
نجات این ۶ نفر از چنگال مرگ خود محصول اعتراضات و فعالیتهای مختلف فعالین جنبش علیه اعدام میباشد. نکته مهم در این روز تجمع تعدادی از فعالین اجتماعی در اعتراض به اعدام در مقابل زندان اوین بود. تجمع در مقابل زندانهای که قرار است محکومین را اعدام کنند در نجات جان محکومین به اعدام اهمیت زیادی دارد. باید در مقابل هر اعدامی تجمع وسیع و گسترده ای در مقابل زندانها

۸- علیرضا که از سال ۸۴ در زندان بسر میبرد
۹- امیر که مدت ۳ سال است در زندان بسر میبرد.
۱۰- صفر انگوتی متولد شهریور ۱۳۶۸ وی نیز به اتهام قتل در سن ۱۷ سالگی محکوم به اعدام شده است.
از میان این افراد ۴ نفر (زینب نظر زاده، حمید، حسینعلی و صفر علی) به دار آویخته شدند. اعدام ۶ متهم دیگر به مدت ۶ ماه تعلیق شده است.

۲- صفر علی که از سال ۸۶ در زندان بسر میبرد.
۳- مهدی
۴- حسین
۵- حسین علی
۶- حسین که از سال ۸۳ در زندان بسر میبرد.
۷- امیر خالقی متولد ۱۳۶۹ به اتهام قتل در سن ۱۶ سالگی

جمهوری اسلامی باز امروز را به يك چهارشنبه خونین دیگر بدل کرد. سرگراکه امروز ۱۰ نفر در زندان اوین در لیست اعدام های جمهوری اسلامی قرار داشتند. اسامی و مشخصات این ۱۰ نفر به قرار زیر بود:
۱- زینب نظر زاده ۲۸ ساله که مدت ۲ سال در زندان بسر میبرد.

جمهوری اسلامی دلارا را کشت پیروز باد مبارزه برای سرنگونی حکومت قاتلان اسلامی!



چویه دار تلاش کردند همیشه زنده بماند. حزب با بسیج وسیعتر و وسیعتر مردم به خشم آمده ایران علیه اعدام و حکومت اسلامی اعدام، خود را متعهد میداند تا مبارزه برای سرنگونی حکومت قاتلان دلارا را گسترش بخشد. حزب کمونیست کارگری باریگر مرگ دلارا را به خانواده و نزدیکان او تسلیت میگوید و خود را در غم میلیونها نفری که داغدار مرگ دلارا هستند عمیقاً شریک میداند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸، اول مه ۲۰۰۹

اسلامی چنین وحشیانه به قتل رسیدند در یادهای زنده خواهد ماند. قتل دلارا توسط حکومت اسلامی جنبش عظیم علیه اعدام در ایران را صدارت قوی تر خواهد کرد. قتل دلارا شقاوت اسلامی را بار دیگر در تمام جهان به نمایش خواهد گذارد. قتل دلارا باریگر نشان داد که کل دستگاه قضا و دادگستری جمهوری اسلامی جز ماشین جنایتی قرون وسطایی در خدمت آیت الله های میلیاردر از گور برآمده نیست.

حزب کمونیست کارگری تضمین میکند که مردم ایران و جهان خاطر دلارا و میلیونها انسانی که برای نجات او از

سیاسی در دست دولتها و بویژه در دست حکومت کثیف اسلامی در تقلا برای بقا، خویش است. انتخاب روز اول مه برای اعدام دلارایی که آروزیش نقاشی و ادامه تحصیل بود، اتفاقی نبود. رژیم درمانده اسلامی با قتل دلارا که سالها در چنگال خونینش اسیر بود، کوشید اول ماه مه روز جهانی کارگر را با نمایش جنایت و توان خون پاشیدن بر جامعه آغاز کند. آیا اکنون کسی هست که باور نکند اعدام یک حربه کثیف ارباب در دست دولتهاست؟ کسی هست که از مرگ دلارا به خشم نیامده باشد و برای به زیر کشیدن حکومت اعدام در ایران عزم جزم نکرده باشد؟

دلارا را کشتند اما او در قلب تک تک ما و در عزم تک تک ما در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی زنده است. دلارا بعنوان سمبل نوجوانان و جوانان بسیاری که توسط جمهوری

ایران را علیه خود و علیه مجازات ضد بشری اعدام برانگیخت. دلارا دارایی از سن ۱۷ سالگی به اتهام قتل در زندان و زیر تیغ اعدام قرار داشت. شواهد این پرونده نشان میداد که او نمیتوانست قاتل باشد. دلارا را به اتهام اثبات نشده قتلی در سنین کودکی به جوخه اعدام سپردند. اما قاتلانی با پرونده ثبت شده و اثبات شده دهها هزار قتل و کشتار جوانان و کودکان و مردم بیگناه، دارند بر این جامعه حکومت میکنند و با ابزار اعدام و کشتار و زندان و قوانین متعفن قرون وسطایی، نظام چپاول و دزدیشان را سرپا نگه داشته اند. اعدام دلارای عزیز مصداق دردناک و در عین حال بی چون و چرائی از این بود که اعدام قتل عمد دولتی است، قتلی که با خونسردی تمام طراحی و تدارک میشود و برای ارباب جامعه و حفظ اقتدار دولت و طبقه حاکمه به اجرا در می آید. اعدام دلارا نشان داد که چگونه اعدام يك ابزار

صبح امروز ۱۱ اردیبهشت، در روز جهانی کارگر، جمهوری اسلامی دلارا دارایی را حتی بدون آنکه به خانواده و یا وکلایش اطلاع دهد در کمال شقاوت به قتل رساند. حزب کمونیست کارگری خود را در غم بزرگ مادر و پدر و خانواده و دوستان دلارا و همه مردم ایران عمیقاً شریک میداند.

میلیونها نفر در ایران و جهان با اعتراضات خود علیه اعدام، با ارسال نامه به مراجع بین المللی و مقامات رژیم، با نوشتن مقالات و امضای تومارها در وبلاگها و نشریات، با مراجعه به خانواده مقتول و اظهارات شفاهی در کانال های تلویزیونی و بویژه با يك همبستگی بی نظیر و "رفرانند علیه اعدام" در کانال جدید خواهان توقف اعدام دلارا شده بودند. جمهوری اسلامی با دهن کجی به چنین احساسات پرشور و میلیونی با بیرحمی دلارا را کشت و موجی عظیم از نفرت جهانیان و مردم

دلارا دارایی اعدام شد، بپا خیزیم و مانع اعدام کودکان و نوجوانان شویم

عمر منحوس خود بیافزاید. بپا خیزیم و به قتل وحشیانه دلارا دارایی و اعدام کودکان و نوجوانان در ایران اعتراض کنیم. این هفته باید در سراسر دنیا و در ایران به خیابان آمده و با روشن کردن شمع با اعلام دقیق سکوت در همه مراکز کار و فعالیت اجتماعی با میتینگ و تظاهرات در مراکز شهرها و در مقابل سفارتخانه های حکومت اسلامی و با اعمال فشار به جمهوری اسلامی ایران، مانع قتلهاى بیشتر در ایران شویم. اعدام بویژه اعدام کودکان و نوجوانان باید فوراً ممنوع شود. کمیته بین المللی علیه اعدام روز شنبه ۹ ماه مه را روز اعتراض به اعدام دلارا و روز اعتراض به اعدام کودکان در ایران اعلام کرده و از همگان دعوت میکند که به این حرکت بزرگ ملحق شوند. جزئیات آگهیونها و برنامه ها را بزودی به اطلاع خواهیم رساند.

زنده باد
جنبش بین المللی علیه اعدام
www.rowzane.com
www.adpi.net
تلفن تماس ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
مینا احدی سخنگوی
کمیته بین المللی علیه اعدام
۲ مه ۲۰۰۹

دهها و صدها نوجوان در این سن را با طناب دار اعدام کند. اینها چه کسانی هستند که در قرن بیست و یکم در مقابل چشمان بشریت متمردن بچه ها را میکشند و دستهای خونین خود را می شویند و مشغول کارهای دیگر میشوند. آیا پاسخی و راه حلی هست آیا میتوانیم کاری بکنیم که علی مهین ترابی و بچه های دیگری که از زندان به ما پیام داده و از ما کمک خواسته اند نجات یابند؟

ما موظفیم کاری بکنیم. ما در مقابل این کودکان و نوجوانان و در مقابل بشریت متعهد و مسئولیم که کاری بکنیم. نباید اجازه دهیم که جلادان حاکم بر ایران بیش از اینها جنایت کنند و بیش از اینها مرزهای سبعیت و وحشیگری را درنوردند. ما باید اعتراض کنیم و این اعتراض باید متحدانه، متمرکز و قوی باشد. تنها شانس ما برای نجات کودکان و محکومین به اعدام اعتراض قوی و متحدانه ما است. باید کاری بکنیم که در دنیا همگان لحظاتی را به این عکسها خیره شوند و با احساس این کودکان عجیب گردند. ما نباید بگذاریم نوجوانان بیشتری پرپر شوند و حکومت جانیان در ایران با این قتل عمدهای سازمان یافته و وحشیانه به

آویخته میشوند و بسیاری در همان سن ۱۶ و یا ۱۷ سالگی، تصور کنید زندگی کودکان و نوجوانانی را که هر روز با کابوس مرگ و اعدام دست و پنجه نرم میکنند. تعدادی از این کودکان محکوم به اعدام با من تماس گرفته و از اعدام هم سلولهای خودشان حرف زده و از اعدام حرف زده اند، آنها میخواهند که دنیا به این قتل عمد دولتی اعتراض کند. همه این کودکان میدانند که حکومت اسلامی شوخی ندارد و به راحتی آب خوردن کودکان را به قتل میرساند. آنها میدانند که حکومت اسلامی ایران در دنیا در صدر لیست اعدامها و در صدر لیست اعدام کودکان است.

اینجا ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است که با قتل عمد و اعدام میخواهند از مردم معترض زهر چشم بگیرند و فضای رعب و وحشت ایجاد کنند. بی دلیل نبود که دلارای جوان را روز جهانی کارگر اعدام کردند و در همان روز اول مه به میتینگ اعتراضی هزاران کارگر در تهران و کرمانشاه و سنجند و... حمله کرده و بیش از ۱۷۰ نفر را دستگیر کردند.

به صورت دلارا نگاه کنید به دستهای ظریف او و به چشمهایش. کدام جلا و کدام قاتل میتواند این نوجوان و

جهانی کارگر، علیرغم همه این اعتراضات، ساعت شش و نیم صبح دلارای جوان را از خواب بیدار میکنند و میگویند برای اجرای حکم اعدام آماده شود. دلارا که مدتها با این کابوس دست و پنجه نرم کرده بود، به مادر و پدرش زنگ میزند: "مامان، بابا! میخواستند مرا بکشند به اینها بگو که این کار را با من نکنند... وقتی پدر به او میگوید میخواهند ترا بترسانند، شجاع باش دلارا فریاد میزند... من طناب دار را می بینم". او روز قبل با مادرش حرف زده و گفته بود امیدوار شده است که آزاد شود و این امینواری بدلیل اعتراضات بین المللی و اعتراض هزاران و میلیونها نفر در ایران بود. پدر و مادر رنج دیده دلارا با فاصله به طرف زندان رشت به راه افتادند اما وقتی به آنجا رسیدند، آمبولانس جسد دلارا را حمل میکرد.

ایران تنها دولتی است که رسماً کودکان و نوجوانان را به اعدام محکوم میکند و این احکام را سبعانه اجرا میکند. بیش از ۱۱۴ کودک اکنون در زندانهای حکومت اسلامی ایران منتظر ۱۸ ساله شدن هستند تا به سن لازم برای اجرای حکم اعدام و قتل توسط جلادان برسند. بسیاری از کودکان و نوجوانان يك روز بعد از جشن تولد ۱۸ سالگی به دار

نامه مینا احدی به نهادها، سازمانها و فعالین مدافع حقوق انسان در سراسر جهان

دلارا دارایی امروز دیگر نامی آشنا برای میلیونها نفر در ایران و در دنیا است. اسم و عکس و نقاشی های دلارا برای بسیاری آشنا است. دلارا دارایی، ساکن شهر رشت در شمال ایران يك دختر هنرمند ۱۷ ساله بود، که در جریان يك درگیری در منزل یکی از اقوامش که منجر به قتل يك زن به اسم مهین دارایی شد، دستگیر و در سن هفده سالگی به اعدام محکوم شد. دلارا شش سال در زندان بود و با اعلام يك کمپین برای نجات جان او از سوی نهادهای مدافع حقوق انسان، سازمان عفو بین الملل و کمیته بین المللی علیه اعدام نام و عکس او در رسانه های بین المللی و در چند هفته اخیر از طریق تلویزیون پر بیننده کانال جدید به خانه میلیونها نفر در ایران و در دنیا رفت. هزاران نفر با ارسال نامه اعتراضی به مقامات حکومت اسلامی، با امضای تومار علیه این حکم اعدام و با برگزاری میتینگ در شهرهای بزرگ دنیا اعتراض خود به این حکم را بیان داشتند.

صبح روز جمعه اول ماه مه روز

مردم انتخاب خود را کرده اند:

حکومت قاتلان و دزدان اسلامی باید برود!

۲۲ خرداد روز اعتراض سراسری علیه جمهوری اسلامی است!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در باره انتخابات جمهوری اسلامی در ۲۲ خرداد ۸۸

است. احمدی نژاد و کروی و موسوی و سایر قاتلانی که دستشان به خون هزاران نفر آغشته است و سر در آخور آخوندهای میلیاردر دارند و وقیحانه نام "گاندیدا" بر خود گذارده اند، نه انتخاب که باید محاکمه و مجازات شوند. هرچند حکومت اسلامی و اپوزیسیون پرو رژیم و روزنامه ها و رسانه های دولتی و یا ژورنالیسم نوکر شب و روز میکوشند تا این سیرک جنایتکاران اسلامی را "انتخابات" بنامند و مشروعیتی برای آن دست و پا کنند، اما برای مردم ایران حقایق فوق نکته تازه ای نیست. مردم ایران سالهاست که انتخاب خود را کرده اند: حکومت

تبدیل میکند، بیکاری و فلاکت و کلیه فروشی را به مردم تحمیل کرده و دستمزدهای بخور و نمیر میلیونها کارگر را برای ماهها پرداخت نکرده است، از پیش عدم مشروعیت خود را اعلام نموده است. اما حتی اگر رژیم این پرونده سیاه را نمیداشت باز هم مضحکه به اصطلاح "انتخابات" جمهوری اسلامی در شرایط نفی ابتدائی ترین آزادیهای سیاسی و با وجود شورای نگهبان و "نظارت استصوابی" و سایر فیلترهای اسلامی حتی با ابتدائی ترین معیارها نیز شایسته نام انتخابات نبود. این یک بازی مسخره در جنگ قدرت بین دزدان و قاتلان

در ۲۲ خرداد ماه باردیگر مشتتی از مرتجع ترین و آدم کش ترین عناصر جمهوری اسلامی را جلوی مردم میگذارند تا در نمایشی که انتخابات نامیده میشود یکی را از صندوق بیرون آورند. اما رژیمی که کودکان را اعدام میکند تا به بقا خود ادامه دهد، رژیم اعدام و جنایت، انتخابات بردار نیست. باید سرنگون شود. رژیمی که جهنم آپارتاید جنسی و حجاب و بی حقوقی شنیع اسلامی را به زنان تحمیل کرده است، مادون انتخابات است باید محکوم و برکنار شود. رژیمی که علیه اجتماع اول مه کارگران و تجمع معلمان لشکر کشی میکند، دانشگاه را به قبرستان

قاتلان و دزدان اسلامی باید برود! اما مضحکه انتخابات ریاست جمهوری اسلامی فرصت مغتنمی است تا مردم ایران فعالتر و پرشورتر از گذشته به تمام جهان نشان دهند که حکومت اسلامی نمی خواهند. نشان دهند که حکومت ضد زن و فقر کارگر، حکومت غم و عزا و فقر و بی حقوقی باید هرچه زودتر شرش را از سر جامعه ایران کم کند. نشان دهند که در برابر جمهوری اسلامی، شادی و آزادی و برابری و رفاه را انتخاب کرده اند. حزب کمونیست کارگری همه مردم ایران را فرامیخواند که فعالانه علیه حکومت اسلامی و انتخاباتش به میدان بیایند و هر اجتماع به اصطلاح انتخاباتی رژیم را به صحنه ای برای بازخواست و افشای این قاتلان اسلامی تبدیل کنند. در طول دوره مضحکه انتخابات باید در و دیوار شهر را با شعارها و پوسترهایی علیه کل رژیم اسلامی آذین بست. بویژه روز رای گیری یعنی جمعه ۲۲ خرداد

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
مه ۷، ۲۰۰۹، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۸

به رابطه با رژیم آدمکشان جمهوری اسلامی خاتمه دهید!

محاکمه بشوند یا نه؟ دولت شما چگونه می تواند بخشی از این روابط دیپلماتیک مسموم کننده باشد؟

آقای استرومگرن در پاسخ گفت که از وضعیت مردم در ایران، از اعدامها و نقض حقوق بشر در ایران آگاه است، شخصا با مردم ایران ابراز همدردی میکند. دولت سوئد بارها همین چند هفته اخیر نسبت به گسترش اعدامها در ایران ابراز نگرانی کرده است. مجموعه نکات و اطلاعات ریزی که شما ابراز کردید، در اولین جلسه وزارت امور خارجه در بخش ایران و خاورمیانه با حضور همه روسا و معاونان ارشد این بخش مطرح خواهد شد. همین حالا همدردی ما را بپذیرید، اخبار اعمال قهر نسبت به مردم در ایران حیرت آور است. کسی نمی تواند چشمش را به آن ببندد.

مجدداً ضمن ارائه آخرین اخبار و اطلاعات در مورد دستگیرهای اخیر، مبارزات مردم در ایران علیه حکومت اسلامی و سرنگونی محتوم جمهوری اسلامی بحث و گفتگو شد. ملاقات پس از حدود يك ساعت و نیم پایان یافت و قرار بر این شد که وزارت امور خارجه دولت سوئد پروتکل این اجلاس را به ما اطلاع دهد.

نهاد کودکان مقدمند
سازمان اکس مسلم، استکهلم
کمیته بین المللی علیه اعدام

مرکز تروریستی جمهوری اسلامی میدانند و شما اجازه میدهند فعالیت‌های کنسولی آن در شهرهای گوتنبرگ و مالمو نیز ادامه یابد! بما بگوئید واقعا میخواهید بین مردم ایران و دشمنان مردم ایران برگزینید؟ میدانید مردم ایران و پناهندگان ایرانی در سوئد سکوت دولت شما را بعنوان جواز جنایت به این حکومت قلمداد می کند؟ چون حمایتی از شما به نفع مردم در مقابل یورش جمهوری اسلامی و نقض مکرر و خشن حقوق بشر در ایران ندیده اند!

این قضاوت باید برای شما تکان دهنده باشد، شما که خود را مهد دمکراسی و آزادی میدانید، نمیتوانید با توجیهاات دیپلماتیک سکوت کنید! جهان شما را میبیند و همانطور که گفتیم مردم ایران دارند قضاوت تاریخی شان را از شما اعلام میکنند.

لطفاً به این سوال صریح پاسخ دهید: حکومت جمهوری اسلامی با این پرونده سیاه و مملو از جنایت، یک حکومت دیکتاتوری جنایتکار هست یا نه؟ مسولین این حکومت به جرم جنایت علیه بشریت باید در دادگاههای صالحه بین المللی

حقوق بشری از وضعیت وخیم و بشدت خطرناک زنان و کودکان، دانشجویان و کارگران در ایران اطلاع دارید، سه دهه است که همچنان به روابط دیپلماتیک خود با این



گزارش فشرده ملاقات اعتراضی هیئت نمایندگی کمیته بین المللی علیه اعدام، نهاد کودکان مقدمند و سازمان اکس مسلم با وزارت خارجه سوئد.



حکومت وحشی نه تنها ادامه میدهد که روز به روز آنرا وسیعتر و متنوعتر هم می کنید. ما و مردم ایران به هیچ وجه توجیھی برای این روابط حسنه نمی بایم. چگونه شما می توانید خبر اعدام فجیع دختر جوانی به نام دلارا دارابی را بشنوید، شرح حال او را بخوانید، از بیگناهی مطلع شوید و همچنان اجازه دهید سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم بکار خود ادامه دهد؟ این را به مردم سوئد و مردم ایران چگونه توضیح دهید؟ میدانید که هزاران پناهنده سیاسی در سوئد سفارت را

ما به دو منظور مشخص به اینجا آمده ایم که از شما بخواهیم در اولین اقدام، رسماً به جمهوری اسلامی ایران فشار بیاورید که به اعدام کودکان خاتمه بدهد و ثانیاً رابطه دیپلماتیک با جمهوری اسلامی را قطع و یا به حداقل ترین سطح، در حد کنسولگری کاهش دهید.

این تنها حکومتی در جهان است که چنین وحشیانه کودکان را اعدام میکند. شما از این جنایات بخوبی مطلع هستید، روزانه توسط سفارت سوئد در تهران اخبار موثق دریافت میکنید، توسط نهادهای

برابر با قرار قبلی و تقاضای ملاقات اضطراری برای اعتراض به روابط دیپلماتیک گسترده دولت سوئد با جمهوری اسلامی و اعدامهای اخیر، قتل دلارا دارابی و تلاش برای لغو احکام سه کودکی که هر لحظه ممکن است اعدام گردند، هیئتی مرکب از افسانه وحدت، کریم شامحمدی و سیامک بهاری با معاون ارشد بخش ایران و خاورمیانه وزارت امور خارجه سوئد، آقای (Marcus Stromgren) مبارکوس استرومگرن) روز چهارشنبه ششم ماه مه در محل وزارت امور خارجه

معلمان در چندین شهر دست به تجمع اعتراضی زدند

در تهران نیز تعدادی از معلمان در مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند که با یورش سرکوبگران جمهوری اسلامی مواجه شدند و مورد ضرب و شتم وحشیانه سرکوبگران جمهوری اسلامی قرار گرفتند و سه نفر از آنها دستگیر شدند.

حزب کمونیست کارگری حمله اوپاش حکومت اسلامی به معلمان تهران را شدیداً محکوم میکند. معلمان دستگیرشده باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. حزب از مبارزه و خواست های بحق معلمان قاطعانه حمایت میکند و همه معلمان و خانواده های آنها، کارگران و دانشجویان، جوانان و زنان آزادیخواه را به شرکت در این مبارزه و حمایت فعالانه از خواسته های عادلانه آنها فرامیخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

معلمان و دانش آموزان شدند. معلمان کرمانشاه نیز در همین همزمان در شهرهای سقز و کردند.



روز ۴ اردیبهشت معلمان شهرهای کرمانشاه، سنندج، سقز، مریوان و تهران و شیراز و ... دست به تجمعات اعتراضی زدند، خواهان حق تشکل، اعتصاب، آزادی بیان، آزادی فرزند کمانگر، لغو احکام صادره علیه معلمان، بهبود شرایط معلمان و دانش آموزان و دخالت در تصمیم گیری ها شدند و از مبارزه کارگران، پرستاران، روزنامه نگاران و سایر اقشار محروم جامعه حمایت کردند. براساس اخبار رسیده روز ۱۴ اردیبهشت معلمان شهر سنندج دست به تجمعی اعتراضی زدند، تعدادی از معلمان سخنرانی کردند و در پایان قطعنامه ای خوانده شد که در آن معلمان خواستار لغو احکام صادره علیه همکارانشان و آزادی فرزند کمانگر شدند. برسمیت شناخته شدن حق تشکل و اعتصاب، آزادی بیان و دخالت در تصمیم گیریهای آموزش و پرورش از خواسته های دیگر معلمان بود. در این تجمع معلمان ضمن طرح خواسته های خود از خواسته های کارگران، پرستاران، روزنامه نگاران و سایر اقشار محروم جامعه حمایت

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸

مریوان نیز معلمان تجمعات اعتراضی برگزار کردند. در این تجمعات معلمان خواستار اصلاح سیستم آموزشی و بهبود شرایط روز علیرغم حضور گسترده مأموران امنیتی و انتظامی تجمعی اعتراضی در سازمان آموزش و پرورش این شهر برگزار کردند. اعضای شورای مرکزی کانون صنفی در این شهر از طرف جمهوری اسلامی تهدید و یا از اجرای تحصن و اعتراض منع شده بودند.

پیام اعتراضی انترناسیونال کارگران ساختمانی و چوب به مقامات جمهوری اسلامی ایران

ژنو، ۷ مه ۲۰۰۹

موضوع: پیام اعتراضی BWI

طبق اطلاعات رسیده، تجمع و مراسم روز جهانی کارگر در تهران، که توسط تشکلات مستقل کارگری ایرانی در پارک لاله در اول مه ۲۰۰۹ برگزار شده بود، بطور خشونت آمیز توسط نیروهای انتظامی مورد تهاجم قرار گرفت، بسیاری مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و بیش از ۱۵۰ نفر بازداشت شدند. پلیس بیرحمانه به شرکت کنندگان، از جمله زنان و کودکان، در این مراسم با باتوم، گاز اشک آور و غیره حمله کرده و صدها نفر از مردم

را با زور از پارک بیرون میکنند. دیگر تجمعات اول مه، از جمله در شهر سنندج، نیز مورد تهاجم نیروهای امنیتی قرار میگیرند و شرکت کنندگان مورد ضرب و شتم و بازداشت قرار گرفتند. پنج روز پس از حمله پلیس به مراسم اول مه، در حدود ۱۳۰ زن و مرد کماکان در بازداشت هستند. آنها در شرایط غیر قابل قبولی در بند ۲۰۴ زندان اوین در تهران محبوس میباشند.

انترناسیونال کارگران ساختمانی و چوب (BWI) این حملات به حقوق کارگران مبنی بر متشکل شدن و برگزاری مراسمهای اول مه را

آیتا نورمارک
دبیرکل، انترناسیونال کارگران ساختمانی و چوب
BWI Geneva

اطلاعیه شماره یک

برای آزادی دستگیرشدگان اول ماه مه بمیدان بیاییم!

اجتماعات اول مه با یورش نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم مواجه شد. در تهران با حمله به مراسم اول مه در پارک لاله تهران بیش از ۱۷۰ نفر دستگیر شدند که بسیاری از آنها هنوز در بازداشت بسر میبرند. باید برای آزادی دستگیر شدگان بمیدان بیاییم. فعالیت های متنوع، گسترده و بین المللی را در دستور بگذاریم.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران همه توان خود را در جهت کسب حمایت بین المللی از کارگران زندانی و برای آزادی بازداشت شدگان اول مه بکار میگیرد. از اینرو کمپینی را آغاز و یک سلسله اقدامات را در این جهت در دستور خواهد گذاشت. حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم آزاده و همه سازمانهای سیاسی را فرا میخواند که برای گسترش فشار به جمهوری اسلامی و برای آزادی دستگیر شدگان اول ماه مه بمیدان بیایند.

همه بازداشت شدگان اول ماه مه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مه ۲۰۰۹، ۱۷ اردیبهشت ۸۸

صدای مردم در کانال جدید

دلارای ما را کشتند، حکومت قاتلان اسلامی

عکس از این دستگیری ها هم گرفتیم و براتون میفرستیم. موفق و موید باشید.
مردی از مشهد

برنامه ای از مصطفی صابر

سلام عرض میکنم. با بزرگداشت دلارای زبونم برای تبریک نمیکرده و شوکی که این مسئله بمن داده بقدری دردناکه که اصلا نمیتونم ببینم چی باید گفت. از اینجا اعتراض خودم را به اعدام و به جنایت اعلام میکنم و نابودی این حکومت مرگبار را از خدا و از مردم میخوام و برای خانواده دلارای تسلیت عرض میکنم و همه مردم باید بخوبی بایان بریزن و اعتراض کنن.
یک زن بیننده

سلام علیکم آقای صابر. از شهرستان ماکو زنگ میزنم. هم دیروز و هم امروز خیابانهای ماکو شلوغ بود و از دیروز در تمام فلکه ها ماشین گذاشتند و نیروهاشون رو ریختن توی خیابون و دم فلکه ها، و نیروهای چفیه دار را هم داخل حیات نشانده بودند تا اگر درگیری شد بریزن بیرون، ولی مردم هم مقابله میکردند. ما خیر دلارای را شنیدیم خیلی ناراحت شدیم و صبح با خانم الیا تابش زنگ زدیم و این ماجرا را گفتیم و گفتیم که از صبح بچه های ماکویی توی خیابونها اینور و اونور میرفتند و ناراحت بودند. میخواستیم بگم که ما تا آخرین قطره خونمون، تا آخرین قطره خونمون و ما بچه های آذربایجانی (نامفهوم) از ریش خامنه ای و بقیه میگیریم و توی خیابون میچرخونیم و چندین بار بلندش میکنیم و میگوییم زمین و انتقام میگیریم.
مردی از ماکو

سلام. من از استان گیلان زنگ میزنم و با خانواده دلارای عمیقاً همدردی میکنم. ما اینجا هستیم و با این حکومت میجنگیم. انشالله تا پیروزی میجنگیم. خداحافظ.
مردی از گیلان

سلام. من از مشهد زنگ میزنم و از صبح اینجا خیلی شلوغ بود و امیدوارم مردم کار این رژیم را تموم کنند. این ... ها چندتا از این دانشجویان را گرفتند و من چندتا

گورستان، و جامعه را گلستان میکنیم. دلارای عزیز، تو اولی نبودی و چون این حکومت حکومتی از گور برخاسته هست آخری هم نخواهی بود. مرگ بر قاتلان دلارای مرگ بر حکومت جنایت اسلامی. من بعنوان يك انسان قتل عمد دلارای را محکوم میکنم و ما باید پاسخ این قاتلان را یازده اردیبهشت در خیابانها بدهیم و خانواده هایی که رضایت دادند و مانع قتل عمد دولتی شدند از اونها بی نهایت سپاسگذارم و ای کاش همه خانواده های مقتولین مثل شما میکردند و شعله سوزان اعدام و قصاص را برای همیشه پایین میکشیدند. زنده باد همبستگی کارگران جهان و زنده باد همبستگی آزادیخواهان و همه کسانی که کارگر را حمایت میکنند. کارگر کارگر است و افغانی و ایرانی و عراقی و آسیایی و آمریکایی ندارد. بامید رهایی کارگران ایرانی اعم از کارگران آموزشی مثل معلمان و کارگران راه و ساختمان و کارگران صنعتی، و زنده باد کارگران جهان و پاینده باد کانال انقلاب خودمان.

بیننده ای از ایران
الو سلام. ضمن تسلیت به شما و بینندگان محترم میخواستم خدمت خانواده دلارای نیز عمیقاً تسلیت بگم و همدردی کنم. خانواده هایی که در این قتل و جنایتها با رژیم دجال و جنایتکار همدستی میکنند و کسانی که از خانواده مقتول با اینها در اعدام دلارای سهیم بودند همدست خود این رژیمند و بایستی خون اعدام دلارای را حتی از این کسان هم گرفت و ما بایستی يك اقدام لازم را بخاطر این همدستی با این آخوندهای جنایتکار انجام بدیم. جناب صابر با آخوندها نیشه با مسالمت کنار اومد و فقط باید مسلحانه اقدام کرد همانطوری که آنها امثال دلارای را میکشند ما هم بایستی اینها را بکشیم و همانطوری که اینها تجاوز میکنند ما هم مثل خودشون عمل کنیم. ای برادران، شماهایی که خونه های این رژیم ها و بسیجی ها رو میشناسید و در دسترس شما هست اگر نمیتونید اسیدی بپاشیم ولی میتوانید با تیری خلاصشون کنیم (قطع شد)

بیننده ای از ایران
سلام آقای مصطفی صابر. ما همچنین باید انتقام دلارای و دلارای

قبل را از اینها بگیریم. من با یکی از بستگانم که در بیت رهبری بود تماس گرفتم و گفتگویی بین ما شد و نفرت خودم را توضیح دادم و پیغام زشتی هم شنیدم و طرف من ادامه داد که بگوش اوایما برسوید که روز اول مه ما نه تنها دلارای را کشتیم بلکه رکسانا صابری را هم بحسابش خواهیم رسوند و آقای باراک اوایما و انگلیس و دیگری و دیگری هم هیچ غلطی نمیتونن بکنند. من میخواستم از اینجا به آقای باراک اوایما برسونم که این طرف ما از بیت رهبری میگفت که ما منتظر يك جنگیم که انگلک کنیم و اونها هم حرکت کنن و منتظر يك جنگیم. حالا من نمیدونم که مردم ما چه جوری باید تصمیم بگیرند که در روز اول مه که در قبال يك عمل عادی ما اینجور با تمام بی شرمی اعدام دلارای را انجام میدن و مدعی هم هستند که بازم خواهیم کرد و منتظر جنگیم. حالا شما فکر کنید که مردم چگونه میتونند تصمیم بگیرند.

بیننده ای از ایران
سلام علیکم. لعنت به این جمهوری اسلامی، لعنت به این جمهوری جنایت، عجب کشفتهایی پیدا میشن! من بشما افتخار میکنم آقا. از تبریز زنگ میزنم قربان. الان آماده میشم برم سه راه امین تظاهرات روز کارگر. مرگ بر جمهوری اسلامی. زنده باد شما. مردی از تبریز

سلام. من از شیراز زنگ میزنم و یکی از دلارای هستم و در چنگ این جمهوری اسلامی هستم، چه جوری بگم آخه با درد اعتیاد و با تن فروشی و هزار کار دیگری که جمهوری اسلامی بر سر ما میاره! چرا يك زن پاسدار باید بهترین زندگی را داشته باشه و هر امکاناتی داشته باشه؟! ولی من که يك کارگر هستم باید به فساد و اعتیاد کشیده بشم و باید از جامعه طرد بشم و توی خونه این و اون دربر بشم؟! تو را خدا به درد ما برسید و بیاید همسایه های بیاید ببینید که چه دردی دارند، اند یا سیرند، ببینید من و همسایه هامون چگونه زندگی میکنیم؟! اگر باهم همبستگی داشته باشیم همه مشکلاتمون حل میشه. مردم ما خودشون را بخواب زدن (قطع شد)

زنی کارگر از ایران

الو سلام. من اونقدر ناراحتم از اعدام دلارای که بغض منو گرفته و نمیتونم صحبت کنم! فقط هرچه زودتر با کمک همدیگه میخوام این رژیم سرنگون بشه و امثال دلارای کشته نشن - حق هق گریه - نمیتونم صحبت کنم.
زنی بیننده از ایران

تظاهرات روز کارگر، فقر و تبعیض نمیخواهیم دستگیر شدگان باید فوراً آزاد شوند

برنامه ای از شهلا دانشفر
الو از خراسان صحبت میکنم. درود بر کانال انقلاب. درود بر این حزب - مرگ بر جمهوری اسلامی زنی از خراسان

سلام خانم دانشفر. من خودم زندانی سیاسی بودم و همه زندانیان سیاسی بویژه دستگیر شدگان روز کارگر باید فوراً آزاد شوند. من دیروز هم تماس گرفته بودم و میخواستم عضو بشم. مردی از خراج از ایران

سلام خانم دانشفر. تشکر میکنم بخاطر این کانال که بعد از ۸۰ - ۷۰ سال مبارزه کمونیستها، برای اولین بار ما به هیچین رسانه ای داریم و پایش مینشینیم و میبینیم و امیدواریم که پابرجا باشه و این پیامها را همینطور به مردم دنیا

مخصوصاً به مردم ایران برسونه. من فکر میکنم یکی از قدیمی ترین کارگری هستم که روز کارگر را هرسال بدون استثنا توی خیابانها بودم اما الان متأسفانه بخاطر شرایط موجود فعلاً در کشور آلمان زندگی میکنم. من با افتخار اینرا میگم، با افتخار اینرا میگم، با افتخار اینرا میگم شما بزرگترین کسار تاریخ را انجام دادید با این کانال و تا امروز هیچوقت روز کارگر با این عظمت در ایران برگزار نشده بود بلکه همیشه مخفی بود، همیشه پا بسته بود، همیشه زیر ضرب ساواک بود، همیشه زیر ضرب انواع و اقسام گروههای رژیم گذشته و رژیم حال بود که دیگر وضعیتش برای همه معلوم است ولی همیشه روز کارگر برگزار میشد منتها با آرامی و زیر زمینی و در

صفحه ۲۱

از صفحه ۲۰ صدای مردم در کانال جدید ...

عروسی ها و در تولدها همه ما تلاش می‌کردیم که روز کارگر را برپا نگاهداریم ولی امسال معجزه بود، امسال بی نظیر بود، امسال اولین بار بود که این حرکت انجام شد و توی خیابان و توی پارک مردم تماشا کردند. امیدواریم بتاریکی کشیده نشه و فقط این پیامها را بمردم برسوند و بدونند که کانال جدید رویش کار میکنه و لاقال نظر من را بکشد که از سال ۴۹ تا امروز شصت سالم هست و همیشه غصه کارگران ایران را خوردم و من شاید یکی از بازماندگان این کارگران باشم چونکه شصت سال عمر کرده ام. در مرحله یک، از همه کارگران ایران می‌خواهم که از این کانال حمایت کنند، مرحله دو، همه کمونیستهای ایران، مرحله سه، همه آزادی خواهان ایران، مرحله چهار همه جنبشهای چپ دنیا از این کانال حمایت کنند. متشکرم تا روز بعد.

مردی از آلمان

الو سلام. من حیدر هستم از ایران زنگ می‌زنم میشناسید؟ اون کارگری که میگفت هشتصد هزار تومان میگیره و خوب زندگی میکنه، اینها همه شون جیره خوران رژیمند و از زنگ زدنشان بیشتر هدفشان وقت کشی است و گرنه من خودم کارگرم و برچی سیصد تومان نمیدن و تازه چهار ماه هم هست که حقوق ندادند. من خواهان آزادی دستگیری ها هستم و باید خیلی زود آزاد شوند. ...

کارگری از ایران

سلام خسته نباشید. اون آقایی که گفت یک کارگر ساده هستم و راضیم باید بگم که تو غلط کردی و دروغ میگی و تو هم کسی هستی که دور سفره همین آخوندها میشینی. چرا اینها دروغ میگویند؟ کدام کارگری هست که صداهای درنیاد؟ چرا شماها دروغ میگویند؟ مرگ بر جمهوری اسلامی. مرگ بر همین آخوندهایی که سی ساله که خون مردم و جوانان ما را توی شیشه کرده اند. کارگر ماهی دوست و بیست هزار تومان بیشتر نمیگیره و یک کیلو گوشت شده یازده هزار تومان و گوجه شده هزار تومان. یگ کارگر با ۴ بچه چطور میتونه زندگی کنه. لعنت بر شما ها و ننگ بر شماها. فکر میکنید با این دستگیر کردن نمایندگان مردم ایران اونوقت مردم ایران ساکت میشینند؟ کور خونید بخدا اگر یک نفر دستگیر بشه یا اعدام بشه هزاران نفر به کانال انقلاب میپیوندند و طرفداران ما روز بروز بیشتر میشن و شماها دنبالش سوراخ میگردید. لعنت بر شماها. مرگ بر خمینی. لعنت بر شماها. مرگ بر جمهوری اسلامی. لعنت بر شماها ای کافران کثافت وطن فروش، لعنت بر شماها از آن گنده گنده هایتان تا اون کوچیک هایتان. خانم دانشفر اون آقایی هم که به شما گفت رشتی هستید مگر رشتی ایرانی نیست و مگر کرد و آذری ایرانی نیست؟ شماها هستید که یکمشت فاسد نژادپرست هستید و همه جوانان و کودکان ما را معتاد کردید. کثافت‌های عوضی. زنده باد حزب کمونیست کارگری

مردی از ایران

سلام. خانم دانشفر می‌خواهم جواب اون

آقا را بدم که گفت به خمینی توهین میکنید. خمینی این مملکت را به خون کشانده. در اروپا اگر کارگری بیکار بشه حقوق بیکاری بهش میدن و حقوق بچه هاشو میدن و مسکن بهشون میدن. تو اگر کارگری چرا دروغ میگی و چرا از این رژیم و خمینی طرفداری میکنی عزیز من؟ حکومت آخوندی سی سال کشور ما رو به لجن کشیده تا کی باید تحمل کنیم؟ عزیز من دشمن تو نیستم به پیر قسم به خدا قسم به بچه ام قسم دشمن تو نیستم اما میگویم لاقال واقعیت را بگو نه دروغ و نه طرفداری از خمینی و رژیمش. تو چطور میتونی با دوست و پنجاه هزار تومان طرفدار رژیم باشی که یک کیلو سیب زمینی شده دو هزار تومان و گوشت شده یازده هزار تومان؟ هان؟! چرا دروغ میگی. دلاری ما را اعدام کردید ولی دلاری در دل ما ماند و هزار نفر به حزب پیوستند. آیا اگر دختری که آخوند بود یا دختری که پاسدار بود اعدامش میکردند هان؟ چرا دروغ میگی من کارگرم و راضیم؟ دیگه واقعا بسه دیگه واقعا شرم آورده. هی میایید میگویند ما خانواده شهیدیم و کشتار دادیم، دلاری یک شهید نیست؟ اینهمه اعدامیها شهید نیستند؟ حتی کسانی که زیر اعدامند و پسر بچه ای که هیچانی شده و دیگری را کشته خود او هم شهید این جامعه هست و اینهمه معتاد و تنفروش هم شهیدان این جامعه هستند. کسی که تنونه دست دوست دختر و دوست پسرشو بگیره روانی میشه یا خود کشی میکنه و یا چاقو میکنه تو شکم دیگری. اعدام چیه و زندانی ابد چیه؟ ما با هیچ ایرانی دشمنی نداریم و تو اگر واقعا از مردم هستی واقعیت را بگو و دروغ نگو. کارکنان کانال جدید برای من و تو زحمت میکشند و حالا تو میایی میگی به خمینی توهین میکنید. مردم ایران، بیدار شید که دشمن شما کانال جدید نیست بلکه همین هیترها و نازی های اسلامی و این آخوندها هستند.

مردی از ایران

الو سلام. خانم دانشفر این آقایی که میگفت کارگرم و هشتصد هزار تومان میگیرم از این آخوندها بود و دروغ میگو. اونهم که میگه چرا به خمینی توهین میکنید تف به خمینی تان، تف به خامنه ای تان، تف به رئیس جمهورتان و تف بر این

رژیم شما باد. مردی از ایران

الو سلام من معلم بازنشسته ام و چهار تا بچه دارم و دو دخترم دانشجو هستند و چهارصد تومان بمن پول میدن آخه بعد از سی سال من با این پول چه کنم؟! من چون یک زن هستم ببینید تبعیض تا کجاست چون یک زن هستم بیمه بچه های من آزاده و بچه های منو بیرون کردند از بیمه و چرا من باید پنج برابر حتی ده برابر بیشتر از همکاران مرد بیمه بدم! چرا؟ دختر دانشجوی منو که در شهرستان درس میخونه بخاطر بدحجابی گرفتند و پنجاه ضربه شلاق زدند و نمیدونستم و بعدا فهمیدم. آخه یک دختر جوان دانشجو چرا باید شلاق بخوره و جشمش چطور میتونه تحمل کنه؟! من چطوری کرایه منزل را بدم؟ آخه اینهایی که میان طرفداری میکنن اینها را نمی بینن؟ واقعا نمی بینید اینها را؟ مردم تنها راه رهایی شماها پیوستن به حزب کمونیست کارگری است. هر دینی و هر عقیده ای می‌خواهی داشته باش ولی به این حزب بپیوند تا از این بدبختی نجات پیدا کنیم. همه این دستگیرشدگان ها باید آزاد شوند. مرگ بر جمهوری اسلامی. زنده باد حزب کمونیست کارگری. لعنت بر این رژیم.

زنی معلم بازنشسته

سلام بشما. من کارمند بازنشسته بانک هستم و بعد از بیست و چند سال کار برایم صد و هشتاد هزار تومان حقوق میدن اونوقت چطور اون کارگر هشتصد هزار تومان میگیره خانم. اون کاملاً دروغ میگه و از مزدوران اینهاست. مرگ بر جمهوری اسلامی.

مردی بازنشسته بانک

الو خانم دانشفر درود به شرفتان. ما همه باهمیم برای انقلاب. خیلی ممنون خدافظ.

مردی از ایران

سلام خانم دانشفر. امروز کسی که از رژیم دفاع میکنه بویی از انسانیت نبرده و کسی که با حزب کمونیست کارگری مخالفت داره باید با تمام توان جوابش داده بشه. ما اینطرف حزب کمونیست کارگری ایران را داریم و اونطرف هم رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را، و مردم دارند

هرچه بیشتر به این حزب می‌پیوندند. طرفداران رژیم دیگه باید شرم و حیا کنند و دیگه این صحبتها خیلی دیره.

مردی از ایران

خانم دانشفر سلام. از خارج زنگ می‌زنم. من تقریباً همه کشورهای دنیا را دیده ام ولی هیچ جای دنیا فقر و فحشا و اعتیاد اینقدر نیست که در جمهوری اسلامی هست. هیچ جای دنیا اینقدر کودک در خیابانها نیست. هیچ جای دنیا رژیمها مردم خودشان را اینقدر اذیت نمیکنن، و هیچ دولتی مثل جمهوری اسلامی که بغیر از افراد و کسان و آشنایان خودش را روی کار میاره نیست و هیچ جای دنیا حقوق کارگر را اینقدر کم و اینقدر چند ماه عقب افتاده نمیکنه. اینها لاقال برندن ببینند بعد بیان اینجور بگند که شما اونور آبیید و نمیدونم همه جای دنیا بدبختی هست و غیره. حتی در سوریه و پاکستان هم اینجور نیست دیگه چه رسد به تونس و ترکیه که بیان بزور مردم را از خونه بکشند بیرون و تجاوز کنند و بکشند و سنگسار کنند. من نه کارگرم و نه هیچ موقع کارگر بودم ولی سی سال است که در خارج زندگی میکنم و مثل خیلی ها نگران ایران هستم و همیشه ناراحتی دختران و زنان ایران مثل ناراحتی خواهرانم بوده و همیشه ناراحتی مادران و پدران مثل ناراحتی والدین خودم بود و همیشه با زنان و مادرانی که بخاطر نان بچه شان تنفروشی کرده اند و بخاطر سرکوبیهای دختران بدحجاب و دوست پسر داشتن و یا سرکوبیهای پسران بخاطر خواسته هایشان گریه کرده ام. مردی از خارج

خانم دانشفر سلام از تمامی دستگیر شدگان حمایت میکنم و باید بدون قید و شرط و بدون وثیقه گرفتن آزدشون کنند. ما این حکومت فقر و تبعیض و جنایت رو نمیخواهیم. نمیخواهیم نمیخواهیم. مردی میگفت کارگرم اومد گفت که با دوست و پنجاه هزار تومان راضیم! می‌خواهم بگم ما دانشمندان و فیلسوفهایی هم داشتیم که در دنیا از حکومتهای جنایتکاران دفاع کرده اند. بله ممکن است که من هم در زندگی مثل شما ببخشید خرفت باشم و متوجه نباشم ولی اگر واقعا با این حقوق راضی هستی اینرا بدان که

از صفحه ۲۱ صدای مردم در کانال جدید ...

نمیشه که با این حقوق مردم را برای حمایت از این رژیم دعوت کنی. من اگر ناآگاه و خرفت باشم دلیل نیست که بقیه مردم که آگاه هستند به خط من بیان. خسته نباشید خانم دانشفر. يك بيننده مرد

سلام خانم دانشفر. من خودم يك كارگرم و تمام دستگیری ها باید بدون قید و شرط آزاد بشند. واقعا مرگ بر خمینی که چنین حکومتی ساخت. من عضو حزب کمونیست کارگری شده ام و با خانم الیا تابش هم تماس گرفته ام و شعارهایم را هم در دیوارها نوشته ام که به کانال جدید کمک مالی کنید. مرد کارگری از ایران

سلام خانم دانشفر. من بعنوان يك برادر کوچکتر به همه مردم میگم که ای مردم ما همه مون داریم قربانی این رژیم که مال يك اقلیت کوچک هست میشیم. دیگه بسه دیگه نباید تحمل کنیم. مردی از ایران

سلام خسته نباشید. من بعنوان يك نظامی واقعا خواسته های شما را تحسین میکنم. مرگ بر جمهوری

اسلامی. من واقعا نگرانم و بعنوان يك نظامی از این رژیم واقعا ناراحتم. يك نظامی ناراضی

خانم دانشفر سلام. دستگیری اول ماه مه را تجاوز به حریم نمایندگان خودمون میدانم و شدیداً محکوم میکنم و تمام اونها نمایندگان ما هستند و خواسته های اونها تماما آزادی بی قید و شرط و سریع آنها هستیم و به جمهوری اسلامی هشدار میدهیم که اینکار را تکرار نکنند و بداند که اونها ما هستند و ما هم اونها هستیم. زنده باد کانال انقلاب، درود بر انسانیت و درود بر پری انقلاب ما خاتم دانشفر. مردی از ایران

سلام بشما. از روزی که خانم دلارا دارابی را کشتند من میخوام عضو حزب کمونیست کارگری بشم. ما سه نفریم. مرسی از برنامه های خوب شما. مردی از ایران

سلام خانم دانشفر. من میخوام عضو حزب بشم و به خانواده دارابی عمیقا تسلیت میگم و من از دوستان شما

در سوئد خواستم که ماهانه مبلغی را از حقوق من برای کانال جدید کم کنند. زنی از سوئد

خانم دانشفر سلام. این رژیم با سرانش رفسنجانی ها و خامنه ای ها و همه شون ما را بدبخت کردند. اگر ما در انقلاب ۵۷ چنین حزبی داشتیم هرگز به این روز نمیافتادیم الان باید هماهنگ بشیم و کار اینها را با اتحاد خودمون تمام کنیم دیگه بیچاره شدیم. مردی از ایران

الو سلام. جمهوری اسلامی باید بداند که دستگیر شدگان ما را باید آزاد کند و جواب اینهمه سرکوب و بدبختیهایی که سر مردم میاره از ما خواهد گرفت. ما آزادی میخواهیم و از خواستهای قطعنامه روز کارگر و آزادی زن و مرد دفاع میکنیم. همین زنی از ایران

سلام خانم دانشفر. من شعری دارم. جانیان اسلامی کشتند و زیر خاک خاوران ها کردند همه حق خواهان را - بخون خفته ها از خاوران تهران بزودی سربرمیآورند - سربرمیآورند خون دلاراها از خاوران خاور و باختر ایران - يك رعد طوفان عدالت بر میتوفد و

برمیچیند سیاهی از ایران - زنده و پاینده باد این نظم و عدالت داوری خواهان - خواسته اول ماه مه ایران عین خواسته مردم ایران است - در ایران دسته دسته مردم اعلام عضویت میکنند - درود بر حزب کمونیست کارگری ایران - و این پاسخی واقعا شایسته است از جانب مردم ایران - زنده باد حق طلبان و برابریخواهان مردم ایران. با تشکر از شما. مردی از ایران

خانم دانشفر من همان هستم که گفتم کارگرم و شعار مینویسم بر دیوارها. دستگیری های ما باید بی قید و شرط آزاد بشند. در مورد حقوق کارگران یه چیزی میخوامم بگم یادم رفت. اخیراً از تعدادی از کارگران اثر انگشت میگیرند و میگویند که شما باید بگید که ما بن کارگری مان را گرفته ایم و گرنه اخراجتون میکنیم! اصلاً اینطوری نیست و هیچ کارگری بن کارگری را نمیگیره. لباس کار و حق استراحت و اون بن هایی که باید بما کارگران بدن نمیدن دروغه فقط الکی میگن اثر انگشت بده و گرنه اخراجت میکنیم و من رفتم شکایت کردم کسی بدادمون نمیره. زنده باد حزب کمونیست کارگری. مرد کارگری از ایران

خانم دانشفر سلام. جنایتکارتر از اینها خودشونند و دزدتر از اینها خودشونند... هم خودشونند. اینها مال و زندگی و عمر مردم را سی سال است که خوردند و تباہ کردند. اینها دشمن انسانند. اینها دشمن زندگیند یعنی در تمام دنیا جنایتکارتر و کثیفتر از حکومت آخوندها فقط و فقط خودشونند و هیچکس دیگری نبوده و نیست و نخواهد بود. من دیگه حرفی ندارم. يك مرد بیننده

خانم سلام من از یزد زنگ میزنم. آخه این چه حکومتی هستش که وقتی میری امامزاده یهو میبینی که يك زن میاد میگه که بمن کمک کن میخوام برم شهرستان خودم یا یه آقایی میاد میگه که بمن کمک کن پام شکسته درمان کنم. آخه این چه دولتیست؟! اینها را باید دولت رسیدگی کنه. خداحافظ. مردی از یزد

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

تلویزیون کانال جدید

Hotbird 8

Frequency 12303 Mhz

FEC 3/4

polarization Vertical

www.newchannel.tv

New Channel TV

کمپین ۳۰۰ هزار دلاری برای تامین کانال جدید

سازماندهی اعتراض و مبارزه علیه جمهوری اسلامی، این وسیله متحد کردن توده های میلیونی برای تحقق شریف ترین آرمانهای بشری را ممکن میگردانید.

بینندگان کانال جدید، شما مردم معترض و عدالت طلب، با کمک های خود بار دیگر تداوم کانال جدید این ابزار مهم

صمیمانه از دوستان عزیز که به این کمپین پیوسته اند قدردانی میکنیم و اطمینان داریم که شما دوستان و برای ادامه کاری کانال جدید از روز دوشنبه ۴ مه شروع شده و به مدت شش هفته ادامه خواهد داشت.

اولین لیست کمک های دریافتی برای تامین ۳۰۰ هزار دلار را به اطلاع میرسانیم. کمپین ۳۰۰ هزار دلاری

تلفن و آدرس تماس برای کمک مالی:

از ایران:

شهرلا دانشفر: ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
Shahla_daneshfar@yahoo.com

تلفن تماس در اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

حسن صالحی: ۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

شماره حساب سوئد:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

شماره حساب آلمان:

Germany

Rosa Mai

583657502 Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

شماره حساب کانادا:

Canada

ICRC

Scotiabank

4900 Dixie Rd, Mississauga

L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 4779 81

BIC: NWBK GB 2L

لیست ا، ۷۵۷ ۲۰۰۹:

۲۰۰ دلار	سامیه عسگری
۱۰۰ دلار	جمشید هادیان
۱۰۰ دلار	به یاد زهرا کاظمی
۱۰۰ دلار	یلدا بیات
۹۰ دلار	محمد کاظمی
۸۰ دلار	آناهیتا کاظمی
۳۰ دلار	شوکت حسن
۱۰ دلار	محمد تورنتو
۵۰۰ دلار	فاتح بهرامی
۵۰۰۰ دلار	مصطفی صابر
۴۰۰ یورو	بهمن ذاکر نژاد
۱۵۰ یورو	افشین سرسی
۵۰ یورو	الهی
۵۰ یورو	دوست علی
۵۰ یورو	رضامرادیان
۵۰ یورو	ایرج فرجاد
۵۰ یورو	میترا
۲۵ یورو	سیاوش
۲۰ یورو	بهار
۲۰ یورو	بهزاد
۲۰ یورو	اکرم قاسمی
۲۰ یورو	باقر عرب
۱۰ یورو	شهین
۱۰ یورو	یعقوب
۱۰ یورو	احمد
۱۵ یورو	هادی
۵ یورو	علی ایه
۳۰۰۰ کرون	آذر پویا
۳۰۰۰ کرون	حسن صالحی
۳۰۰ کرون	نیک از لوند
۲۵۰ کرون	نازلی
۲۰۰ کرون	غلام و آذر
۲۰۰ کرون	کاووس قبادی
۱۰۰ کرون	فرزانه
۱۰۰ کرون	آریان ناظری
۱۰۰ رکون	عبدالله رضایی
۱۰۰ کرون	داریوش شاماری
۱۰۰ کرون	آذر مقدم
۱۰۰ کرون	سلیمان

از ایران:

۶۰۰۰۰۰ تومن

حوزه انترناسیونال

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

گوشه هایی از تظاهراتهای اول مه در جهان



کمونیست و چپ در تظاهرات و راهپیمایی اول ماه مه در ونکور شرکت کردند. تظاهرات کنندگان با پرچمهای سرخ و شعارهای خود در مقابل آرت گالری در مرکز شهر ونکور تجمع کرده و پس از ایراد چند سخنرانی، راهپیمایی خود را به سمت میدان پیروزی آغاز کردند.

جمعیت تظاهر کننده در تمام چهار راههای مسیر راهپیمایی توقف کرده و به ایراد سخنرانی و یا شعار دادن پرداختند. سخنرانان اعتراض خود به نظام سرمایه داری را اعلام کرده و به افشای وجوه مختلف مشقات ناشی از آن علیه زندگی طبقه کارگر و عموم مردم زحمتکش دنیا پرداختند. از جمله سخنرانان این تظاهرات فهیمه صادقی کادر حزب کمونیست کارگری در غرب کانادا، روز جهانی کارگرا به همه تبریک گفته و اشاره کرد که کارگران که همه چیز را تولید میکنند خود از حاصل کار خود بی بهره اند.

تظاهرات و راهپیمایی اول ماه مه پس از خاتمه سخنرانیها در میدان پیروزی شهر ونکور پایان رسید. در طی مدت تظاهرات تعداد زیادی از بیانیه اول ماه مه حزب به فارسی و انگلیسی توسط فعالین حزب به دست مردم رسید. ماشین ترین شده به عکسهای مارکس، لنین و منصور حکمت، باندرویل "حق با مارکس بود" و پلاکاردها و شعارهای دیگر حزب مورد توجه و ابراز احساسات عابرین و شرکت کنندگان در تظاهرات قرار گرفت.

آمریکا: دالاس

یکشنبه سوم ماه مه بمناسبت روز جهانی کارگر، مراسمی در دالاس برگزار شد. عباس ایاقی از کادرهای حزب پس از خوشامد گوی در مورد مبارزات کارگران در ایران و نقش حزب سخنانی ایراد کرد. همچنین شماره میزبانی کادر حزب کمونیست کارگری ایران نیز در مورد مبارزات کارگران در ایران و شرایط آنها سخنانی بیان کرد. سپس چند تن از شرکت کنندگان صحبت کردند. مراسم با صرف نهار و پخش موسیقی و رقص ادامه یافت. در این مراسم کمک مالی برای حزب نیز جمع آوری شد.*

از صفحه ۱۱ شرکت گسترده و فعال ...

به شرکت کنندگان در میتینگ داده شد و از آنها خواسته شد که به حمایت از دستگیر شدگان اول مه تهران و سندانج برخیزند. طوماری در حمایت دستگیر شدگان اول مه ایران

در کانادا و آمریکا تعطیل رسمی نیست خیابانهای تورنتو شاهد تظاهرات هزاران نفر بمناسبت روز جهانی کارگر و در دفاع از حقوق مهاجرین و پناهندگان بود. فعالین



و محکومیت جمهوری اسلامی ایران تهیه شده بود که به امضای جان کلارک رهبر ائتلاف علیه فقر انتاریون رسید. در تورنتو جشنی بمناسبت اول مه از

حزب و فدراسیون پناهندگان ایرانی هر سال در این تظاهرات شرکت میکنند. در کانادا و آمریکا هفته اول سپتامبر از سوی اتحادیه ها جشن گرفته میشود. تظاهرات این



طرف حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست کارگری چپ عراق برگزار شد. در این جشن حمید تقوایی، بروس آلن و سمیر نوری

روز تاکید بر این مساله بود که روز کارگر میباید اول مه برگزار گردد. پرچم های مزین به تصاویر مارکس در این تظاهرات توسط فعالین حزب



سخنرانی داشتند. در این مراسم یک نفر تقاضای عضویت در حزب کرد.

حمل میشد. در این تظاهرات صدها نسخه از بیانیه حزب در مورد اول مه توزیع شد. گزارشی از برگزاری اول مه در ایران و دستگیری فعالین کارگری

ونکور

صدها تن از فعالین سوسیالیست،

سوسیالیسم پیا خیز! برای رفع تبعیض